



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، چیا فوادی، المیرا حصارکی
شهرزادهمتی، فرید دانشفر، مانلی فخریان
منصور اولی، الهام اسماعیلی‌پور، علی رضانی
ایلیا پیرولی، مهدی تقوی

با سپاس از: دکتر سیداصغر ابن‌الرسول

طراح جلد: سهیل نوری

صفحه‌آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

حروف چینی: سعید بختیاری

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

تحریریه

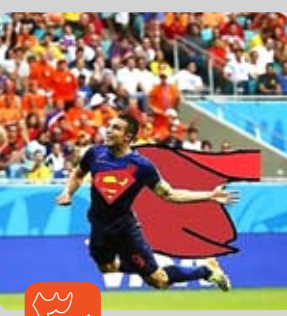
مجله اقتصاد و مدیریت

- ۲..... سرمقاله: راز و رمز مستطیل سبز کسب‌وکار
- ۳..... گزارش اجمالی از دومین همایش مدیران شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی
- ۸..... سه داستان استیو جابز: مرگ بهترین اختراع زندگی است
- ۱۰..... منشور کمیته ریسک، نقطه آغاز استقرار مدیریت ریسک
- ۱۲..... برنامه‌ریزی استراتژیک
- ۱۵..... چهار گزارش به مناسبت روز ملی صنعت
- ۱۹..... گزارشی از اشتیاق کشورهای توسعه‌یافته برای حضور در اقتصاد ایران



مجله فرهنگ و خانواده

- ۲۲..... تابستان نفرین‌شده یا وقتی نحسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آمد
- ۲۴..... کندلوس، فرصتی برای پیوند با طبیعت
- ۲۵..... پیشنهادی برای روزهای داغ مردادماه
- ۲۶..... دور ریختنی‌های دوست داشتنی
- ۲۸..... جشن‌های تابستانی در جنوب ایران
- ۲۹..... به بهانه سالگرد درگذشت حسین پناهی
- ۳۰..... ترین‌های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل
- ۳۲..... تقویم تاریخ
- ۳۲..... جدول کلمات متقاطع



انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

راز و رمز مستطیل سبز کسب و کار

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

تلاش کنند و خود را محور بدانند و نه تیم را، سرنوشت برخی تیم‌های نامدار حذف‌شده در همان مرحله مقدماتی را پیدا می‌کند. هر چند در دوره‌های گذشته قهرمان جهان شده باشد. رمز پیروزی برنده جام جهانی این دوره، تنها و تنها همان کار منسجم تیمی بود. انسجام نیازمند مدل است، پیاده‌سازی مدل نیازمند نظم و برنامه‌ریزی است و نتیجه‌گیری از برنامه نیز نیازمند اجرای تمام و کمال آن در تمامی ۹۰ دقیقه‌ای است که زمان مسابقه است. اگر مدل به‌خوبی اجرا شود، ولی فقط ۸۰ دقیقه یا حتی ۸۰ و چند دقیقه دوام یابد، پنج دقیقه آخر ممکن است سرنوشت بازی دگرگون شود. در بازی نهایی و حتی نیمه‌نهایی این دوره بسیاری از نام‌های بزرگ - مانند ایتالیا، اسپانیا و انگلستان - غایب بودند و تیم‌هایی مانند کاستاریکا و کلمبیا جای آن‌ها را گرفته بودند؛ درست مانند لیست ۵۰۰ شرکت بزرگ فورچون که ۴۰ درصد از شرکت‌هایش، اصلاً ۲۰ یا ۳۰ سال پیش وجود نداشتند. نه این‌که در فهرست ۵۰۰ شرکت برتر نباشند، بلکه هنوز ایجاد نشده بودند. و این قانون گریزناپذیر طبیعت است. بنگاه‌ها و تیم‌ها اگر محیط را روزبه‌روز بررسی و ارزیابی نکنند و برنامه‌ریزی برای هماهنگی با تغییرات آن نداشته باشند، به پیشینه پرافتخار خود بسنده کنند و موقعیت رقبا را ارزیابی نکرده و درک درستی از آن نداشته باشند، سرنوشتی جز حذف نخواهند داشت. دنیای رقابت در عین زیبایی و جذابیت و شیرینی، بسیار بی‌رحم هم هست.

بنگاه‌ها نیز مانند تیم‌های فوتبال، در مسابقه‌ها و تورنمنت‌های مختلفی در حال رقابت هستند؛ از شهرآورد یا همان دربی گرفته تا کشوری، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی. بر تارک تیم‌ها ایستادن برنامه‌ریزی، انگیزه، روحیه و روش کار تیمی، نظم آهنین در عین انعطاف‌پذیری و دوییدن تا دقیقه پایانی لازم دارد و البته این دستاورد بسیار سخت حاصل می‌شود.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی اکنون در مسیر ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها با رقابت نفس‌گیری روبه‌روست. مولفه‌های فضای کسب و کار نه‌چندان هموار که کمبود منابع مهم‌ترین ویژگی آن است، ایجاد می‌کنند که بیش از پیش کار تیمی دقیق و ظریف به منصف ظهور برسد. اگرچه تلاش شده است تا از فرصت‌هایی که در ماه‌های اخیر در بازارهای اولیه و ثانویه ایجاد شده است، برای ساختن آینده درخشان خوارزمی استفاده شود و افق پیش رو بسیار امیدوارکننده به نظر می‌رسد، اما بی‌تردید دست‌یابی به جایگاه رفیعی که در برنامه هفت ساله گروه ترسیم شده است، علاوه بر تلاش بی‌وقفه بازیکنان، مربیان، کادر فنی و سایر اعضای تیم، نیاز دارد به همراهی بی‌شائبه هواداران که صاحبان اصلی تیم هستند. سهام‌داران ارجمند با شرکت چشم‌گیر در فرایند افزایش سرمایه نشان دادند که به آینده شرکت خود اطمینان دارند و این دل‌گرمی زمانی برای گردانندگان گروه خوارزمی بیشتر شد که مراجعه به آمار معاملات بورس نشان‌دهنده پیوستن کثیری از سرمایه‌گذاران جدید حقیقی و حقوقی به گروه بود.

با وجود وضعیت نه‌چندان مطلوب شاخص بورس در ماه گذشته، قیمت سهام شرکت نه‌تنها کاهش قابل ملاحظه‌ای که بیشتر از افت شاخص باشد نداشت، بلکه حجم امیدوارکننده معاملات سهام خوارزمی انگیزه نمایندگان سهام‌داران را برای خلق ثروت در گروه دوچندان می‌کند و خلق ثروت جز در سایه تلاش نیکو و اعمال نیکو میسر نیست که سعدی شیراز فرمود:

قیامت که بازار مینو نهند

منازل به اعمال نیکو دهند

کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکي رساند به خلق خدای

در روزهایی که جهان غرق در حال‌وهوای فوتبال و شگفتی‌های آن است، تامل و تعمق در رازهای فراوان این پرطرفدارترین رشته ورزشی - که اکنون رشته‌ای از کسب و کار هم به حساب می‌آید - برای هر کنش‌گری در اقتصاد ضروری است. میزان این ضرورت، با توجه به ماهیت پیچیده اقتصاد، حتی می‌تواند بیشتر از ضرورت تحلیل آن توسط کارشناسان فوتبال باشد، زیرا این بازی پررمزوراز و زیبا، انگار نمونه‌ای بسیار کوچک، اما کامل از زندگی در دنیای واقع است. به گونه‌ای که مثلاً مجموعه کاملی از قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب و کار را می‌توان در چهارچوب مستطیل سبزی که فوتبال در آن جریان دارد، سراغ گرفت.

شاید زیباترین ویژگی فوتبال که جذابیت آن را به میزان قابل توجهی از سایر بازی‌ها بیشتر کرده است، تکرارناپذیری و از این روی عدم امکان پیش‌بینی دقیق بازی باشد. در میان هزاران هزار بازی که تاکنون رخ داده است، به‌ندرت می‌توان حتی دو بازی را یافت که سیر آن‌ها و حرکات بازیکنان و مسیر گردش توپ بیش از ۵۰ درصد مشابه باشد. هر بازی منحصره‌فرد است و اگرچه مربیان اغلب برای هر بازی مدلی را تعریف می‌کنند و حتی گاه تمام فرایند بازی را از قبل طراحی می‌کنند، اما هنگامی که بازی شروع می‌شود، واقعیت به گونه‌ای دیگر رخ می‌دهد و حتی خود بازیکنان در لحظه تصمیم به تغییر روند بازی می‌گیرند تا نتیجه به گونه‌ای دیگر رقم بخورد. در اقتصاد نیز این چنین است. شاید مهم‌ترین دلیل پیدایش مکاتب گوناگون اقتصادی همین پیش‌بینی‌ناپذیری کنش‌های درون‌زا و بیرون‌زای اقتصادی باشد که بخش واقعی اقتصاد بر وفق نظر، مدل یا تحلیل اقتصاددانان پیش نرفته و مسیر ویژه خود را پیموده است. به تعبیری، مفهوم زیربنایی و علت وجودی اقتصاد را «محدودیت» ذکر کرده‌اند و نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که چنان‌چه محدودیت منابع نبود، اقتصاد نیز به ظهور نمی‌رسید. اگر زمان بی‌نهایت باشد، منابعی مانند نیروی کار، مواد اولیه، ماشین تولیدی و سایر ارکان سرمایه به‌وفور یافت می‌شدند و استفاده یک نفر یا یک بنگاه از آن برای دیگری محدودیت ایجاد نمی‌کرد و نیازی به تحلیل اقتصادی و برنامه‌ریزی نبود. مگر هنگامی که کسی از دریایی بی‌کران کاسه‌ای آب برمی‌دارد، برای دیگری کمبود آب به وجود می‌آید؟ در فوتبال نیز چنین است. اگر هر تیمی می‌توانست هر تعداد بازیکن توانا دارد به زمین بیاورد و بازی تا هر زمان که بازیکنان توان دوییدن داشتند، ادامه یابد و محدودیت‌هایی مانند خطوط اطراف زمین و لزوم اجتناب از خطاهایی مانند آفساید و غیره نبود، قطعاً فوتبال یکی از کسل‌کننده‌ترین مسابقه‌هایی بود که اکنون فقط می‌شد از حافظه تاریخ سراغش را گرفت. تیمی برنده است که بتواند در چهارچوب محدود همین مستطیل سبز نتیجه بیافریند.

همین نتیجه است که در فوتبال برنده را تعیین می‌کند و از این روی در این بازی هیچ‌چیز به اندازه نتیجه اهمیت ندارد. ممکن است تیمی مشهورترین و گران‌ترین مربی جهان را به خدمت گرفته باشد، مجهزترین باشگاه را در اختیار داشته باشد و حتی در مسابقه‌های بهترین بازیکن هم از آن تیم انتخاب شود، اما تیم بازنده بازی باشد و البته آن‌که صعود می‌کند، تیم برنده است. در دنیای کسب و کار در بخش انتفاعی نیز ذی‌نفعان در پایان سال به ترازنامه توجه می‌کنند که دارایی واقعی بنگاه به صورت سود و زیان افزایش یافته باشد تا دریابند که نتیجه عملیات شرکت به چه میزان از افزایش ثروت منجر شده است. تعداد قراردادهایی که در بنگاه بسته می‌شود یا جلساتی که برگزار می‌شود، آمار درخور توجهی نیستند، بلکه سود کسب‌شده و ثروت ایجادشده مهم‌ترین هستند. کسب نتیجه بدون کار تیمی آرزویی دور از ذهن است؛ چه در فوتبال و چه در کسب و کار. تیمی که ۱۱ ستاره طراز اول جهانی داشته باشد، اما هرکدام از آن‌ها برای خود

گزارش اجمالی از دومین همایش مدیران شرکت سرمایه گذاری خوارزمی "خوارزمی" وگلمی دیگر برای دستیابی به افق ۷ ساله

(۲۷ الی ۲۹ خرداد ۹۳ - مشهد)



گزارش از خبرنگار اعزامی ماهنامه "وخارزم"

«ایران، جامعه کوتاه مدت» اثر همایون کاتوزیان کتابی است که در بسته انتخابی میزبان دومین همایش فصلی مدیران شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در کنار برنامه تفصیلی همایش قرار گرفته است. آن ها با نگاه به تجربه موفق برگزاری همایش فصل گذشته مدیران گروه خوارزمی در شیراز و متناسب با ویژگی های شهر مشهد برنامه های خود را تنظیم کرده اند. آن چه در ادامه می آید گزارشی از این همایش است؛ همایشی علمی- کاربردی که در روزهای ۲۷ تا ۲۹ خردادماه ۹۳ با حضور فعال مدیرعامل و اعضای هیات مدیره گروه سرمایه گذاری خوارزمی، مدیران ستادی، مشاوران این گروه، مدیران عامل و اعضای هیات مدیره شرکتهای وابسته به گروه خوارزمی و به میزبانی شرکت توسعه ساختمان خوارزمی در مشهد برگزار شده است.

دکتر صیدی؛ چشم انداز در دسترس است

میهنمانان شب قبل در اتاق های خود مستقر شده اند و امروز - چهارشنبه- پس از صرف صبحانه به آمفی تئاتر طبقه ۴ می روند. روز اول همایش شروع می شود. سخنران افتتاحیه دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی است. او صحبت های خود را با اهدای سلام و احترام به محضر حضرت علی بن موسی الرضا(ع) شروع می کند:

«این همایش در راستای برنامه راهبردی ۷ ساله گروه خوارزمی برگزار می شود. برنامه ای که رسیدن به چشم انداز ۳۳ هزار میلیاردی را هدف قرار داده است. این برنامه مستلزم برنامه ریزی های زیر مجموعه برنامه راهبردی شرکت است که یکی از آنها برگزاری همایش های فصلی مدیران است. این همایش ها فرصتی برای مرور اقدام های انجام شده و احیانا بازنگری در مسیر دستیابی به هدفهاست. همین تبادل نظر در مورد شیوه های اجرایی، در کنار جلسات خاصی که در هولدینگ با حضور مدیران

شرکت های زیر مجموعه صورت می گیرد برنامه ها را جلو می برد. این همایش در سطح مدیران برای تقویت تعاملات درون گروه خوارزمی و به اشتراک گذاشتن دیدگاههاست. در این همایش ها می توانیم به مواردی بپردازیم که در جریان کارها کمتر به آنها توجه می کنیم. به طور مثال درباره استراتژیها، مسایل مربوط به نیروی انسانی، الگوهای نوین مدیریت و نیز تحولاتی که در عرصه اقتصاد کشور و دنیا دائماً شکل می گیرد. این مزیت ها نیاز به توجه عموم مدیران دارد. علاوه بر اینها در هر کدام از این همایش ها با یکی از شرکتهای گروه و ظرفیتهای و توانمندی های آن پیش از پیش آشنا می شویم.»

دکتر صیدی در ادامه صحبت های خود در دومین همایش مدیران گروه خوارزمی گفت: «مدت زیادی از طراحی و ترسیم افق های آینده برای گروه خوارزمی نمی گذرد اما امروز بانگاهی اجمالی به دست آوردهای تلاش های انجام شده می توان گفت به بخش های مهمی از این افق دست پیدا کرده ایم. بی شک این دست آورد با سعی و تلاش شبانه روزی مجموعه مدیران و کارشناسان و متخصصان و کارکنان گروه خوارزمی و شرکت های وابسته به آن اتفاق افتاده است. باور عمیق ما این بود که تحقق اهداف با شیوه های سنتی ممکن نخواهد شد. افزایش سرمایه در ابتدا بلند پروازانه به نظر می رسید اما برای رسیدن به هدف باید از فرصت ها استفاده کرد و به اصطلاح سواراتوبوس در حال حرکت شد.»

دکتر صیدی با یادآوری فرآیند افزایش سرمایه گروه خوارزمی به بررسی میزان فعالیت شرکت های زیر مجموعه رسید و افزود: «مدیریت امور شرکتها و مجامع، تدوین دستور العمل پاداش انگیزشی را مد نظر قرار داده است و طبق قرار داد با شرکت ها اهداف متوازن را بررسی می کند. شرکت ها برنامه های ۷ ساله خود را به موقع ارائه کرده اند. موفقیت های خوارزمی در شرایط سختی حاصل شد. فضای سرمایه گذاری کشور هنوز شفاف نیست و نمی توان ارزیابی و برآورد دقیقی از آن داشت. مقررات در عرصه سرمایه گذاری پراکنده و دست و پاگیر است. در قیمت

گذاری مواد اولیه ابهام بسیاری وجود دارد. با همه این‌ها خوارزمی مصمم به تداوم راه خویش است، اما با احتیاط و تیزبینی بیشتر. امیدواریم تحولات درمناسبات بین‌المللی کشور به نحوی پیش برود که اتفاقات مثبتی را در این فضا شاهد باشیم».

دکتر صیدی در پایان صحبت‌های خود ضمن تشکر از حضور فعال اکثریت قاطع مدیران و اعضای هیات مدیره شرکتهای زیرمجموعه گروه خوارزمی در این همایش بر اهمیت و ضرورت این حضور در همایشهای بعدی تاکید کرد و افزود: «باید اعضای هیات مدیره شرکت‌ها نقش موثر و جدی در راهبری امور شرکت خود و نیز همسویی با برنامه‌های کلان گروه خوارزمی داشته باشند. این همایش‌ها بهترین فرصت برای تبادل نظر و همفکری است. امروزه مدیریت سنتی کنار گذاشته شده است و می‌بایست به این همایش‌ها به عنوان دریچه‌ای برای دستیابی به نگرشهای تازه در عرصه اداره امور شرکتها بهای لازم را داد».

دکتر صیدی سخنان خود را با اشاره به فضایل ماه مبارک شعبان و بابتی از اشعار حافظ به پایان برد: ماه شعبان منزه از دست قحط، کاین خورشید از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد».

چشم انداز بازار مسکن در سال ۱۳۹۳

سخنران دیگر نوبت صبح اولین روز همایش مهندس علیرضا کنعانی، مدیر سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان از شرکتهای تحت پوشش گروه خوارزمی (فعال در حوزه مدیریت سهام در بازار سرمایه) است. کنعانی گزارش ۵۰ دقیقه‌ای خود را به ارائه تحلیلی جامع درباره بازار مسکن - که یکی از حوزه‌های مهم سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمان است - اختصاص داده است.

وی ابتدا اشاره می‌کند: «حوزه مسکن تحت تاثیر دو عامل جدی قرار دارد. یکی اقتصاد کلان و دیگری عرضه و تقاضای واقعی بخش است. رشد نقدینگی ما در ۲۵ سال گذشته نوساناتی داشته است. در صورتی که قیمت مسکن نوسانات به مراتب بیشتری را شاهد بوده است. نکته جالب اینجاست که هر سالی که شاهد رشد نقدینگی بوده ایم، قیمت ملک نیز با رشد همراه بوده است». کنعانی در ادامه گفت: «میزان علاقه مندی خانوارهای ایرانی به خرید ملک مسکونی همواره بسیار بالا بوده است. در یک ارزیابی مقایسه‌ای، چنانچه ارزش املاک مسکونی کل کشور در صورت کسر و کل دارایی خانوار ایرانی درمخرج آن قرار

داده شود، نسبتی که به دست می‌آید حداقل ۷۵ درصد است. این مقایسه نشان دهنده علاقه مندی خانوارهای ایرانی به مسکن است. از سوی دیگر در ۱۵ سال گذشته

دکتر صیدی: باید اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها نقش موثر و جدی در راهبری امور شرکت خود و نیز همسویی با برنامه‌های کلان گروه خوارزمی داشته باشند. این همایش‌ها بهترین فرصت برای تبادل نظر و همفکری است. امروزه مدیریت سنتی کنار گذاشته شده است و می‌بایست به این همایش‌ها به عنوان دریچه‌ای برای دستیابی به نگرشهای تازه در عرصه اداره امور شرکتها بهای لازم را داد.

نقش ساختمان در تشکیل سرمایه ثابت از حدود ۳۸ درصد به ۵۳ درصد افزایش پیدا کرده است. این امر نشان می‌دهد که در بخش تولید هم علاقمندی به دارایی ملکی بیشتر از



ماشین آلات است».

کنعانی در بخش دیگری از گزارش تحلیلی خود گفت: «حوزه دیگری که روی قیمت مسکن تاثیرگذار است بخش تقاضا و عرضه است. آمارهای مبنای بررسی مربوط به بازار مسکن تهران است، چراکه هرگونه رکود و رونق در بازار مسکن تهران معمولاً به دیگر شهرهای کشور نیز سرایت می‌کند. ازدواج و طلاق و مهاجرت و همچنین نیاز به نوسازی ساختمانهای قدیمی، پارامترهای اثرگذار بر تقاضای واقعی مسکن می‌باشند. آمار ازدواج و طلاق در تهران و مهاجرت به سمت تهران از سال ۱۳۸۷ روندی نزولی به خود گرفته است؛ در مقابل حجم واحدهای مسکونی ساخته شده و عرضه شده به بازار طی سه سال گذشته جهش قابل توجهی داشته که با توجه به آمار فعلی زادواج و طلاق و مهاجرت و نیز ساخت و سازهای مورد نیاز برای جبران فرسودگی، شهر تهران را با مزاد عرضه ملک مسکونی مواجه نموده است. بعلاوه اطلاعات درآمدی خانوارها نیز نشان می‌دهد که قیمت‌های فعلی مسکن در تهران بسیار بالاتر از توان مالی متقاضیان بالقوه مسکن بوده و تسهیلات مسکن نیز در قالب فعلی به خانه دار شدن متقاضیان طبقه متوسط تهرانی کمک نخواهد کرد».

کنعانی در بخش دیگری از تحلیل جامع خود می‌گوید: «تهران در حال حاضر برای اولین بار با انباشت عرضه‌ای مواجه شده است که با تقاضای فعلی ۱۸ ماه طول می‌کشد تا به طور کامل تخلیه شود. این در شرایطی است که روند عرضه‌ها حتی در شرایط رکودی نیز تداوم خواهد داشت. در اوج رکود که در سال ۸۸ شاهد آن بودیم، ۶۰ هزار واحد مسکونی شروع به ساخت نموده و ۱۲۸ هزار واحد مسکونی تکمیل شده است. این روند وضعیت بخش را بیش از پیش با چالش مواجه می‌کند.» وی در ادامه بحث خود عنوان کرد: «بخش ساختمان و چرخه وابسته آن در بحث اشتغال نقش مهمی دارد. در دهه گذشته سهم اشتغال و نیروی کار جذب شده به بخش ساختمان از ۱۲ درصد به ۱۵ درصد رسیده است. در صورتی که در دیگر حوزه‌ها کاهش داشته‌ایم. این امر باعث می‌شود که حوزه ساختمان به عنوان یکی از بخشهای اصلی ایجاد اشتغال مورد توجه دولت باشد».

کنعانی در پایان سخنرانی خود اضافه کرد: «به نظر می‌رسد در سالهای ۹۳ و ۹۴ در بخش مسکن با رکود مواجه باشیم و هیچ جهش قیمتی برای این حوزه پیش بینی نمی‌شود. اما به نظر می‌رسد نقش پارامترهای اقتصاد کلان در رونق و رکود مسکن جدی‌تر از عرضه و تقاضا باشد و لذا اگر مناسبات بین‌المللی جهتگیری مثبتی داشته باشد





و با تقویت صادرات نفتی، نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق شود می تواند عامل محرکی برای بازگشت رونق به این حوزه باشد. بعلاوه مشکل اصلی بخش تقاضا در حال حاضر قدرت خرید خانوارها است و اگر شرایطی برای حضور موثر خانوارها مهیا شود می تواند به رونق دوباره این بخش کمک کند.»

توسعه ساختمان خوارزمی؛ گامی بلند در بازار ساختمان

این عنوانی گزارشی بود که مهندس حیدری، مدیرعامل شرکت توسعه ساختمان خوارزمی و میزبان اجرایی دومین همایش مدیران گروه سرمایه گذاری خوارزمی در مشهد، پس از پخش فیلم کوتاهی از فعالیت های این شرکت ارائه کرد.

مهندس حیدری صحبت های خود را با اشاره به پیشینه شرکت آغاز کرد: «شرکت توسعه ساختمان خوارزمی از نیمه دوم سال ۱۳۸۶ فعالیت رسمی خود را با سرمایه یک میلیون ریال آغاز کرده و امروز ۱۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه ثبتی دارد و آمادگی افزایش سرمایه ثبتی خود تا سقف ۲۰۰۰ میلیارد ریال را دارد. وسعت پروژه های ما در مجموع ۲۳۰ هزار متر مربع است و این مقدار فعالیت، در این بازه زمانی می تواند کارنامه خوبی باشد. شرکت توسعه ساختمان خوارزمی قصد دارد تا در بلندمدت برندی برتر در صنعت ساختمان بوده و جز ۵ شرکت برتر ایران در عرصه ساخت و ساز باشد.

وی افزود: پروژه های شرکت را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

۱. پروژه های تکمیل شده و تحویل شده:

مجتمع تجاری-اداری بزرگمهر، ساختمان اداری مهننا، ساختمان مسکونی زعفرانیه، ساختمان اداری ارمغان، ساختمان مسکونی سپهر روانپور، ساختمان اداری بهاران (دفتر مرکزی هلدینگ)

۲. پروژه های در دست ساخت:

پروژه تجاری-اداری سپهر خوارزمی، پروژه تجاری-اداری افق خوارزمی، پروژه تجاری-اداری آریا، مجتمع چند منظوره هماکیدز، پروژه برج الهیه، مجتمع تجاری و هایپرمارکت کاوه

• لازم به ذکر است که هر کدام از این پروژه ها در مراحل مختلف هستند و حتی برخی در مراحل نهایی و تحویل موقت می باشند.

۳. پروژه های آتی:

پروژه البرز، پروژه لاله

یکی از مهمترین پروژه های که مهندس حیدری در صحبت های خود به آن اشاره داشت، مجتمع چند

های اداری، تجاری، ورزشی و فرهنگی و... در دست اقدام است؛ برنامه ریزی برای این مجموعه به گونه ای است که قرار است در آن، هر آنچه که یک فرد از پیش از تولد تا ۱۶ سالگی نیاز دارد، تعبیه شود. وی اشاره کرد، که البته مجموعه هایی از این دست زیاد است که ادعای کامل بودن را می کنند، اما با توجه به ابعاد پروژه ما که ۶۳ هزار متر مربع است و بعد از اتمام به ۷۴ هزار متر مربع هم می رسد می تواند خاص بودن و بی همتایی خود را ثابت کند.»

مدیرعامل شرکت توسعه ساختمان خوارزمی در پایان با اشاره به دیگر پروژه های شرکت گفت: «پروژه دیگر ما، که ۱۵ درصد آن با کمک هلدینگ مرکزی به تملک شرکت توسعه ساختمان خوارزمی-درآمده در منطقه الهیه تهران است؛ این ساختمان در یکی از بهترین نقاط تهران در حال ساخت است و از لحاظ ابعاد، ارتفاع و همچنین طراحی کم نظیر است. شرکت ما به عنوان مدیر طرح پروژه هم مطرح شده و این کار با همکاری شرکت سپهر تهران درست انجام است.

پروژه مشارکتی دیگر ما که با شهرداری تهران است، طراحی و اجرای مجتمع تجاری و هایپر مارکت کاوه در منطقه ۵ است. نوع قرارداد- قرارداد - BOLT به گونه ای است که ما آن را می سازیم اما به تملک مان در نمی آید و از طریق اجاره، سود آن برگردانده می شود. ما پروژه های بسیاری را در دست بررسی داریم و از نظر حجم سرمایه گذاری می خواهیم تا سال ۱۳۹۷ به رقم ۵ هزار میلیارد ریال برسیم.»

در انتها مهندس حیدری به حکم میزبانی این دوره از همایش، از تمامی شرکت کنندگان در آن تشکر و قدردانی کرد.

نیاز همواره مردم به مسکن

مهندس فرشچیان، عضو هیات مدیره شرکت توسعه ساختمان خوارزمی (مدیرعامل اسبق بانک مسکن) سخنران دیگری است که پشت تریبون قرار می گیرد و در تحلیلی اجمالی به اهمیت بازار مسکن و برخی نکات قابل تامل در اولویت بندی طرح ها و برنامه های فعالان این عرصه اشاره می کند (متن کامل این سخنان در شماره آینده به نظر خوانندگان ارجمند خواهد رسید)

مفاهیم، اصول و اهداف حسابرسی داخلی

آخرین سخنران صبح روز اول همایش فریبرزتقنی، مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در امور

مهندس حیدری: شرکت توسعه ساختمان خوارزمی از نیمه دوم سال ۱۳۸۶ فعالیت رسمی خود را با سرمایه یک میلیون ریال آغاز کرده و امروز ۱۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه ثبتی دارد و آمادگی افزایش سرمایه ثبتی خود تا سقف ۲۰۰۰ میلیارد ریال را دارد. وسعت پروژه های ما در مجموع ۲۳۰ هزار متر مربع است و این مقدار فعالیت، در این بازه زمانی می تواند کارنامه خوبی باشد.

منظوره کودکان هما -- Homa Kids Complex بود که درباره آن به نکات ذیل اشاره کرد: «یک پروژه چند منظوره کامل برای کودکان با کاربری



حسابرسی داخلی است. او صحبت های خود را با این عبارات آغاز می کند که «در زمینه حسابرسی داخلی بحث های فراوانی وجود دارد. هر وقت که از اهمیت حسابرسی برای شفاف سازی وضعیت شرکتها صحبت می کنیم نام شرکتی به نام امرون به خاطر می آید. واقعیت آن است که این شرکت بزرگ و معتبر آمریکایی در دورانی طولانی به حسابرسی داخلی وابسته شده بود اما هیات مدیره شرکت مشکلاتی در این راه ایجاد کرد که انجام درست حسابرسی را تحت الشعاع قرار داد و باعث شد شرکتی که در شمار ۵ شرکت بزرگ دنیا به حساب می آمد متوقف و متلاشی شد.» او با مهم خواندن بررسی تاریخچه فعالیت های این شرکت افزود: «شرکت امرون در سال ۱۹۸۵ تشکیل شد و در عرض ۱۶ سال به یک از بزرگ ترین شرکت ها بدل شد. یکی از معضلات شرکتها این است که اعضای غیر موظف هیات مدیره کار خود را جدی نمی گیرند. در این شرکت هم یک نفر مدیر بود و بقیه اعضا حضور و عملکرد ضعیفی داشتند. یکی از دلایلی که باعث از بین رفتن یک شرکت می شود ضعف عملکرد اعضای غیر موظف است. یکی از دلایل اصلی شکست خوردن امرون هم همین مساله یعنی ضعف اعضای غیر موظف آن بوده است.»

ثقفی در ادامه گفت: «در اواخر اسفند ماه ۹۲ در شرکت سرمایه گذاری خوارزمی ماموریت حسابرسی داخلی تعریف شد و فعالیتهایی در این راستا شکل گرفت. حسابرسی داخلی می خواهد خدمات اطمینان بخشی به شرکت بدهد. با این کار به مدیریت ریسک هم کمک می شود و در نتیجه شاهد افزایش بهره وری و کارایی خواهیم بود. حسابرسی داخلی روندی طولانی در دنیا طی کرده و از حالت سنتی خارج شده و به نگرشی نوین تبدیل شده است. دیگر حسابرسی تنها در خدمت مدیر مالی شرکت نیست و فقط برای اخراج کارمندان کارراهه او ارجاع نمی دهند. اما متأسفانه هنوز در ایران شاهد این نقش هستیم.»

ثقفی صحبت های خود را با این جملات به پایان رساند که «حسابرسی داخلی به مواردی مانند طرز تفکر مدیران بستگی دارد. حسابرسان داخلی باید استقلال داشته باشند و اگر ما آن را به جایی غیر از هیات مدیره وصل کنیم از استقلال حرفه ای دوری شوند. حسابرسان با مشکلات بسیاری رو به رو هستند و کار سختی دارند. آن ها نیازمند کمک هیات مدیره ها هستند. البته حسابرسی داخلی باید در راستای برنامه ها حرکت کند تا بتواند به هیات مدیره در تحقق اهداف شرکت کمک کرده باشد.»



تدریجی ارزیابی می کند.

اهمیت استقرار مدیریت ریسک در شرکت ها

ساعت حوالی ۵ عصر است و پس از تنفسی کوتاه برای حضار محترم عرفانی، عضو هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری خوارزمی، صحبت های خود در زمینه مدیریت ریسک را شروع می کند:

«کمیت مدیریت ریسک از جمله کمیت هایی است که باید برای استقرار آن در شرکت ها تلاش کرد. اگر بخواهیم منافع تمام ذی نفعان شرکت تضمین شود و پایدار باشد قطعاً باید برای استقرار این کمیت و فعالیت آن براساس منشورمدون و ابلاغ شده پافشاری کرد. ممکن است آثار وضعی این تلاشها رادر برخی از شرکت ها همزمان با فعالیت آن ها احساس نکنیم، اما نباید از تاثیر آن در بلندمدت غافل باشیم. کمیت مدیریت ریسک دقیقاً از «جمله کمیت هاست که باید نقش آن را در طول زمان بررسی کرد».

او در ادامه افزود: «در اداره امور شرکتها، فرصت ها در کنار مخاطرات قرار دارند. یعنی بدون ریسک نمی توان کاری را انجام داد. هنر ما در کمیت مدیریت ریسک این است که کار را توسعه دهیم و در مسیر پیش رو مراقب فراز و نشیب ها باشیم. یعنی مسیری را که می خواهیم در آینده طی کنیم با مطالعه باشد. ما باید بتوانیم پیش بینی های لازم ریسک های متعددی را که در مسیر حرکت شرکت وجود دارد، مدیریت کنیم و نگذاریم عدم اطمینان به آینده خسارت به بار بیاورد. هیات مدیره شرکت ها باید بر فعالیت کمیت مدیریت ریسک اصرار داشته باشند و از آن ها بخواهند که در تصمیم گیری های مختلف ورود پیدا کنند و در مورد ریسکهای بر سر راه گزارش بدهند. شرکتی که قرار است در آینده ای نزدیک بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد ریال دارایی داشته باشد نمی تواند به تحولات با اهمیت در مسیر خود بی توجه باشد.»

عرفانی در پایان صحبت های خود گفت: «بحث شناسایی و اندازه گیری ریسک هم از مواردی است که باید مطرح شود. باید در مدیریت ریسک از خرد جمعی استفاده کرد و همه در شناسایی ریسکها کمک کنند. بحث ارزیابی های علمی هم می تواند به مدیریت ریسک کمک کند. البته کمیت ریسک منشوری را تهیه و تدوین و از طریق مدیریت به شرکتها ابلاغ کرده است که راهنمای کار خواهد بود.»

نوبت صبح اولین روز از همایش مدیران با جمع بندی کوتاه دکتر صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی به پایان می رسد. دکتر صیدی در این جمع بندی بر اهمیت نقش حسابرسی داخلی در شرکتها انگشت تاکید می گذارد و در این راستا به جنبه های دیگری از دلایل شکست شرکت آمریکایی امرون اشاره و از دورانی یاد می کند که خود به عنوان حسابرس فعالیت می کرده و بادشواری های این حرفه و نقش و آثار غیر قابل انکار آن در سلامت و نظم درونی شرکتها نزدیک آشنا شده است.

دکتر بر کچیان و بررسی چالشهای اقتصاد ایران

سخنرانی های نوبت بعد از ظهر از ساعت ۱۵ آغاز می شود. دکتر سید مهدی بر کچیان، مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی پشت تریبون قرار می گیرد تا روایتی تحلیلی - آماری و جامع از چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۹۳ ارائه کند.

دکتر بر کچیان ابتدا به درآمدهای ارزی بی سابقه کشور در دولت گذشته اشاره کرده و در عین حال با ارائه نمودارهای مقایسه ای، فرآیند توقف رشد اقتصادی در آن دوران و سپس کاهش مداوم آن را با استناد به اطلاعات رسمی مورد بررسی قرار می دهد. وی با توجه به تلاشهای دولت جدید برای برون رفت از تنگنایهای اقتصادی به میراث مانده از گذشته، غلبه بر این مشکلات را نیازمند تدابیر جدی و همه جانبه و نیز آماری



دکتر پاکزاد؛ مفاهیم، موازین و فرآیند استقرار مدیریت ریسک

سخنران بعدی نوبت عصر اولین روز از همایش دکتر علیرضا پاکزاد، مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی و دبیر کمیته ریسک این شرکت است. ساعت ۱۷:۳۰ است و دکتر پاکزاد صحبت های خود را با جمله ای طنزآمیز در ضرورت توجه به مدیریت ریسک و خطاب به مدیریت عامل گروه سرمایه گذاری خوارزمی شروع می کند: «آقای دکتر، سوار کردن همه مدیران شرکت در یک هواپیما ریسک بالایی دارد!»

دکتر پاکزاد سپس مطالب خود را در چند بخش ارائه می کند که اولین بخش آن مربوط به مفاهیم ریسک و بازده است، او می گوید: «ریسک ناشی از عدم اطمینان و نگرانی نسبت به آینده است. ریسک و بازده دو مفهوم آمیخته به هم در ادبیات اقتصادی است. مهم ترین فرضی که برای سرمایه گذاری وجود دارد به حداقل رساندن ریسک است. سرمایه گذاران سعی می کنند با مدیریت عدم اطمینان از آن دوری کنند. ریسک پذیرها امکان موفقیت بیشتری نسبت به ریسک گریزها دارند. تعاملی که بین ریسک و بازده ایجاد می شود بسیار مهم است و باید هر زمان آماده ریسک بیشتر بود. با پذیرش ریسک بیشتر می توان بازده بیشتری هم داشت. بازده برای سرمایه گذاری انگیزه است و همان پاداشی است که برای پذیرش ریسک دریافت می کنیم». دکتر پاکزاد در ادامه افزود: «ریسک غیر سیستماتیک به مسایل مالی بر می گردد. در بحث مدیریت ریسک باید بتوانیم بهترین راه را برای کاهش آن انتخاب کنیم. یکی از این راه ها حذف یک فعالیت است چرا که ریسک زیادی داشته است. وقتی می توانیم با اعمال روش ها ریسک را کاهش دهیم، بحث مدیرین ریسک مطرح می شود. وظیفه مدیریت ریسک کار روی این شاخه هاست.»

دکتر پاکزاد در پایان صحبت های خود گفت: «هر شرکتی رقبای خاص خود را دارد و باید در این میان برای حفظ خود تلاش کند. روش هایی وجود دارد که می تواند به موقع از ریسک جلوگیری کند. ریسک حساسداری هم وجود دارد که البته در مقایسه با دیگر کشورها در ایران زیاد مطرح نیست؛ اما اینکه ما بتوانیم اطلاعات را به نحوی عرضه کنیم که همه بتوانند از آن استفاده کنند نقش مهم و تعیین کننده ای در کاهش ریسک برای سرمایه گذاران دارد.»

صحبت های دکتر پاکزاد به پایان رسیده و حالا نوبت وقت آزاد است و مهمانان برای زیارت به حرم می روند...

دکتر ابن الرسول؛ برنامه ریزی استراتژیک در شرکتها

دیگر سخنران عصر روز اول همایش دکتر سیداصغر ابن الرسول، مدیر طرح و برنامه شرکت سرمایه گذاری خوارزمی است. وی ابتدا ضمن ارائه تعاریفی از برنامه ریزی استراتژیک در سازمانها تا کید می کند: برنامه ریزی استراتژیک فرآیند اتخاذ تصمیماتی است که منجر به موفقیت یا شکست فعالیتهای سازمانهای تولیدی و خدماتی با توجه به تاثیرات شرایط محیطی و درون سازمان می گردد و می توان گفت جریان تصمیم گیری و انجام اقداماتی است که موجب ایجاد یک برنامه موثر برای دستیابی به اهداف کلی سازمان می گردد. برنامه ریزی استراتژیک روشی آینده

دکتر علوی: رهبری خود و مدیریت خود دو اصطلاح متفاوت هستند که در برخی متون به جای هم مورد استفاده قرار می گیرند. در حالی که در برخی از تحقیقات این دو واژه هم تفکیک شده اند به دلیل آن که مدیریت بر خود بیشتر بر کارایی متمرکز بوده و بر بهبود شرایط موجود فرد با توجه به اهداف و مسیر از قبل تعیین شده تاکید دارد و رهبری خود بیشتر بر مراجعه و بازنگری اصول اولیه تاکید داشته و با تغییر مبانی ذهنی سعی در بهبود شرایط و عملکردی فرد دارد

نگر، انطباق پذیر و خلاق و پویا را در برمی گیرد. سخنران سپس به تشریح ویژگی های برنامه ریزی استراتژیک و معرفی مدل های علمی - کاربردی مختلفی از آن می پردازد (برای اطلاع بیشتر از دیدگاههای سخنران در این زمینه می توانید به مقاله جامع "برنامه ریزی استراتژیک" که در همین شماره درج شده است مراجعه فرمایید).

دکتر علوی؛ کاربرد مفاهیم رهبری خود و رهبری اصیل برای مدیران ارشد

روز آخر همایش است و مهمانان با استقرار در

آمفی تئاتر آماده استماع آخرین سخنرانی می شوند. دکتر سیدبابک علوی، دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف آخرین سخنران دومین همایش فصلی گروه سرمایه گذاری خوارزمی است؛ قرار است که به تبیین کاربرد مفاهیم "رهبری خود و رهبری اصیل" بپردازد: «رهبری خود برای کلیه مدیران سازمان ها اهمیت کلیدی دارد چرا که ایجاد انگیزه در دیگران بدون داشتن انگیزه بالا در خود ممکن نیست. توسعه رهبری خود در سازمان های تخصصی و پیچیده به دلیل پیچیدگی سیستم های مدیریتی و کنترلی اهمیت راهبردی دارد. رهبری خود فرآیندی است که در آن افراد با استفاده از استراتژی های خاص رفتاری و ذهنی بر روی خود تاثیر گذاشته و انگیزه ها و رفتارهای خود را هدایت و کنترل می کنند». او در ادامه گفت: «رهبری خود و مدیریت خود دو اصطلاح متفاوت هستند که در برخی متون به جای هم مورد استفاده قرار می گیرند. در حالی که در برخی از تحقیقات این دو واژه هم تفکیک شده اند به دلیل آن که مدیریت بر خود بیشتر بر کارایی متمرکز بوده و بر بهبود شرایط موجود فرد با توجه به اهداف و مسیر از قبل تعیین شده تاکید دارد و رهبری خود بیشتر بر مراجعه و بازنگری اصول اولیه تاکید داشته و با تغییر مبانی ذهنی سعی در بهبود شرایط انگیزشی و عملکردی فرد دارد.»

دکتر علوی در تعریف رهبری اصیل می گوید: «این رهبری اشاره به شناخت خود و ویژگی های منحصر به فردی دارد که رهبر را با تمامی ظرفیت های ذهنی و عاطفی اش آماده ارزش آفرینی اساسی برای سازمان و محیط می کند». او قسمتی از سخنرانی خود را در قالب کارگاه آموزشی با تحلیل سخنرانی استیو جابز در دانشگاه آکسفورد پیش می برد. دکتر علوی این کار را با نمایش سخنرانی جابز به زبان اصلی، در اختیار قرار دادن ترجمه آن و پرسش و پاسخ با میهمانان انجام می دهد و فضایی از مشارکت فعال حضار در تحلیل موضوعات مورد بحث را شکل می دهد. وی در ادامه سخنرانی خود ابعاد رهبری اصیل را بر می شمرد: «خودشناسی، اخلاق مدار، شفافیت رابطه ای و پردازش متوازن». در پایان هم با طرح چند سوال بر تقویت رهبری خود و اصیل برای مدیران تاکید می کند و این پرسشهای محتوم را در برابر آنان می گذارد: «من قرار است چه ارزشی برای دیگران تولید کنم؟ داستان زندگی حرفه ای من چیست؟ حاضر برای چه موضوعاتی با جان و دل کار کنم؟ چه قابلیت ها و ارزش های منحصر به فردی دارم؟ کارهای با ارزشی که می توانم برای دیگران انجام دهم کدامند؟».

سخنرانی دکتر علوی هم به پایان می رسد و دکتر حجت اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی که در هر دو روز همایش پای ثابت، فعال و منظم در استماع سخنرانی ها و مشارکت در بحث ها بوده است برای جمع بندی کوتاه و تشکر از حضار و سخنرانان پشت تریبون قرار می گیرد و بر اهمیت تداوم خلاق این گردهمایی ها در راستای همدلی و هماهنگی هر چه بیشتر برای دستیابی به تمامی اهداف بلندمدت شرکت و تحقق افق ۷ساله آن تاکید می کند.

و سرانجام در بخش پایانی همایش، فیلم کوتاه اختتامیه به نمایش در می آید. فیلمی صمیمی و هوشمندانه که توسط همکاران دبیرخانه همایش (شرکت توسعه ساختمان خوارزمی) در طول برگزاری آن تهیه و تدوین شده و مروری کوتاه دارد بر چگونگی شکل گیری همایش و برنامه های آن . /



سخنرانی استیو جابز در دانشگاه استنفورد

مرگ بهترین اختراع زندگی است

Steve Jobs

1955-2011

من امروز خیلی خوشحالم که در مراسم فارغ‌التحصیلی شما که در یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا درس می‌خوانید، هستم. من هیچ‌وقت از دانشگاه فارغ‌التحصیل نشده‌ام. امروز می‌خواهم داستان زندگی‌ام را برایتان بگویم.

خیلی طولانی نیست و سه تا داستان است.

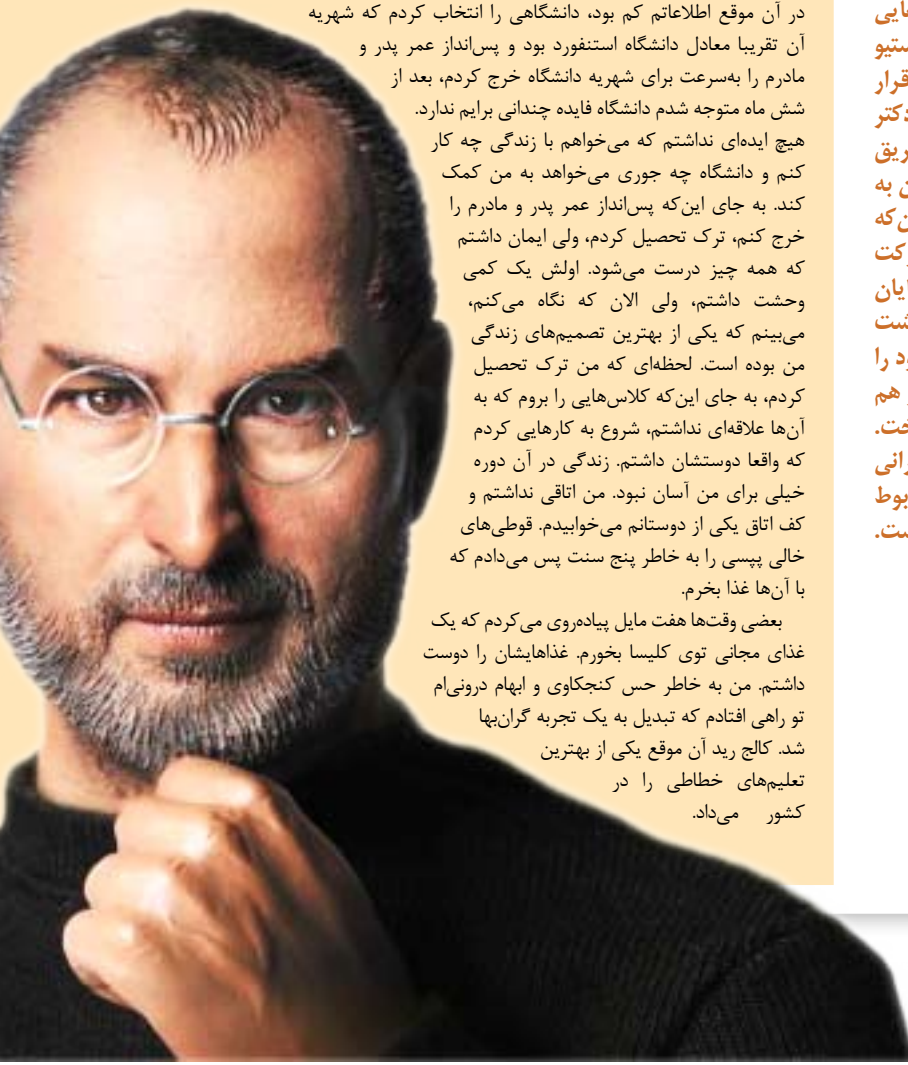
اولین داستان مربوط به ارتباط اتفاقات به ظاهر بی‌ربط زندگی است. من بعد از شش ماه از شروع دانشگاه در کالج رید ترک تحصیل کردم، ولی تا حدود یک سال و نیم بعد از ترک تحصیل تو دانشگاه می‌آمدم و می‌رفتم و خوب حالا می‌خواهم برای شما بگویم که من چرا ترک تحصیل کردم. زندگی و مبارزه من قبل از تولدم شروع شد. مادر بیولوژیکی من یک دانشجوی مجرد بود که تصمیم گرفته بود مرا در فهرست پرورشگاه قرار بدهد که یک خانواده مرا به سرپرستی قبول کند. او شدیداً اعتقاد داشت که یک خانواده با تحصیلات دانشگاهی باید مرا به فرزندی قبول کند و همه چیز را برای این کار آماده کرده بود. یک وکیل و زنش قبول کرده بودند که مرا بعد از تولدم از مادرم تحویل بگیرند و همه چیز آماده بود تا این‌که بعد از تولد من این خانواده گفتند که پسر نمی‌خواهند و دوست دارند که دختر داشته باشند. این‌جوری شد که پدر و مادر فعلی من نصف شب یک تلفن دریافت کردند که آیا حاضرند مرا به فرزندی قبول کنند یا نه و آن‌ها گفتند که حتماً. مادر بیولوژیکی من بعداً فهمید که مادر من هیچ‌وقت از دانشگاه فارغ‌التحصیل نشده و پدر من هیچ وقت دبیرستان را تمام نکرده است. مادر اصلی من حاضر نشد که مدارک مربوط به فرزندخواندگی مرا امضا کند تا این‌که آن‌ها قول دادند که وقتی من بزرگ شدم، حتماً مرا به دانشگاه بفرستند.

این‌جوری شد که ۱۷ سال بعدش من وارد کالج شدم و به خاطر این‌که در آن موقع اطلاعاتم کم بود، دانشگاهی را انتخاب کردم که شهریه آن تقریباً معادل دانشگاه استنفورد بود و پس‌انداز عمر پدر و مادرم را به سرعت برای شهریه دانشگاه خرج کردم، بعد از شش ماه متوجه شدم دانشگاه فایده چندانی برایم ندارد. هیچ ایده‌ای نداشتم که می‌خواهم با زندگی چه کار کنم و دانشگاه چه جوری می‌خواهد به من کمک کند. به جای این‌که پس‌انداز عمر پدر و مادرم را خرج کنم، ترک تحصیل کردم، ولی ایمان داشتم که همه چیز درست می‌شود. اولش یک کمی وحشت داشتم، ولی الان که نگاه می‌کنم، می‌بینم که یکی از بهترین تصمیم‌های زندگی من بوده است. لحظه‌ای که من ترک تحصیل کردم، به جای این‌که کلاس‌هایی را بروم که به آن‌ها علاقه‌ای نداشتم، شروع به کارهایی کردم که واقعا دوستشان داشتم. زندگی در آن دوره خیلی برای من آسان نبود. من اتاقی نداشتم و کف اتاق یکی از دوستانم می‌خواهیدم. قوطی‌های خالی پپسی را به خاطر پنج سنت پس می‌دادم که با آن‌ها غذا بخرم.

بعضی وقت‌ها هفت مایل پیاده‌روی می‌کردم که یک غذای مجانی توی کلیسا بخورم. غذاهايشان را دوست داشتم. من به خاطر حس کنجکاوی و ابهام درونی‌ام تو راهی افتادم که تبدیل به یک تجربه گران‌بها شد. کالج رید آن موقع یکی از بهترین تعلیم‌های خطاطی را در کشور می‌داد.



سخنرانی دکتر علوی با شیوه‌ای جذاب، نو و تعاملی (interactive) ارائه شد و مورد استقبال حضاران قرار گرفت. دکتر علوی با بیان مقدمه کوتاهی از حضاران دعوت کرد که ابتدا فیلم سخنرانی استیو جابز در دانشگاه استنفورد را تماشا کنند و سپس با توجه به محتوای فیلم به پرسش‌هایی که همراه با ترجمه سخنرانی استیو جابز، از قبل در اختیار مهمانان قرار گرفته بود، پاسخ دهند. در ادامه، دکتر علوی مباحث موردنظر خود را از طریق تعامل با حضاران و پاسخ‌هایشان به پرسش‌ها طرح کرد. جالب این‌که دکتر صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، وقتی در پایان برای جمع‌بندی نهایی همایش پشت تریبون قرار گرفت، جمع‌بندی خود را با پاسخ‌هایش به همان سوال‌ها در هم آمیخت. آن‌چه در زیر می‌خوانید، متن سخنرانی استیو جابز در فیلم و سوال‌های مربوط به آن است.



تمام پوستره‌های دانشگاه با خط بسیار زیبا خطاطی می‌شد و من چون از برنامه عادی ترک تحصیل کرده بودم، کلاس‌های خطاطی را برداشتم. سبک آن‌ها خیلی جالب، زیبا، هنری و تاریخی بود و من خیلی از آن لذت می‌بردم. امیدی نداشتم که کلاس‌های خطاطی نقشی در زندگی حرفه‌ای آینده من داشته باشد، ولی ۱۰ سال بعد از آن کلاس‌ها موقعی که ما داشتیم اولین کامپیوتر مکینتاش را طراحی می‌کردیم، تمام مهارت‌های خطاطی من دوباره به ذهن من برگشت و من آن‌ها را در طراحی گرافیکی مکینتاش استفاده کردم. مک اولین کامپیوتر با فونت‌های کامپیوتری هنری و قشنگ بود. اگر من آن کلاس‌های خطاطی را آن موقع برداشته بودم، مک هیچ وقت فونت‌های هنری الان را نداشت. هم‌چنین چون ویندوز طراحی مک را کپی کرد، احتمالا هیچ کامپیوتری این فونت را نداشت. خوب می‌بینید آدم وقتی آینده را نگاه می‌کند، شاید تاثیر اتفاقات مشخص نباشد، ولی وقتی گذشته را نگاه می‌کند، متوجه ارتباط این اتفاق‌ها می‌شود. این یادتان نرود شما باید به یک چیز ایمان داشته باشید، به شجاعتتان، به سرنوشتتان، زندگی‌تان یا هر چیز دیگری. این چیزی است که هیچ‌وقت مرا ناامید نکرده است و تغییرات زیادی در زندگی من ایجاد کرده است.

داستان دوم من در مورد دوست داشتن و شکست است. من خرسند شدم که چیزهایی را که دوستشان داشتم، خیلی زود پیدا کردم. من و همکارم هواز شرکت اپل را در گاراژ خانه پدر و مادرم - وقتی که من فقط ۲۰ سال داشتم - شروع کردیم. ما خیلی سخت کار کردیم و در مدت ۱۰ سال اپل تبدیل شد به یک شرکت دو میلیارد دلاری

داستان دوم من در مورد دوست داشتن و شکست است. من خرسند شدم که چیزهایی را که دوستشان داشتم، خیلی زود پیدا کردم. من و همکارم هواز شرکت اپل را در گاراژ خانه پدر و مادرم - وقتی که من فقط ۲۰ سال داشتم - شروع کردیم. ما خیلی سخت کار کردیم و در مدت ۱۰ سال اپل تبدیل شد به یک شرکت دو میلیارد دلاری که حدود چهارهزار نفر کارمند داشت. ما جالب‌ترین مخلوق خودمان را به بازار عرضه کرده بودیم؛ مکینتاش. یک سال بعد از درآمدن مکینتاش وقتی که من فقط ۳۰ ساله بودم، هیئت مدیره اپل مرا از شرکت اخراج کرد. چه جور یک نفر می‌تواند از شرکتی که خودش تاسیس می‌کند، اخراج شود، خیلی ساده. شرکت رشد کرده بود و ما یک نفری را که فکر می‌کردیم توانایی خوبی برای اداره شرکت داشته باشد، استخدام کرده بودیم. همه چیز خیلی خوب پیش می‌رفت تا این که بعد از یکی دو سال در مورد استراتژی آینده شرکت من با او اختلاف پیدا کرد و هیئت مدیره از او حمایت کرد و من رسماً اخراج شدم.

احساس می‌کردم که کل دستاورد زندگی‌ام را از دست داده‌ام. حدود چند ماهی نمی‌دانستم که چه کار باید بکنم. من رسماً شکست خورده بودم و دیگر جایم در سیلیکان ولی نبود، ولی یک احساسی در وجودم شروع به رشد کرد. احساسی که من خیلی دوستش داشتم و اتفاقات اپل خیلی تغییرش نداده بودند. احساس شروع کردن از نو. شاید من آن موقع متوجه نشدم اخراج از اپل یکی از بهترین اتفاقات زندگی من بود. سنگینی موفقیت با سبکی یک شروع تازه جایگزین شده بود و من کاملاً آزاد بودم. آن دوره از زندگی من پر از خلاقیت بود. در طول پنج سال بعد یک شرکت به اسم نکست تاسیس کردم و یک شرکت دیگر به اسم پیکسار و با یک زن خارق‌العاده آشنا شدم که بعداً با او ازدواج کردم. پیکسار اولین ابزار انیمیشن کامپیوتر دنیا را به اسم «داستان اسباب‌بازی» به وجود آورد که الان موفق‌ترین استودیوی تولید انیمیشن در دنیاست. در یک سیر خارق‌العاده اتفاقات، شرکت اپل نکست را خرید و

آن تشخیص تمام روز دست‌وپنجه نرم کردم و سر شب روی من آزمایش ایتیک انجام دادند. آن‌ها یک آندوسکوپ را توی حلقم فرو کردند که از معده‌ام می‌گذشت و وارد لوزالمعده‌ام می‌شد. همسرم گفت که وقتی دکتر نمونه را زیر میکروسکوپ گذاشت، بی‌اختیار شروع کرد به گریه کردن و گفت بیماری من یکی از کمیاب‌ترین نمونه‌های سرطان لوزالمعده و قابل درمان است. مرگ یک واقعیت مفید و هوشمند زندگی است. هیچ‌کس دوست ندارد بمیرد، حتی آن‌هایی که می‌خواهند بمیرند و به بهشت وارد شوند. ولی با این وجود مرگ واقعیت مشترک در زندگی همه ماست.

شاید مرگ بهترین اختراع زندگی باشد، چون مامور ایجاد تغییر و تحول است. مرگ کهنه‌ها را از میان برمی‌دارد و راه را برای تازه‌ها باز می‌کند. یادتان باشد که زمان شما محدود است، پس زمانتان را با زندگی کردن در زندگی بقیه هدر ندهید. هیچ‌وقت به دام غم و غصه نیفتید و هیچ‌وقت نگذارید هیاهوی بقیه صدای درونی شما را خاموش کند و از همه مهم‌ترین که شجاعت این را داشته باشید که از احساس قلبی‌تان و ایمانتان پیروی کنید. موقعی که من بع سن شما بودم، یک مجله خیلی خواندنی به نام کاتالوگ کامل زمین منتشر می‌شد که یکی از پرطرفدارترین مجله‌های نسل ما بود. این مجله مال دهه ۶۰ بود که موقعی که هیچ خبری از کامپیوترهای ارزان قیمت نبود، تمام این مجله با دستگاه تایپ و قیچی و دوربین پولوراید درست می‌شد. شاید یک چیزی شبیه گوگل الان، ولی ۳۵ سال قبل از این که گوگل وجود داشته باشد. در وسط دهه ۷۰ آن‌ها آخرین شماره از کاتالوگ کامل زمین را منتشر کردند. آن موقع من به سن الان شما بودم و روی جلد آخرین شماره‌شان یک عکس از صبح زود یک منطقه روستایی کوهستانی بود. از آن نوعی که شما ممکن است برای پیاده‌روی کوهستانی خیلی دوست داشته باشید. زیر آن عکس نوشته بود.

stay hungry stay foolish

این پیغام خداحافظی آن‌ها بود وقتی که آخرین شماره را منتشر می‌کردند.

stay hungry stay foolish

این آرزویی است که من همیشه در مورد خودم داشتم و الان وقت فارغ‌التحصیلی شما آرزویی است که برای شما می‌کنم.

سوال‌های بررسی فیلم پخش شده

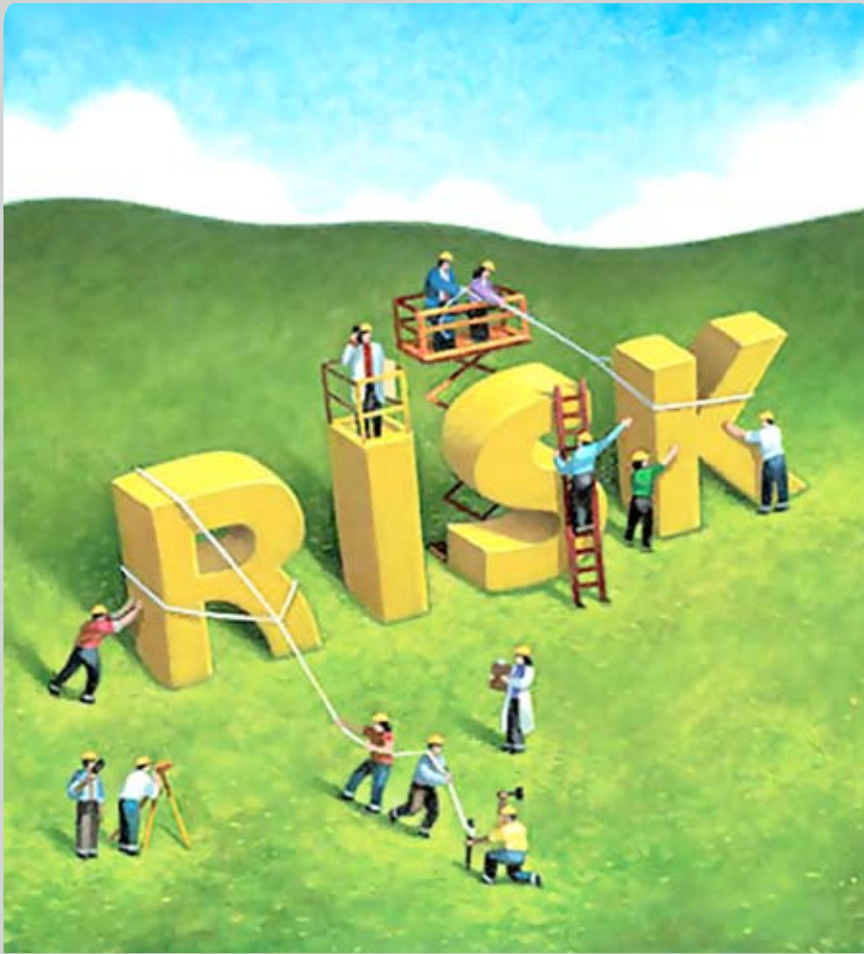
- ۱- چه مکانیزم ذهنی و روانی را در استیو جابز ممکن است شناسایی کرد که به او در برخورد با چالش‌ها و شکست‌ها کمک کرده باشد؟
- ۲- بیان داستان گونه موضوعات آیا می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی خاصی در استیو جابز باشد؟ آیا این‌گونه داستان‌وار به زندگی فکر کردن می‌تواند تاثیر خاصی در نگرش یک مدیر و فعالیت‌هایش داشته باشد؟
- ۳- به نظر شما باورهای اساسی مطرح‌شده توسط استیو جابز در این فیلم صرف‌نظر از درستی یا غلط بودن آن‌ها کدام‌اند و احیاناً چه تاثیراتی بر انگیزه‌های او و عملکردش گذاشته است؟
- ۴- آیا ویژگی خاصی در استیو جابز بر اساس صحبت‌هایش ممکن است تشخیص داد که او را از سایر مدیرانی که آن‌ها را می‌شناسید، متمایز کرده باشد؟

این باعث شد من دوباره به اپل برگردم و تکنولوژی ابداع‌شده در نکست انقلابی در اپل ایجاد کرد. من با زخم، لورن، زندگی بسیار خوبی را شروع کردیم. اگر من از اپل اخراج نمی‌شدم، شاید هیچ‌کدام از این اتفاقات نمی‌افتاد. این اتفاق مثل داروی تلخی بود که به یک مریض می‌دهند، ولی مریض واقعا به آن احتیاج دارد. بعضی وقت‌ها زندگی مثل سنگ توی سر شما می‌کوبد، ولی شما ایمانتان را از دست ندهید. من مطمئن هستم تنها چیزی که باعث شد من در زندگی‌ام همیشه در حرکت باشم، این بود که من کاری را انجام می‌دادم که واقعا دوستش داشتم.

داستان سوم من در مورد مرگ است. من ۱۷ سالم

بود، یک جایی خواندم که اگر هر روز جوری زندگی کنید که انگار آن روز آخرین روز زندگی‌تان باشد، شاید یک روز این نظر به حقیقت تبدیل شود. این جمله روی من تاثیر گذاشت و از آن موقع به مدت ۳۳ سال هر روز وقتی که توی آینه نگاه می‌کنم، از خودم می‌پرسم اگر امروز آخرین روز زندگی من باشد، آیا باز هم کارهایی را که امروز باید انجام بدهم، انجام می‌دهم یا نه. هر موقع جواب این سوال نه باشد، من می‌فهمم در زندگی‌ام به یک سری تغییرات احتیاج دارم. به خاطر داشتن این که بالاخره یک روزی خواهم مرد، برای من به یک ابزار مهم تبدیل شده بود که کمک کرد خیلی از تصمیم‌های زندگی‌ام را بگیرم، چون تمام توقعات بزرگ از زندگی، تمام غرور، تمام شرمندگی از شکست، در مقابل مرگ رنگی ندارند. حدود یک سال قبل دکترها تشخیص دادند که من سرطان دارم. ساعت ۷:۳۰ صبح بود که مرا معاینه کردند و یک تومور توی لوزالمعده من تشخیص دادند. من حتی نمی‌دانستم که لوزالمعده چی هست و کجای آدم قرار دارد، ولی دکترها گفتند این نوع سرطان غیرقابل درمان است و من بیشتر از سه ماه زنده نمی‌مانم. دکتر به من توصیه کرد به خانه بروم و اوضاع را روبه‌راه کنم. منظورش این بود که برای مردن آماده باشم و مثلاً چیزهایی که در مورد ۱۰ سال بعد قرار بود به بچه‌هایم بگویم، در مدت سه ماه به آن‌ها یادآوری کنم. این به این معنی بود که برای خداحافظی حاضر باشم. من با

منشور کمیته ریسک نقطه آغاز استقرار مدیریت ریسک



از آنجا که اعضای هیئت مدیره هر شرکت برای حفاظت از موقعیت، سرمایه و دارایی آن شرکت ناگزیر به درک شرایط محیط تجاری و مسئولیت‌های خود هستند، بنابراین به کسب آگاهی به موقع و دقیق از عوامل و موارد ریسک و همچنین به‌کارگیری رویه‌ها و راهکارهای اصولی (در زمینه از بین بردن آن) در ارتباط با فعالیت تجاری شرکت اهمیت دارند. از سوی دیگر، هیئت مدیره هر شرکت (بنا به وظیفه و مسئولیت خود) باید از ویژگی‌های رقابتی شرکت به طور اصولی حفاظت کند و با هدف دور شدن از هرگونه خطر، زمینه لازم برای مدیریت ریسک را فراهم کند. گام اول در این عرصه، تدوین و تنظیم «منشور مدیریت ریسک» است. مسئولیت اجرای این منشور نیز برعهده کمیته‌ای تخصصی در هر شرکت خواهد بود.

ماده ۱: اهداف

یاری رساندن به هیئت مدیره شرکت در استقرار فرایندهای شناسایی، سنجش و کنترل انواع ریسک، اهداف اولیه کمیته مدیریت ریسک در سطح شرکت است. از آنجا که مسئولیت مدیریت ریسک برعهده هیئت مدیره است، شناسایی دقیق ریسک‌ها و اتخاذ رویه‌های مناسب جهت رفع عواقب احتمالی آن به کمیته مدیریت ریسک محول می‌شود تا تطبیق با ضوابط و مقررات داخلی و قانونی نیز از این طریق صورت بگیرد. کمیته مدیریت ریسک باید هیئت مدیره را در تشخیص و ممیزی انواع مختلف ریسک یاری دهد. اهداف کمیته مدیریت ریسک شرکت عبارت‌اند از:

- بررسی اثربخشی چهارچوب کنترل‌های داخلی شرکت و ارائه پیشنهاد در راستای بهبود ساختار کنترل‌های داخلی.
- انجام نظارت و ارائه گزارش مستمر ماهانه در مورد

درونی دارند و اثرات نامطلوب این‌گونه ریسک‌ها را می‌توان از طریق شناخت به موقع و مدیریت صحیح آن‌ها کنترل کرد.

کمیته مدیریت ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام)، براساس منشور مدیریت ریسک (که در اواخر اسفندماه ۹۲ تدوین شده)، به منظور کنترل مسئولیت‌های مرتبط با مقررات و ضوابط سازمانی بورس و اوراق بهادار و همچنین استقرار ضوابط مندرج در نظام‌نامه مدیریت ریسک و تحکیم رویکرد حاکمیت شرکتی، تشکیل شده است. آنچه می‌خوانید، چهارچوب فعالیت‌های کمیته مدیریت ریسک در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی است که اطلاع هرچه کامل‌تر از مفاد آن می‌تواند برای مدیران و کارشناسان گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی و شرکت‌های وابسته مفید باشد.

در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار، استقرار مدیریت ریسک، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر، مورد تاکید قرار گرفته است و با عنایت به این‌که در بازار سرمایه ایجاد کمیته مدیریت ریسک از بابت استقرار حاکمیت شرکتی به عنوان یک الزام محسوب می‌شود، بنابراین این منشور با هدف حصول اطمینان از فرایند شناسایی عوامل ریسک، تدوین می‌شود.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری با توجه به نوع فعالیت خود، در معرض ریسک‌های متعددی اعم از ریسک‌های برون‌سازمانی و درون‌سازمانی قرار دارند. مدیریت ریسک‌های برون‌سازمانی به دلیل دارا بودن منشأ بیرونی (از جمله ریسک تغییرات نرخ ارز، تصمیم‌های کلان اقتصادی دولت و نهادهای دولتی و همچنین بحران‌های مالی داخلی و بین‌المللی) بسیار دشوار است. از طرفی دیگر ریسک‌های درون‌سازمانی منشأ

وضعیت انواع ریسک‌های تهدیدکننده فعالیت شرکت.

- دریافت گزارش‌های پیشرفت کار در مورد ریسک‌هایی که طی جلسات کمیته، مشخص و شناسایی شده‌اند.

- بررسی نتایج حاصل از حسابرسی و بازرسی‌های داخلی و ارزیابی‌های ریسک عملیاتی و کنترل‌های داخلی واحدهای شرکت اصلی و شرکت‌های زیرمجموعه.

- بررسی به‌روزرسانی‌های دوره‌ای حاصل از ملاحظات مدیریت در خصوص ریسک عملیاتی و کنترل‌های داخلی مربوط نظیر استمرار برنامه کاری، تطبیق و غیره.

- نظارت بر شناسایی ریسک‌ها و کنترل‌های داخلی مهم، از جمله تجزیه و تحلیل تغییرات جدید (محصولات و پروژه‌های جدید).

- بررسی منظم گزارش‌های دریافت شده از واحدهای مختلف در خصوص موارد مرتبط با ارزیابی و تطبیق، موارد نقض قوانین، مقررات، استانداردها و دستورالعمل‌هایی که منجر به وضع مجازات‌های قانونی، تبیهات نظارتی و وارد شدن زیان دارای اهمیت و آسیب وارد شدن به حسن شهرت شرکت، شده یا می‌شود.

- تلاش مستمر جهت به حداقل رساندن آسیب‌های وارده بر اعتبار شرکت که در نتیجه ناتوانی در مطابقت دادن عملیات با قوانین، مقررات، ضوابط و استانداردهای مرتبط با فعالیت جاری احتمال بروز دارند.

- ارائه گزارش‌های منظم فصلی در رابطه با وظایف کمیته به هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت جهت اتخاذ تصمیم. - بررسی سالانه سیاست‌گذاری‌های مدیریت ریسک شرکت.

ماده ۲: ترکیب اعضای اصلی کمیته

اعضای اصلی کمیته مدیریت ریسک بر اساس مصوبه هیئت مدیره شرکت تعیین می‌شوند. اعضای اصلی این کمیته شامل سه نفر هستند که به شرح ذیل انتخاب می‌شوند:

- یک عضو غیرموظف هیئت مدیره به عنوان رئیس کمیته مدیریت ریسک
- یک نفر دارای سوابق و تجربیات و تخصص لازم در زمینه مدیریت ریسک

- یک نفر به عنوان نماینده مدیریت ارشد اجرایی (مدیرعامل). این عضو وظیفه دبیر کمیته مدیریت ریسک را برعهده خواهد داشت.

ماده ۳: حدود اختیارات

کمیته مدیریت ریسک برای اجرای مسئولیت‌های خود مجاز است کلیه اطلاعات و گزارش‌های مورد نیاز را از مدیریت عامل شرکت و شرکت‌های تابعه دریافت و درخواست کند.

حدود اختیارات تعیین شده در این منشور با تصویب هیئت مدیره به کمیته مدیریت ریسک، تفویض و اختیارات لازم جهت اجرای وظایف تعیین شده به این کمیته واگذار می‌شود.

ماده ۴: نقش، مسئولیت‌ها و وظایف کمیته

کمیته مدیریت ریسک مسئولیت اجرای دقیق وظایف تعیین شده در این منشور را برعهده دارد، به گونه‌ای که بر اساس اجرای این وظایف هیئت مدیره از استقرار و اجرای فرایند مدیریت ریسک در گروه خوارزمی اطمینان لازم را کسب کند.

وظایف کمیته مدیریت ریسک:

- مطالعه و بررسی موارد ریسک و تنظیم خط‌مشی و استراتژی شناسایی به موقع آن‌ها و ارائه پیشنهادات لازم به هیئت مدیره جهت تصویب راهکارهای مربوطه.

- بررسی و مطالعه ظرفیت پذیرش ریسک هیئت مدیره در چهارچوب معیارهای تعیین شده در نظامنامه ریسک.

- حصول اطمینان از استقرار فرایندهای آگاهی بخشی مناسب و به موقع جهت اطلاع هیئت مدیره از موارد ریسک و استمرار ممیزی‌های موثر در راستای حذف آن.

- ارزیابی اثربخشی و کارآمدی روش‌های کاهش ریسک در موارد ریسک‌های بااهمیت در مجموعه شرکت.

- نظارت و کنترل اثربخشی عوامل و رویه‌های استقرار یافته توسط مدیریت ریسک در شرکت و حصول اطمینان از به‌کارگیری ساختارها و بنیان‌های اجرایی و سیستم‌های مناسب در این زمینه.

- حصول اطمینان از وجود قابلیت‌های لازم در خصوص قواعد و نظام مورد نیاز مدیریت ریسک.

- گزارش موارد تغییرات با اهمیت در نظامنامه مدیریت ریسک شرکت جهت تصویب هیئت مدیره.

کمیته مدیریت ریسک باید حداقل

در پایان هر سال نسبت به ارزیابی

نظامنامه مدیریت ریسک و مفاد

منشور کمیته مدیریت ریسک، اقدام

و آن را به‌روزرسانی کرده و موارد

تغییر را برای تصویب هیئت مدیره

پیشنهاد کند.

در صورت بروز تغییرات عمده در

زمینه منشور کمیته مدیریت ریسک

(بر اثر الزامات قانونی یا نیازهای

شرکت)، ارزیابی منشور کمیته

مدیریت ریسک در طی سال مالی

ضرورت دارد

- نظارت و کنترل در زمینه استقلال عوامل کنترل ریسک در ساختار سازمانی شرکت.

- بررسی و مطالعه استراتژی، خط‌مشی‌ها، چهارچوب‌ها، مدل‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با تشخیص و اندازه‌گیری، گزارشگری و کاهش عوامل ریسک.

- ملاحظه و بررسی ضوابط کنترلی تعیین شده توسط کمیته حسابرسی داخلی که دارای تاثیر در عوامل مدیریت ریسک و چهارچوب‌های آن است.

- حصول اطمینان از ایجاد و ارتقای فرهنگ آگاهی نسبت به ریسک به صورت فراگیر در سطح شرکت.

- دریافت گزارشات مربوط به ایجاد ریسک‌های جدید و تایید موارد لازم جهت تصویب هیئت مدیره.

- بررسی موارد و بندهای گزارش حسابرسی مستقل و بازرسی قانونی و ارائه پیشنهادات لازم جهت شاخص‌ها و مبانی شناسایی عوامل ریسک در نظامنامه مدیریت ریسک شرکت.

- انجام اقدامات مقتضی جهت تشخیص، ممیزی و

مدیریت ریسک در بخش‌های گوناگون در شرکت.

- حصول اطمینان از استقرار فرایندها، دستورالعمل‌ها و خط‌مشی مدیریت ریسک در شرکت.

ماده ۵: برگزاری جلسات

جلسات کمیته مدیریت ریسک حداقل به صورت ماهانه و با حضور اعضای اصلی برگزار می‌شود. در مواقع ضروری و حسب تشخیص رئیس کمیته، جلسات فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود که حضور کلیه اعضای اصلی در جلسات مذکور ضروری است.

تبصره ۱: هر یک از اعضای کمیته نیز می‌توانند در مواقع مقتضی با تعیین موضوع قابل طرح در جلسه، از رئیس کمیته، تقاضای تشکیل جلسه را داشته باشند.

تبصره ۲: تصمیمات متخذه با اکثریت آرای اعضای اصلی کمیته دارای اعتبار است و افراد دعوت شده جهت شرکت در جلسه فاقد حق رأی هستند. درج نظر اعضای دارای نظر مخالف با هر مورد باید در ذیل صورت‌جلسه مربوطه قید و امضا شود.

تبصره ۳: صورت‌جلسه کمیته مدیریت ریسک باید برای اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و اعضای کمیته ارسال شود. دبیر کمیته ریسک که مسئولیت مدیریت ریسک در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی را برعهده دارد، باید در تمام جلسات کمیته حضور داشته و ضمن تدوین صورت‌جلسه، آن را برای افراد تعیین شده ارسال کند.

ماده ۶: ارزیابی نظامنامه و منشور کمیته

کمیته مدیریت ریسک باید حداقل در پایان هر سال نسبت به ارزیابی نظامنامه مدیریت ریسک و مفاد منشور کمیته مدیریت ریسک، اقدام و آن را به‌روزرسانی کرده و موارد تغییر را برای تصویب هیئت مدیره پیشنهاد کند.

تبصره: در صورت بروز تغییرات عمده در زمینه منشور کمیته مدیریت ریسک (بر اثر الزامات قانونی یا نیازهای شرکت)، ارزیابی منشور کمیته مدیریت ریسک در طی سال مالی ضرورت دارد.

ماده ۷: ارزیابی عملکرد کمیته

کمیته باید نتایج ارزیابی عملکرد خود را در پایان هر سال مالی برای درج در گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی عادی سالانه، تهیه و به هیئت مدیره شرکت ارائه کند. این ارزیابی شامل فهرستی از موارد بااهمیت نتایج عملکرد مدیریت ریسک در شرکت و میزان اثربخشی اقدامات خواهد بود.

ماده ۸: سایر اختیارات کمیته

- کمیته می‌تواند از مشاورین مجرب، متخصص و حرفه‌ای جهت همکاری و حضور در جلسات دعوت به عمل آورد.

- کمیته می‌تواند با درخواست از مدیریت عامل شرکت برای اعضای کمیته یا مدیران اجرایی، نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی، اقدام کند.

- کمیته پیشنهاد مشارکت اعضا یا مدیران اجرایی ارشد در دوره‌های آموزشی داخلی و خارجی از کشور را جهت تصویب به هیئت مدیره ارائه می‌کند تا پس از تصویب مبنای اقدام قرار گیرد.

این منشور در یک مقدمه، هشت ماده و چهار تبصره در جلسه شماره ۱۶۶ مورخ ۹۲/۱۲/۲۴ هیئت مدیره محترم شرکت به تصویب رسید.



دکتر سیداصغر ابن الرسول
(مدیر طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی)

برنامه‌ریزی استراتژیک، هنر و علم تدوین «تصمیم‌های وظیفه‌ای چندگانه» است که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد. در دهه‌های اخیر، به علت پیچیدگی محیط تجاری و بزرگ شدن شرکت‌ها و همچنین رشد تعداد آن‌ها، در چهارچوب علم مدیریت، این علم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در این رابطه تاکنون تحلیل‌های مختلفی صورت پذیرفته و مدل‌های گوناگونی ارائه شده است. در این مقاله تعاریفی از برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه و به بررسی این مدل‌ها پرداخته می‌شود. باشد که مورد توجه و استفاده خوانندگان ارجمند، به ویژه مدیران و کارشناسان محترم گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی قرار گیرد.

برنامه‌ریزی استراتژیک

کلید واژگان: استراتژی، برنامه‌ریزی استراتژیک، محیط، اهداف بلندمدت

مدیران امروز باید برداشت جامع و واقعی از مسئولیت خطیر و روزافزون مدیریت خود داشته باشند و حرکت و جایگاه سازمان خود را طوری تعیین کنند که نه تنها تداوم موقعیت سازمان را تامین کند، بلکه این موقعیت را ارتقا بخشد و مانع از غافل‌گیری آن‌ها در کوران وقایع شود. سازمان‌های کنونی که در شرایط محیطی در حال تغییر و تحول سریع هستند، لازم است با توجه به این وضعیت جدید راه مناسبی خصوصاً در بازارهای رقابتی آینده اتخاذ کنند. استراتژی مقابله با تهدیدهای محیطی و بهره‌برداری از فرصت‌های آن و تطبیق منابع سازمانی با تهدید و فرصت‌ها را در نظر بگیرند و هر سازمان اعم از تولیدی و خدماتی باید با شناخت فرصت‌ها و مزیت‌ها و استفاده از آن‌ها مسیر حرکت یا استراتژی صحیح را مشخص کند و عملیات اداری، تولیدی یا بازرگانی را در آن بستر اجرا و معمول دارد. برنامه‌ریزی استراتژیک فرایند گرفتن تصمیم‌هایی است که منجر به موفقیت یا شکست فعالیت سازمان‌های تولیدی و خدماتی با توجه به تاثیرهای شرایط

هدف. در مفهوم سازمان تعریفی که از استراتژی می‌شود، این‌گونه است: «استراتژی یک برنامه واحد، همه‌جانبه و تلفیقی است که محاسن یا نقاط قوت اصلی سازمان را با عوامل و تغییرات محیط مربوط می‌سازد و به نحوی طراحی می‌شود که با اجرای صحیح آن از دست‌یابی به اهداف اصلی سازمان اطمینان حاصل شود.» نظریه‌پردازان علم مدیریت، استراتژی را چگونگی تخصیص مطلوب منابع کمیاب، جهت رسیدن به اهداف اقتصادی تعریف کرده‌اند. استراتژی، تعیین‌کننده زمینه‌های فعالیت در محیطی پیچیده و پویا و ابزاری است که به عنصر انسانی در یک نظام سازمانی حیات می‌بخشد و افراد را به حرکت وادار می‌دارد. آن سوف، به عنوان اولین دانشمندی که استراتژی را به شکل جامع و معنادار توضیح داد، معتقد است که هر قدر بین اهداف و فعالیت‌های فعلی سازمان سازگاری بیشتری وجود داشته باشد، نرخ رشد و توسعه بزرگ‌تر و منظم‌تر خواهد بود. شاندلر (۱۹۶۲) استراتژی را به این صورت تعریف می‌کند: «استراتژی عبارت است از یک طرح واحد، همه‌جانبه و تلفیقی که نقاط قوت و ضعف سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی مربوط می‌کند

محیطی و درون سازمان می‌شود. می‌توان گفت برنامه‌ریزی استراتژیک جریان تصمیم‌گیری و انجام اقداماتی است که موجب ایجاد یک برنامه موثر برای دستیابی به اهداف کلی سازمان می‌شود. برنامه‌ریزی استراتژیک روشی آینده‌نگر، انطباق‌پذیر و خلاق و پویا است.

استراتژی

واژه «استراتژی» که اکنون در زبان فارسی از آن به «راهبرد» تعبیر می‌شود، مفهومی است که از عرصه نظامی نشئت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. ریشه واژه «استراتژی» واژه یونانی «استراتیا» به معنای «فرماندهی و رهبری» است. به تعبیری دیگر واژه استراتژی از ریشه یونانی «استراتما» به معنای فرمانده ارتش، گرفته شده است. مفهوم استراتژی ابتدا به معنای فن، هدایت، تطبیق و هماهنگ‌سازی نیروها جهت نیل به اهداف جنگ در علوم نظامی به کار گرفته شد. اکنون معنای ساده استراتژی عبارت است از یک طرح به منظور هماهنگی و سازمان‌دهی اقدامات برای دستیابی به

و دستیابی به اهداف اصلی سازمان را میسر می‌سازد. اندروز (۱۹۷۱) می‌گوید: «استراتژی عبارت است از الگوی منظورها، مقاصد، اهداف، خط‌مشی‌های اصلی و طرح‌هایی جهت دستیابی به اهداف.»

میتزبرگ تعریف کوتاهی درباره استراتژی ارائه داده است. از نظر او استراتژی عبارت است از الگوی به جریان انداختن تصمیم‌ها. در حال حاضر نیز در زبان فارسی واژه استراتژی را از نظر لغوی راهبرد معنی می‌کنند. در واقع استراتژی یک عنصر در یک ساختار چهار بخشی است: اولین بخش اهدافی است که باید به آن‌ها دست یافت. دومین بخش استراتژی‌های مورد نظر برای دستیابی به آن اهداف و چگونگی تخصیص منابع برای این منظور است. سومین بخش تاکتیک‌ها به مفهوم استفاده عملی از منابع اختصاص یافته است. چهارمین بخش خود منابع و راه‌ها و روش‌ها هستند. بر این اساس استراتژی معمولاً شکاف بین اهداف و تاکتیک‌ها را پر می‌کند. راهی است که رسیدن به هدف را تضمین کرده و جهت‌گیری سازمانی را برای به‌کارگیری توانمندی سازمانی و بهره‌گیری از فرصت فراهم می‌کند.

برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی عبارت است از تهیه و توزیع و تخصیص امکانات محدود برای رسیدن به هدف‌های مطلوب، در حداقل زمان و با حداقل هزینه ممکن. برنامه‌ریزی فرایند دستیابی به اهداف سازمان است. در یک کلام برنامه‌ریزی یعنی تعیین فعالیت‌های اثربخش در جهت تحقق هدف به بهترین شکل ممکن.

انواع برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی از جنبه ماهیت به برنامه‌ریزی فیزیکی، برنامه‌ریزی سازمانی، برنامه‌ریزی فرایند، برنامه‌ریزی مالی، برنامه‌ریزی وظیفه‌ای و برنامه‌ریزی عمومی دسته‌بندی می‌شوند که در این‌جا منظور از برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی از نوع عمومی است. برنامه‌ریزی عمومی معمولاً تمام دیگر انواع برنامه‌ریزی را در خود دارد. برنامه‌ریزی را از جنبه افق زمانی می‌توان در قالب برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت (برنامه‌ریزی عملیاتی و تاکتیکی)، برنامه‌ریزی میان‌مدت و برنامه‌ریزی بلندمدت دسته‌بندی کرد.

وسایل لازم برای تحقق اهداف استراتژیک مشخص می‌شود و این کار سبب هماهنگی واحدهای سازمانی می‌شود. در این حالت تلاش برای حصول به بهترین نتایج صورت می‌گیرد. (اثربخشی)

- عملیاتی

عبارت است از تعیین عملیات (فعالیت‌های) لازم جهت نیل به اهداف استراتژیک، از طریق وسایل (تاکتیک‌های) تعیین شده. در این حالت تلاش جهت بهتر انجام دادن کارها است. (کارایی)

- منابع کلیدی سازمان را به کار می‌گیرد.
- چالش‌های اساسی داخلی و خارجی سازمان را در نظر می‌گیرد.
- جهت‌گیری اصلی سازمان را مشخص می‌کند.
- بر مبنای چشم‌انداز تعریف شده است.
- تمام برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را هدایت می‌کند.
- مبنایی برای تعیین معیارهای عملکرد سازمان، مجموعه‌ها و افراد است.

جدول ۲- مقایسه برنامه‌های استراتژیک، تاکتیکی و عملیاتی

خصوصیات	استراتژیکی (Strategic)	تاکتیکی (Tactical)	عملیاتی (Operational)
هدف	تعیین اهداف عالی و منافع آتی	تعیین اهداف مرحله‌ای منافع فعلی و آتی	تعیین فعالیت‌ها منافع فعلی
نقش	هدایت تمام سازمان	هماهنگی واحدها	نظارت فنی
زمان	سال ۲ تا ۳	حداکثر ۲ سال	حداکثر ۱ سال
توجه به محیط	خیلی زیاد	متوسط	ندارد
سطح سازمانی	مدیریت عالی	مدیریت میانی	مدیریت اجرایی

برنامه‌ریزی استراتژیک با استفاده از قالب مدل براینسون

این مدل نتیجه بررسی خصوصیات مدل‌های قبلی و رفع نقاط ضعف آن‌ها برای کاربرد در سازمان‌های عمومی و غیرانتفاعی است. این مدل شامل یک فرایند پیوسته (مطابق با تعریف برنامه‌ریزی) و تکرارپذیر است که پیش از گرفتن هر تصمیمی آغاز شده و پس از اجرای آن تصمیم ادامه می‌یابد. در این‌جا این فرایند در قالب ۱۰ مرحله شرح داده می‌شود. از خصوصیات این فرایند این است که نتایج حاصل از هر مرحله می‌تواند در بازنگری یا تکمیل مراحل پیش از آن مورد استفاده قرار گیرند.

مراحل فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک در مدل براینسون به شرح زیر است:

۱- توافق اولیه: در این مرحله ضرورت برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان مورد برنامه‌ریزی بررسی شده و آشنایی با این نوع برنامه‌ریزی حاصل می‌شود. سازمان‌ها، واحدها، گروه‌ها یا افرادی که باید در برنامه‌ریزی درگیر شوند، مشخص و توجیه می‌شوند. مراحل که در برنامه‌ریزی باید انجام شوند، شرح داده می‌شوند. روش انجام برنامه‌ریزی، زمان‌بندی انجام، آیین‌نامه‌های مورد نیاز برای جلسات و نحوه گزارش‌دهی مشخص می‌شوند. منابع و امکانات لازم تعیین می‌شوند.

۲- تعیین مأموریت، چشم‌انداز و وظایف: تعیین مأموریت، چشم‌انداز و وظایف رسمی و غیررسمی سازمان مهم‌ترین موضوعاتی است که سازمان با آن‌ها روبه‌روست. در این مرحله هدف این است که سازمان و افراد آن مأموریت چشم‌انداز و وظایفی را که از طرف مراجع ذیصلاح (دولت، مجلس، مجمع شرکت و هیئت مدیره شرکت...) به آن‌ها محول شده است، شناسایی کنند. شاید این هدف به ظاهر خیلی روشن باشد، ولی این واقعیت در بیشتر سازمان‌ها وجود دارد که بیشتر افراد مأموریت، چشم‌انداز اختیارات و وظایف سازمانی را که در آن مشغول به کارند، نمی‌دانند و اساساً نام آن را حتی برای یک بار مطالعه نکرده‌اند. از

تعریف برنامه‌ریزی استراتژیک

عبارت است از تهیه برنامه متناسب برای تطبیق قابلیت‌های درونی با شرایط ویژه محیطی و ارزیابی قابلیت‌های درونی یا تعیین قدم‌های لازم جهت پیش‌بینی نقطه تعادل سازمان با محیط برای تحقق اهداف اساسی سازمان. به عبارتی دیگر: تمامی اقداماتی که به تعریف اهداف اساسی و تعیین استراتژی مناسب برای دستیابی به آن اهداف منجر می‌شود.

فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک اساساً فرایندی هماهنگ‌کننده بین منابع داخلی سازمان و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی آن است. فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک، یک فرایند مدیریتی است شامل هماهنگی قابلیت‌های داخلی سازمان با فرصت‌ها و تهدیدهای

جدول ۱- انواع برنامه‌ریزی از جنبه‌های مختلف

به لحاظ وسعت	به لحاظ زمان	به لحاظ عمق	به لحاظ تناوب
استراتژیک (Strategic)	بلندمدت (Long Term)	کلی یا جهت دار (Directional)	یک‌بار مصرف (Single Use)
عملیاتی (Operational)	کوتاه مدت (Short Term)	تفصیلی یا خاص (Specific)	جاری (Standing)

موجود. باید توجه داشت که برنامه‌ریزی استراتژیک زمانی با ارزش است که به تصمیم‌گیرندگان اصلی کمک کند که به صورت استراتژیک فکر و عمل کنند. برنامه‌ریزی استراتژیک به خودی خود هدف نیست، بلکه تنها ابزاری است که برای کمک به مدیران در تصمیم‌گیری‌های اساسی استفاده می‌شود.

ویژگی‌های برنامه‌ریزی استراتژیک

- اهداف اساسی و چشم‌انداز سازمان را نشانه می‌گیرد.

انواع برنامه براساس سطوح سازمانی استراتژیک

عبارت است از تعیین اهداف بلندمدت و حیاتی سازمان و روش نیل به آن، با توجه به عوامل محیطی و با در نظر گرفتن آینده سازمان

- تاکتیکی

عبارت است از گرفتن تصمیم‌های کوتاه‌مدت برای حداکثر بهره‌وری از منابع موجود با توجه به تحولات محیط، در چهارچوب استراتژی. در این نوع برنامه‌ریزی

طرف دیگر وظایف محول شده به سازمان عموماً کلی است و تمام فضایی را که سازمان می‌تواند در آن فعالیت کند، تعریف نمی‌کند.

۳- تحلیل ذینفعان: ذینفع فرد، گروه یا سازمانی است که می‌تواند بر نگرش، منابع یا خروجی‌های سازمان تأثیر گذارد، یا از خروجی‌های سازمان تأثیر پذیرد. تحلیل ذینفعان پیش‌درآمد ارزشمندی برای تنظیم بیانیه ماموریت سازمان است. تحلیل ذینفعان بسیار ضروری است، چراکه رمز موفقیت ارضای ذینفعان کلیدی سازمان است. اگر سازمان نداند که ذینفعانش چه کسانی هستند، چه معیارهایی برای قضاوت درباره سازمان به کار می‌برند و وضعیت عملکردی سازمان در قبال این معیارها چیست، به احتمال زیاد نخواهد توانست فعالیت‌هایی را که باید برای ارضای ذینفعان کلیدی خود انجام دهد، شناسایی کند.

۴- تنظیم بیانیه ماموریت سازمان: ماموریت سازمان جملات و عباراتی است که اهداف نهایی سازمان، فلسفه وجودی، ارزش‌های حاکم بر سازمان و نحوه پاسخ‌گویی به نیاز ذینفعان را مشخص می‌کند. علاوه بر این موارد، اختلافات درون سازمانی را مرتفع و بستر بحث‌ها و فعالیت‌های سازنده و موثر را هموار می‌کند. توافق بر ماموریت سازمان، تمام فعالیت‌های آن را هم‌سو می‌کند و انگیزش و توجه ذینفعان سازمان خصوصاً کارکنان آن را افزایش می‌دهد.

۵- شناخت داخل و محیط سازمان: اساس برنامه‌ریزی استراتژیک عملکرد مناسب سازمان براساس شناخت شرایط داخلی و محیطی است. یک بازیکن موفق فوتبال علاوه بر این که از توانایی‌ها و وظایف هر یک از اعضای تیم خود آگاهی دارد، سعی می‌کند شرایط تیم مقابل و نقاط قوت و ضعف هر یک از افراد آن را دریابد و با داشتن این ماموریت در ذهن، یعنی پیروز شدن در بازی، در هر لحظه بهترین حرکت را انجام دهد. برای این که یک سازمان نیز در رسیدن به ماموریت خود موفق

محیط داخلی نیز در قالب ورودی‌ها، خروجی‌ها، فرایندها، مقدرات و عملکرد سازمان در مقایسه با رقبا مورد مطالعه قرار می‌گیرند و نقاط قوت و نقاط ضعف تبیین می‌شود.

۶- تعیین موقعیت استراتژیک سازمان: در این مرحله با توجه به فهرست نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، وزن مولفه‌های نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها از آن‌ها و مقدار هر مولفه، مقدار جمع حاصل‌ضرب مقدار در وزن مولفه‌های نقاط قوت، مقدار جمع حاصل‌ضرب مقدار در وزن مولفه‌های نقاط ضعف، مقدار جمع حاصل‌ضرب مقدار در وزن

موقعی که استراتژی مشخص شد، باید برنامه‌های استراتژیک ناشی از آن تنظیم شود و تمامی برنامه‌ها، فعالیت‌ها، تخصیص بودجه و حتی عملیات روزمره در یک سلسله‌مراتب منظم تنظیم شود، به گونه‌ای که یک سازمان استراتژی محور به تصویر بکشد. در این صورت، افراد سازمان خواهند دانست که چه انتظاری از آن‌ها می‌رود، پویایی و هم‌سویی انگیزه و نیروی افراد در رسیدن به اهداف سازمان به‌وجود آمده و نیاز به نظارت مستقیم کاهش می‌یابد.



مولفه‌های فرصت‌ها و مقدار جمع حاصل‌ضرب مقدار در وزن مولفه‌های تهدیدها مشخص می‌شود. حال در روی دو محور عمود برهم که محور افقی از سمت چپ ضعف شروع شده و به نقطه صفر می‌رسد (و از این‌جا نقطه قوت شروع تا بی‌نهایت به سوی سمت راست ادامه می‌یابد) و محور

شود، باید شرایط حاکم بر خود را به خوبی شناسایی کند. در این مرحله، محیط خارجی سازمان در قالب شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیک مورد بررسی قرار می‌گیرد و فرصت‌ها و تهدیدها برای سازمان تعیین می‌شوند. هم‌زمان با شناخت محیط سازمان، در این مرحله

عمودی از بیشترین تهدید از پایین شروع و به بیشترین فرصت در بالا ادامه می‌یابد، مقادیر جمع‌ها وارد می‌شود که اگر این چهار نقطه به هم وصل شود، یک چهارضلعی رسم می‌شود. مرکز ثقل این چهارضلعی موقعیت شرکت را مشخص می‌کند.

موقعیت شرکت یکی از موقعیت‌های قوت فرصت، ضعف تهدید، فرصت ضعف و تهدید قوت خواهد بود.

۷- تعیین گزینه‌های استراتژیک پیش روی سازمان: گزینه‌های استراتژیک راه و جهت‌گیری‌های اساسی هستند که بر اختیارات، ماموریت، ارزش‌ها، محصول یا خدمات ارائه‌شده، مراجعان یا استفاده‌کنندگان، هزینه‌ها، تامین منابع مالی، سازمان یا مدیریت تأثیر می‌گذارد. هدف این مرحله تعیین گزینه‌های ممکن است که با موقعیت استراتژیک سازمان سازگاری دارد.

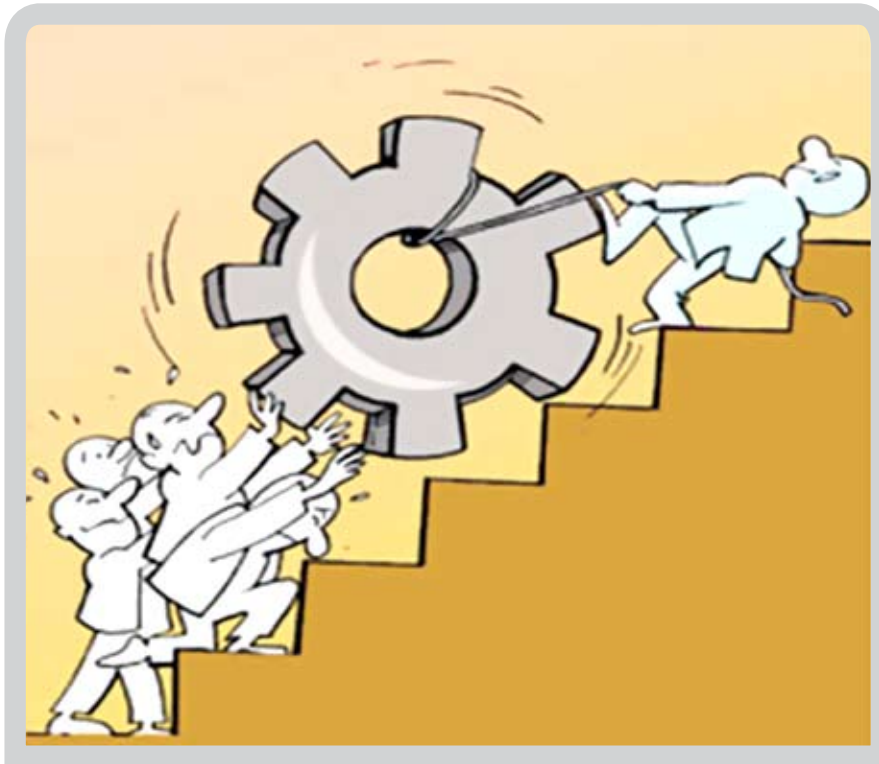
۸- تعیین استراتژی: در این مرحله با بررسی گزینه‌های مرتبط با موقعیت استراتژیک شرکت بهترین گزینه انتخاب خواهد شد. یعنی استراتژی (گزینه انتخاب‌شده)، جهت‌گیری اساسی و محور حرکت سازمان مشخص می‌شود.

۹- تعیین برنامه‌های استراتژیک: موقعی که استراتژی مشخص شد، باید برنامه‌های استراتژیک ناشی از آن تنظیم شود و تمامی برنامه‌ها، فعالیت‌ها، تخصیص بودجه و حتی عملیات روزمره در یک سلسله‌مراتب منظم تنظیم شود، به گونه‌ای که یک سازمان استراتژی محور به تصویر بکشد. در این صورت، افراد سازمان خواهند دانست که چه انتظاری از آن‌ها می‌رود، پویایی و هم‌سویی انگیزه و نیروی افراد در رسیدن به اهداف سازمان به‌وجود آمده و نیاز به نظارت مستقیم کاهش می‌یابد.

۱۰- برنامه عملیاتی یک‌ساله: در این مرحله با استفاده از اطلاعات تدوین‌شده در مراحل قبل و بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده توسط تصمیم‌گیران، یک برنامه عملیاتی تهیه شده و بر اساس آن مدیریت و کنترل طرح‌ها و اقدامات انجام می‌شود.

منابع

۱- دیوید، فرد آر، مدیریت استراتژیک، ترجمه دکتر علی پارسیان و دکتر سیدمحمد اعرابی، ۱۹۹۹
 ۲- هانگر، جی.دیوید، ال وین، توماس، مبانی مدیریت استراتژیک، ترجمه دکتر سیدمحمد اعرابی، داود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، ۲۰۰۱
 ۳- سنگه، پیتر، رقص تغییر، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ویرایش دوم، ۱۹۹۹
 ۴- غفاریان، وفا، کیانی، غلامرضا، استراتژی اثربخش، سازمان فرهنگی فرا، چاپ دوم، ۱۳۸۳
 ۵- غفاریان وفا، عمادزاده، مرتضی، معانی نوظهور در مفهوم استراتژی، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۳
 ۷- آرمسترانگ، مایکل، مدیریت استراتژیک منابع انسانی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، مترجمان: سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، ۱۳۸۱
 ۸- فنیری، دینا سی، مدیریت اقتضایی، انتشارات میر، مترجم ناصر میرسپاسی، ۱۳۸۴
 ۹- شکری، مصطفی، کنکاشی در شناخت مدیریت استراتژیک، نشریه مدیریت (انجمن مدیریت ایران) شماره ۵۳، ۵۴، آبان ۱۳۸۰
 ۱۰- "Lusk, Sandra, Paley, Staci, Spanyi, Andrew,"
 The Evolution of Business Process Management
 ۲۰۰۵ as a Professional Discipline", BPTrends, June
 Horwath, Rich, "The Evolution of Business
 ۱۱- "Strategy", Strategic Thinking Institute ۲۰۰۶



چهار گزارش به مناسبت روز ملی صنعت

بورس در انتظار تحرك صنعت

مانلی فخریان

بخش‌های غیرواقعی فعال شدند. هجومی را که به بازار سکه، ارز و مسکن مشاهده کردیم، بهترین دلیل برای اثبات رونق در بخش‌های داخلی اقتصاد بود و وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، بازار سرمایه و بورس نیز محل خوبی برای سرمایه‌داران جزء و کل نیست، چون آن‌ها حتی برای یک دقیقه آینده خود نیز نگران هستند. تمام گرفتاری‌های ما از زمانی آغاز شد که تولید و صنعت در اقتصاد ایران درست در باشکوه‌ترین روزهای نفتی حاشیه‌نشین شدند. در چنین فضایی اگر در مقطعی مثل سال ۹۱ بورس با رشد مواجه است، نمی‌توان به این رشد اطمینان کرد، چون تحت تاثیر فرایندهایی مثل افزایش قیمت دلار، عادت به فضای حاکم بر سیاست و خستگی فعالان اقتصادی از تنش‌های حاکم بر بازار است. بورس زمانی قابل اطمینان است که بخش‌های واقعی اقتصاد رونق داشته باشند و نرخ رشد روی شانه‌های تولید بالا برود. در این زمان نتیجه چنین اتفاقی به رونق واقعی بورس منجر می‌شود.

این موضوع را بسیاری از کارشناسان اقتصادی دیگر نیز تایید می‌کنند. به نظر می‌رسد این روزها همه در انتظار آینده هستند. سخنان رئیس جمهوری در روز صنعت فضای تازه‌ای را برای اهالی تولید ایجاد کرد. در حال حاضر آمار و ارقام موجود در تولید کشور نشان می‌دهد که حال صنعت خوب نیست، اما فعالان صنعتی می‌گویند که همه چیز می‌تواند در آینده مثبت باشد. اگر این گونه شود، به طور حتم سیمای بازار سرمایه نیز تغییر می‌کند. چون همه شاخص‌ها رابطه‌ای مستقیم با رشد تولید دارند. این را دنیای اقتصادی امروز تجربه کرده است. آیا این‌گونه نیست؟

یاد می‌شود. در واقع این منابع نفتی می‌توانستند یک بار برای همیشه گره نقدینگی را از تن صنعت ایران باز کنند و مسیر سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را هموار سازند، اما تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه درست به موازات رشد درآمدهای نفتی ظرفیت فعال صنعت ایران نیز تا پایان سال ۹۱ به ۳۵ درصد سقوط کرد. بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در سال ۸۴ میزان نقدینگی تاریخی کشور کمتر از ۸۰ هزار میلیارد تومان بوده است که در پایان سال ۹۱ این میزان نقدینگی به بالای ۵۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. اما طنز ماجرا این‌جاست که در همین سال‌ها بیشتر از هر وقت دیگری صنایع به خاطر نداشتن نقدینگی زمین‌گیر می‌شوند. به عبارتی اقتصاد ایران بعد از هشت سال غوطه‌ور شدن در نفت به افول صنعت تن می‌دهد. بر اساس گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در سال ۹۱ رشد نقدینگی به بیش از ۳۰ درصد می‌رسد (نمودار زیر)، ولی بعدها وزیر صنعت اعلام کرد که در همین سال نرخ رشد صنعت نیز برای نخستین بار منفی ۹ درصد را رد می‌کند. در دنیای امروز هیچ شکی باقی نمانده است که صنعت و اوضاع حاکم بر تولید نشان‌دهنده سلامت اقتصاد هر کشوری است. به طور حتم پویایی تولید، بازار سرمایه را نیز به بازاری مولد تبدیل می‌کند و در چنین فضایی بازارهای حاشیه‌ای نمی‌توانند روی دست بازار سرمایه بزنند.

در همین رابطه هوشمندیار، کارشناس اقتصادی، می‌گوید: «در چند سال گذشته به دلیل سیاست‌گذاری‌های غلط، بخش‌های واقعی اقتصاد آسیب دیدند و به همین دلیل

روز صنعت از آن روزهایی است که می‌تواند حداقل به اندازه یک روز دل اهالی صنعت را به این خوش کند که روزی دارند و روزگاری که می‌توانند به اندازه یک روز برای صنعت شادمانی کنند. ۱۰ تیرماه هر سال در واقع روزی است که در روزشمار کشور برای صنعت علامت‌گذاری شده است و بر اساس یک سنت اداری نیز هر سال در چنین روزی صنعت‌گران در یک سالن بزرگ جمع می‌شوند و مدیران دولتی نیز به آن‌ها وعده می‌دهند که به‌زودی مشکلات صنعت به انتها می‌رسد. امسال نیز به رسم سال‌های قبل صنعت‌گران جشن صنعت را برگزار کردند و رئیس جمهوری نیز در میان آن‌ها حاضر شد. منتها اتفاقی که امسال رخ داد، بدون شک می‌تواند ۱۰ تیرماه ۱۳۹۳ را به تاریخی‌ترین روز برای صنعت کشور تبدیل کند. در این روز حسن روحانی وقتی با نگرانی اهالی تولید مواجه شد، قسم خورد که دیگر سال‌های ۸۴ تا ۹۲ تکرار نمی‌شود و این‌گونه امیدی تازه به عروق صنعتی کشور تزریق کرد. بدون شک صنعت و تولید در ایران سخت‌ترین گره‌های اقتصادی را در طول تاریخ تجربه کرده‌اند و همواره نیز کارشناسان، دست‌اندرکاران و فعالان اقتصادی در این آرزو بوده‌اند که ایران توسعه صنعتی را تجربه کند. برای واقعیت یافتن این آرزوی قدیمی شاید هیچ دوره‌ای به اندازه سال‌های ۸۴ تا ۹۲ ظرفیت مالی وجود نداشته است. آگاهان اقتصادی می‌گویند که بزرگ‌ترین مشکل صنعت در ایران، مخصوصاً طی سال‌های گذشته، فقدان نقدینگی بوده است، اما جالب این‌جاست که در هشت سال گذشته ایران بیشترین درآمدهای نفتی را تجربه کرده است؛ درآمدی که از آن با عنوان طلایی‌ترین درآمدهای نفتی تاریخ معاصر

صنعت؛ گام نخست، تکمیل طرح‌های نیمه تمام

منصور اولی



رقم حتی بدون در نظر گرفتن «ریال» و «تومان» هم با هم فاصله زیادی دارند، چه برسد به این که ریال را به تومان مورد درخواست آقای ابویی تبدیل کنیم.

رویا رفیعی گفته بود این اعتبارات در قالب تسهیلات ریالی به طرح‌های با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد اعطا خواهد شد. اعتبارات طرح از محل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وزارت صنعت، معدن و تجارت بوده است و در حال حاضر تاییدیه قرارداد از سوی بانک مرکزی گرفته و اعتبارات لازم تخصیص داده شده است. به گفته رفیعی، با توجه به رقم کلی منابع تخصیصی، اعتبارات این محل عمدتاً جهت خرید ماشین‌آلات و اتمام طرح‌های متوسط و کوچک صنعتی، با هدف تکمیل و تقویت زنجیره‌های تولید پرداخت می‌شود. مدیرکل دفتر امور طرح‌ها و تامین مالی وزارت صنعت، معدن و تجارت همچنین با بیان این که قرارداد عاملیت با بانک صنعت و معدن نهایی شده است، گفته بود تسهیلات مورد درخواست طرح‌ها پس از معرفی به بانک و تایید بانک یادشده در مدت زمان کوتاه پرداخت خواهد شد. او همچنین یادآور شد: معرفی متقاضیان به بانک صنعت و معدن از اسفندماه سال گذشته آغاز و تا اواخر خردادماه ادامه خواهد داشت. به نظر می‌رسد با این حساب و با مقایسه اعتبارات اختصاص‌یافته و اعتبارات مورد نیاز، به این زودی‌ها نباید منتظر اتفاق خاصی در عرصه تولید صنعتی کشور بود و مشکلات مزمن تولید همچنان پابرجا خواهد ماند.

شاید به همین دلیل است که حسین ابویی مهریزی آمارهای اعلام‌شده از رشد صنعتی را کمی تعدیل کرده است. او درباره نرخ رشد صنعت و معدن کشور در سال ۹۲ و سه ماهه اول امسال گفته است برآوردها حاکی از آن است که نرخ رشد اقتصادی سال قبل به حدود صفر رسیده است. برای سال جاری نیز نرخ رشد بخش صنعت، معدن و تجارت پنج درصد پیش‌بینی شده است.

او در واکنش به اظهارات معاون معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره رشد ۹ درصدی بخش صنعت و معدن در سه ماهه اول امسال گفت: «بهتر است این موضوع را از ایشان بپرسید؛ طبق آمارهای بانک مرکزی در ۹ ماهه سال قبل رشد بخش صنعت منفی ۷٫۵ و نرخ رشد بخش معدن نیز منفی سه درصد بوده است و برآورد من این نیست که در سه ماهه اول امسال به رشد ۹ درصدی بخش صنعت و معدن رسیده‌ایم.»

تغییر استراتژی

ابویی همچنین از کاهش ۱۳٫۳ درصدی پروانه‌های بهره‌برداری صنعتی صادرشده در سال قبل خبر داد و درباره وضعیت آخرین استراتژی توسعه صنعتی نیز گفت: «برنامه‌ای که در دولت قبل تصویب شد، استراتژی نبود و مشکلات زیادی در آن وجود داشت. در حال حاضر سند راهبردی صنعت، معدن و تجارت توسط وزارتخانه در دولت یازدهم ویرایش شده و در آستانه نهایی شدن است.»

او ۱۵۰ طرح در اولویت قرار گرفته که برای این رقم ناچیز نسبت به ۲۹ هزار طرح نیمه‌تمام، به رقم ۱۸۰ هزار میلیارد تومان سرمایه نیاز است و در نهایت هم قرار است فقط برای ۸۰ هزار نفر شغل ایجاد شود. یعنی بر اساس گفته‌های ابویی با بیش از نصف مبلغ مورد اشاره فقط می‌توان ۱۵۰ طرح را تکمیل کرد و فقط هم ۸۰ هزار شغل ایجاد می‌شود. این آمار انصافاً شگفتی‌آور است، مگر این که خبرگزاری‌ها در انتقال آن اشتباهی مرتکب شده باشند!

البته این تنها اظهار نظر شگفتی‌ساز معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت نیست. او دو روز قبل از این هم، در میان فعالان صنعتی استان آذربایجان غربی گفته بود: سرمایه‌گذاری برای اتمام طرح‌های نیمه‌تمام از اهم برنامه‌های امسال وزارت صنعت، معدن و تجارت است. طرح‌های صنعتی، تولیدی با پیشرفت فیزیکی ۸۰ درصد در اولویت این طرح‌ها قرار دارند.

بر اساس گفته‌های او در این جمع، ۸۰ هزار واحد صنعتی در کشور دارای پروانه بهره‌برداری هستند که برآورد می‌شود

وجود طرح‌های نیمه‌تمام صنعتی و معدنی در کشور یکی از مشکلات مزمن مبتلابه صنعت و اقتصاد کشور است. در هر دولتی و در هر دوره‌ای معاونان وزارت صنعت روی این موضوع دست می‌گذارند و آمارهای نگران‌کننده‌ای از طرح‌های نیمه‌تمام اعلام می‌کنند. بلافاصله هم این جمله را چاشنی حرف‌هایشان می‌کنند که با اتمام رسیدن این طرح‌ها ده‌ها و صدها هزار شغل ایجاد می‌شود. اما در هر دوره انگار همین اعلام‌ها و گمانه‌زنی‌ها در دستور کار قرار دارد و مشکل طرح‌های نیمه‌تمام همچنان پابرجا باقی می‌ماند. این بار هم بر اساس همان رسم، معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت در یک نشست خبری روی این موضوع انگشت گذاشت و آمارهای تاسف‌بار ارائه کرد. بر اساس گفته‌های حسین ابویی مهریزی در حال حاضر ۲۹ هزار طرح نیمه‌تمام صنعتی و معدنی وجود دارد. وی سپس ابراز امیدواری کرد که اگر این طرح‌ها به بهره‌برداری برسند، یک میلیون و ۱۷۰ هزار شغل در کشور ایجاد می‌شود.

در پاسخ این پرسش که چرا این میزان طرح نیمه‌تمام در کشور روی دست دولت کنونی و سرمایه‌گذاران مانده است، اکثر ناظران به نبود منابع مالی یا حداقل کمبود آن ربط اشاره می‌کنند و از لزوم راه‌اندازی خطوط ویژه اعتباری سخن به میان می‌آورند، اما از آن طرف هم همه از اوضاع و احوال نه‌چندان مناسب منابع بانکی خبر دارند و می‌دانند که مهم‌ترین راه تامین مالی این طرح‌ها منابع بانکی است و منابع بانک‌ها هم در این سال‌ها به شدت تحلیل رفته است.

آرزوی ۳۲۰ هزار میلیارد تومانی

معاون وزیر صنعت در حالی بر وجود ۲۹ هزار طرح صنعتی و معدنی نیمه‌تمام تاکید کرده که برآوردش از سرمایه مورد نیاز برای راه افتادن چرخ این طرح‌ها را بالغ بر ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. این در حالی است که کل رقم بودجه سال ۹۳

دولت ۷۸۳ هزار میلیارد تومان است. درواقع رقم مورد اشاره معاون وزیر صنعت بیشتر از کل بودجه عمرانی سال جاری است و با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها می‌توانیم از این رقم به عنوان آرزویی دست‌ناپافتنی یاد کنیم. البته شاید هم منظور «ابویی» اختصاص این رقم‌ها نبوده و فقط خواسته است نمایی از اوضاع کنونی این طرح‌ها ارائه دهد. چراکه خود او در ادامه اضافه کرده است که «البته وزارت صنعت به ۱۵۰ طرح نیمه‌تمام با سرمایه‌گذاری ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی و اشتغال ۸۰ هزار نفری اولویت داده است.»

آمارهای قابل تامل

همان‌طور که در متن خبر هم اشاره شد، معاونت وزیرصنعت از وجود ۲۹ هزار طرح صحبت کرده است که به گفته او برای تکمیل آن‌ها و ایجاد یک میلیون و ۱۷۰ هزار شغل به ۳۲۰ هزار میلیارد تومان سرمایه نیاز است. اما در اولویت بندی با آمار عجیبی روبه‌رو می‌شویم. بر اساس گفته



با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت اسمی به تولید مشغول باشند و واحدهای صنعتی موجود کشور برای این که با ظرفیت مطلوب در تولید و عرضه کالا فعالیت کنند، به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارند. با این حساب آمار اعتبارات مورد درخواست و نیاز وزارت صنعت برای سامان دادن به تولید کشور به حدود ۴۷۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. تازه بدون این که طرح جدیدی راه‌اندازی شود.

تخصیص ۳۳۰ میلیارد ریالی!

آمار مورد اشاره معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت و ارزیابی او از اعتبارات مورد نیاز، با واقعیت‌ها و رقم‌های تخصیص یافته هم‌خوانی ندارد، چراکه چندی پیش مدیرکل دفتر امور طرح‌ها و تامین مالی معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تخصیص اعتبار «۳۳۰ میلیارد ریالی» از منابع طرح اعطای کمک‌های فنی و اعتباری به صنایع جهت تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام صنعتی و معدنی خبر داده بود. این

تولید واحدهای صنعتی و معدنی نیز از ۱۵۴۱۲۱ میلیارد ریال به ۱۳۵۰۰۸ میلیارد ریال رسیده و حدود ۱۲/۴ درصد کاهش یافته است.

با توجه به ارزیابی های فوق می توان نتیجه گرفت که شرایط اقتصادی در بخش صنعت و معدن در سال ۹۱ نسبت به سال های قبل مشکل تر شده که یکی از مهم ترین عوامل موثر در این رابطه افزایش بیش از ۹۵ درصدی نرخ ارز بازار آزاد در این سال بوده است. علاوه بر نرخ ارز، فاکتورهایی همچون هدفمندسازی یارانه ها و تداوم واوجگیری تحریم ها نیز بر تشدید مشکلات بخش صنعت و معدن اثرگذار بوده اند، اما شدت اثر این عوامل کمتر از افزایش شدید نرخ ارز بوده است.

اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها از اواخر سال ۱۳۸۹ آغاز شد و با نگاهی به داده های موجود در جداول ۱ و ۲ مشخص است که اثر این طرح بر تعداد جواز تاسیس و پروانه بهره برداری صادر شده و سرمایه گذاری های انجام شده در این خصوص در سال ۹۰ کمتر از سال ۹۱ بوده است. هم چنین سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن از کل تولیدات کشور در سال ۹۰ برابر با سال قبل بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هدفمندسازی یارانه ها تاثیر کمتری بر نامناسب بودن شرایط اقتصادی بخش صنعت و معدن داشته است. در واقع انتظار می رود با توجه به ثبات تقریبی بازار ارز آزاد در ماه های اخیر و کاهش نوسانات شدید نرخ ارز در این بازار، بخش صنعت و معدن کشور از ثبات بیشتری نسبت به سال ۹۱ برخوردار باشد و میزان سرمایه گذاری ها و در نتیجه اشتغال، تولید و ارزش افزوده در این بخش افزایش یابد.

جدول ۱- تعداد جواز تاسیس و پروانه بهره برداری صادر شده به همراه سرمایه گذاری انجام شده

سال	جواز تاسیس		پروانه بهره برداری	
	تعداد (فقره)	سرمایه گذاری (میلیارد ریال)	تعداد (فقره)	سرمایه گذاری (میلیارد ریال)
۱۳۸۸	۱۳۳۸۰	۸۳۶۴۲۳	۶۶۶۱	۲۰۷۴۰۳
	-۴۹	-۲۰۹	-۱۳۳	-۸,۵
۱۳۸۹	۱۵۸۱۳	۸۷۲۱۹۸	۶۸۷۸	۱۹۴۶۷۳
	۱۸,۲	۴,۳	۳,۳	-۶,۱
۱۳۹۰	۱۵۷۸۸	۸۰۱۱۶۰	۶۳۳۴	۱۵۶۸۱۶
	-۰,۲	-۸,۱	-۷,۹	-۱۹,۴
۱۳۹۱	۱۴۸۹۶	۵۶۹۲۱۲	۴۰۴۸	۸۸۶۳۷
	-۵,۶	-۲۹	-۳۶,۱	-۴۳,۵

منبع: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

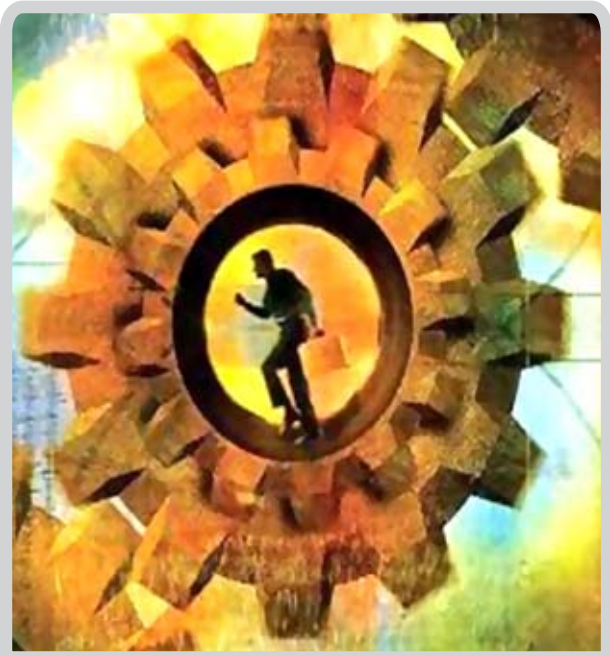
جدول ۲- ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصاد یمنبع: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

سال	ارزش افزوده (میلیارد ریال)					
	نفت	کشاورزی	صنعت و معدن	خدمات	بدون نفت	
					کل	صنعت کل
۱۳۸۸	۴۶۹۶۹	۶۵۱۳۲	۱۳۶۵۳۲	۲۷۰۴۳۱	۵۱۹۰۶۴	۴۷۲۰۹۵
	۵۷۸۷۲	۷۰۸۶۳	۱۴۹۱۸۸	۲۸۱۲۰۱	۵۴۹۱۲۴	۵۰۱۲۵۲
۱۳۸۹	۴۸۰۰۱	۷۴۲۶۵	۱۵۴۲۱۱	۲۸۸۰۲۱	۵۶۴۹۰۸	۵۱۶۶۰۷
۱۳۹۰	۳۱۹۶۲	۷۸۹۴۳	۱۳۵۰۰۸	۵۸۹۵۱	۸۳۲۸۶۴	۸۰۰۹۰۲

*عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

یکی از مهم ترین برنامه های کلان جمهوری اسلامی ایران که در قانون برنامه و نیز سند راهبردی صنعتی کشور مورد توجه ویژه ای واقع شده است، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و نیل به پیشرفت های فناورانه و صنعتی است. به گونه ای که در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور محورهایی همچون «جایگاه اول اقتصادی، علمی، صنعتی و فناوری در منطقه، ارتقای فناوری های جدید، جذب سرمایه گذاری های خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی و توسعه صنایع» از جمله مواردی است که به اهمیت جایگاه صنعت و معدن در اقتصاد کشور اشاره دارند. آنچه مهم است، این که در دستیابی به ارتقا و توسعه بخش صنعت و معدن، دولت نقش موثر و تعیین کننده ای در جهت دهی و سرعت بخشی توسعه اقتصادی و صنعتی کشور ایفا می کند. در این گزارش بر آنیم تا در راستای سنجش عملکرد نهاد دولت طی سالیان گذشته در این بخش به بررسی وضعیت برخی شاخص های مهم مرتبط با آن بپردازیم.

بررسی شاخص های بخش صنعت و معدن در سال ۹۱ بیان گر سخت تر شدن شرایط سرمایه گذاری و تولید در این بخش است، چراکه مطابق با داده های مربوط به تعداد پروانه های بهره برداری جدید صنعتی صادر شده و میزان سرمایه گذاری انجام شده در



این سال نسبت به سال قبل، مشاهده می شود تعداد پروانه های بهره برداری و حجم سرمایه گذاری های مربوط نسبت به سال قبل به ترتیب ۳۶/۱ و ۴۳/۵ درصد کاهش داشته اند. هم چنین اطلاعات مربوط به عملکرد جوازهای تاسیس صنعتی به عنوان شاخص چشم انداز سرمایه گذاری جدید در بخش صنعت و معدن حاکی از کاهش ۵/۶ و ۲۹ درصدی در تعداد و میزان سرمایه گذاری نسبت به سال قبل است.

در سال ۹۱ در نتیجه ۴۰۴۸ فقره پروانه بهره برداری و ۱۴۸۹۶ فقره جواز تاسیس صادر شده، به ترتیب به تعداد ۷۰/۱ و ۱۴/۹ هزار نفر فرصت شغلی ایجاد شده است که نسبت به عملکرد سال ۹۰ بالغ بر ۳۶/۹۰ و ۵/۶ درصد کاهش داشته اند. هم چنین در سال ۹۱، در بخش معدن تعداد ۷۸۸ فقره گواهی کشف با پیش بینی ذخیره ای به میزان ۱۴۷۶ میلیون تن مواد معدنی صادر شده که در مقایسه با سال قبل به ترتیب ۱۰/۷ و ۶۲/۱ درصد کاهش داشته اند.

نگاهی به میزان تسهیلات پرداختی توسط شبکه بانکی و موسسات اعتباری غیربانکی به بخش صنعت و معدن نشان می دهد که اگر چه ۳۱/۷ درصد از کل تسهیلات پرداختی کشور به این بخش اختصاص داشته و بانک صنعت و معدن به عنوان تنها بانک تخصصی در بخش صنعت و معدن، میزان تسهیلاتی بیش از ۸/۲ درصد سال قبل، معادل ۲۷/۷ هزار میلیارد ریال پرداخت کرده است، با این حال نه تنها سرمایه گذاری ها در بخش صنعت و معدن در سال ۹۱ کاهش یافته، بلکه میزان ارزش افزوده ایجاد شده در فرایند

تا میان آن‌ها یارانه نقدی توزیع کند، هیچ‌گاه عملی نشد و بر همین اساس دولت پس از گذشت یک سال تسلیم خواست تولیدکننده‌ها برای افزایش قیمت‌ها شد. تا آن زمان نهاددولت در راستای ادعای مثبت بودن صددرصدی طرح خود زیر بار این افزایش قیمت نمی‌رفت، ولی اوضاع نابه سامان صنعت کشور که تفاوت بسیاری با سال قبل از آن داشت، راهی جز پذیرش واقعیت‌های تازه نداشت. به هر حال فاز اول هدفمندی یارانه‌ها با انحراف از مصوبه قانونی مجلس اجرایی شد و به جز یک بند (پرداخت یارانه نقدی به مردم) مابقی بندهای قانون، از جمله حمایت از تولید، به فراموشی سپرده شد.

برداشت دوم:

سرانجام پس از سه سالی که از اجرای فاز نخست هدفمندی یارانه‌ها می‌گذشت، برگزاری انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری این امید را در دل تولیدکننده‌ها زنده کرد تا با تغییر سیاست‌ها و رویکردهای دولت وضعیت نابسامان آن‌ها هم تغییر کند. دولت جدید که زمام امور را به دست گرفت، به تدریج آمار از عملکرد و آثار فاز اول هدفمندی منتشر کرد که با گزارش‌های دولتمردان دهم تفاوت معناداری داشت. بر اساس گزارش‌های جدید تعداد بسیاری از واحدهای تولیدی ورشکسته شده و مابقی نیز با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

دولت دست به کار شد و برای آغاز کار برنامه ضربتی رونق تولید را در قالب ۳۵ مصوبه تدوین و اجرا کرد. این مصوبه که مهم‌ترین مشکلات بخش تولید را نشانه گرفته بود، پس از اجرا نتوانست بخشی از آن‌ها را حل کند، ولی همچنان در رفع بخش دیگری از آن‌ها موفق نبود.

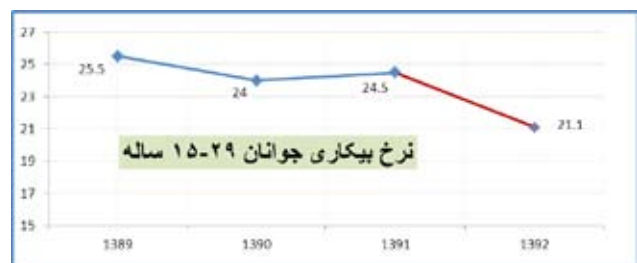
تصویب و اجرای این برنامه اهالی بخش تولید را امیدوار کرد، ولی برنامه دیگری در انتظار بخش صنعت و تولید بود که آن‌ها خاطر خوشی از آن نداشتند: افزایش دوباره قیمت حامل‌های انرژی. دولت قصد داشت تا با افزایش دوباره قیمت حامل‌های انرژی سهم بخش تولید را در حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان (البته با محاسبه سهم بخش حمل‌ونقل) پرداخت کند.

با وجود که برنامه اعلامی دولت بسیار دقیق و کامل به نظر می‌رسید، ولی با گذشت حدود سه ماه از اجرایی شدن فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، یک بار دیگر حمایت از بخش تولید با چالش مواجه شد. دولت انتظار داشت که مردم به خواست او برای انصراف داوطلبانه از دریافت یارانه نقدی لیبیک گویند، ولی با انتشار نتایج ثبت نام‌ها مشخص شد که بیش از ۹۰ درصد مردم همچنان بر دریافت یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی خود پای می‌فشرند. این اتفاق باعث شد تا برنامه دولت برای اجرای فاز دوم نیازمند بازبینی باشد، چراکه با وجود ۷۵ میلیون یارانه‌بگیری که هر ماه منتظر واریز پول نقد به حساب‌هایشان هستند، دیگر سهمی برای تولید و بهداشت و درمان باقی نمی‌ماند و همان سرشودت فاز اول تکرار می‌شد.

بر همین اساس معاون وزیر صنعت اعلام کرد که دولت به جای پرداخت یارانه نقدی به بخش تولید، اقدام به توزیع بسته‌های حمایتی می‌کند. عملکرد سه ماهه فاز دوم و اظهار نظر مسئولان دولتی نشان داد که یک بار دیگر تولیدکننده‌ها برای دریافت مستقیم حمایت‌های دولتی ناکام مانده‌اند. در این شرایط تنها یک راه باقی می‌ماند و آن حذف شجاعانه غیرنیازمندان از فهرست یارانه‌بگیران است. به عقیده بسیاری از صاحبان نظر در صورتی که دولت در حذف یارانه‌بگیران ثروتمند و تامین منابع مالی برای اجرای برنامه‌های حمایتی خود تعلل کند، ضمن این‌که ضربه دوباره‌ای به بیکر صنعت کشور وارد می‌شود، باید انتظار چشم قیمت‌ها را هم داشته باشد.

محمدرضا بهرامن، عضو خانه صنعت ایران و اتاق بازرگانی ایران، می‌گوید: «نگاه ما به تولید به جای طرح انتظارات از آن باید در جهت توسعه آن باشد، یکی از موارد مهم که در این زمینه از دولت و مسئولان انتظار داریم، اجرای صحیح قانون بهبود فضای کسب‌وکار در جهت شفافیت و توانمندسازی بخش خصوصی است. در اصل توجه به شفافیت در اقتصاد و بهبود قانون فضای کسب‌وکار به بخش خصوصی کشور کمک می‌کند تا خود را برای تصمیم‌گیری و چابک‌سازی آماده کند و توان خود را بالا ببرد. علاوه بر آن توجه ویژه به مبانی استراتژی توسعه صنعتی کشور موضع دیگری است که بخش صنعتی و تولیدی کشور انتظار دارد تا دولت نگاه ویژه به آن داشته باشد و با همکاری کارشناسان و نهادهای متخصص یک قانون مناسب و دقیق در این خصوص تصویب شود. مورد دیگری که بخش تولیدی از دولت انتظار دارد، نگاه ویژه به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ است. بر این اساس انتظار داریم دولت با اجرای صحیح این اصل نفع بخش خصوصی واقعی را در نظر بگیرد و با واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی این امکان را ایجاد کند که دارای یک اقتصاد رقابت‌پذیر باشیم.»

صنعت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در هر کشوری بهترین سکو برای ایجاد اشتغال و رفح نامالیامات اقتصادی محسوب می‌شوند، اما به نظر می‌رسد در ایران هیچ‌گاه صنعت نتوانسته است این رسالت تاریخی خود را انجام دهد. گروهی از کارشناسان بر این باورند که دلیل اصلی این ماجرا ضعف اندیشه صنعتی در همیشه تاریخ اقتصادی کشور بوده است. هرچند به نظر می‌رسد این ادعا در همه ادوار مصداق داشته باشد به طور مثال حداقل در چند دهه گذشته همه دست‌اندرکاران اقتصادی کشور، اعم از خصوصی و دولتی باصدا بلنددرخواست داشته اند که باید صنعت ملاک تحول اقتصادی باشد تا از این طریق بازار سرمایه نیز شکلی مدرن و مولد بگیرد. با وجود این هنوز صنعت در ایران دوران حاشیه‌نشینی را تجربه می‌کند. عبور از روز صنعت بهانه خوبی است که یک بار دیگر ماجرای صنعت در اقتصاد ایران مورد واکاوی قرار بگیرد. در همین ۸ - ۹ سال گذشته مدیران دولتی بر این باور بودند که به بهترین نحو صنعت را مورد حمایت قرار داده‌اند، ولی در مقابل فعالان صنعتی می‌گویند که درست در همین سال‌ها بدترین روزهای خود را تجربه کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که دولتی‌ها حتی سهم آن‌ها را از هدفمندی یارانه‌ها پرداخت نکرده‌اند. به نظر می‌رسد شاخص‌های کلان اقتصادی به خوبی نشان می‌دهد که صنعت در سال‌های گذشته چه فرایندی را تجربه کرده است. تجربه اقتصادی دنیای امروز نشان می‌دهد که درصد بیکاری یکی از مولفه‌های اصلی برای نشان دادن موقعیت صنعت است. بر اساس نمودار زیر بیکاری درست در سال‌هایی که مسئولان دولتی مدعی پرداختن به صنعت بوده‌اند، در شرایط نامطلوبی قرار داشته است.



این نمودار آمار معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری را نشان می‌دهد. بر اساس این برآورد در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ با وجود اوج درآمدهای نفتی و ادعای مسئولان برای رسیدگی به صنعت، نرخ بیکاری جوانان کمتر از ۲۱ درصد نبوده است. در این سال‌ها یارانه‌ها به عموم مردم نیز پرداخت می‌شد و قرار بود صنایع برای رونق سهمی در این یارانه‌ها داشته باشند. اما چه اتفاقی افتاد؟

برداشت اول:

هر چند صنعت‌گران و تولیدکنندگان با برنامه‌های گوناگون دولتی آشنا بودند، ولی در ۲۸ آذر سال ۱۳۸۹، طرحی متفاوت در کشور اجرا شد که به طور کلی بنیان‌های بخش تولید را تحت تاثیر خود قرار داد. در آن مقطع رییس دولت وقت، با حضور در رسانه ملی فرمان اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها را صادر کرد و همزمان قیمت حامل‌های انرژی به طور میانگین ۳۰۰ درصد افزایش یافت. با وجود این که افزایش قیمت‌ها جهشی بی‌سابقه داشت و بر واحدهای تولیدی انرژی‌بر تاثیر مستقیمی می‌گذاشت، اما خیال صاحبان صنایع تا حدودی راحت بود. آن‌ها به قول‌های دولتمردان چشم دوخته بودند؛ قول‌هایی که نوید پرداخت یارانه تولید و مابه‌التفاوت قیمت‌ها را به آن‌ها می‌داد. ولی با گذشت چند ماه از هدفمندی یارانه‌ها، دولت تمام درآمدهای خود را که از افزایش قیمت‌ها به دست آورده بود، صرف پرداخت یارانه نقدی به مردم کرد و با افزوده شدن تعداد یارانه‌بگیران، دولت بدهکار هم شد و برای رفع آن به سراغ بودجه عمرانی خود رفت؛ حرکتی که دومین ضربه را به پیمان‌کاران و صنعت‌گران وارد کرد، چراکه طرح‌های عمرانی نیز یکی پس از دیگری به خواب فرورفتند و به فهرست بلندبالای طرح‌های نیمه‌تمام اضافه شدند.

هر ماه که می‌گذشت، فشار هزینه‌ها به تولیدکنندگان بیشتر می‌شد، اما آن‌ها برای جبران هزینه‌های افزایش‌یافته خود نه اجازه افزایش قیمت داشتند و نه دستشان به یارانه‌هایی می‌رسید که دولت تبلیغ زیادی برای آن کرده بود. با ورود به دومین سال اجرای هدفمندی یارانه‌ها بسیاری از تولیدکنندگان خرد و ضعیف زیر بار تحمیل هزینه‌های تازه و غیرقابل جبران کمر خم کردند و مابقی هم لنگ‌لنگان ادامه می‌دادند. فهرستی هم که دولت از ۳۴۰۰ واحد تولیدی تشکیل داده بود

توسعه صنعتی، رونق بورس

فارغ از همه این بحث‌ها به نظر می‌رسد که صنعت در ایران بیش از هر بخش دیگری تاوان توزیع پول در میان مردم و حرکت سرمایه‌های کشور در بخش‌های غیرمولد را پس داده است. بر همین اساس به نظر می‌رسد در شرایط فعلی هم هیچ چاره‌ای باقی نمانده است که یک بار برای همیشه سرمایه‌های ملی به بخش‌های مولد هدایت شود. در این صورت، بازار سرمایه به‌وضوح واکنش مثبت به این روند نشان می‌دهد و به میدانی تبدیل می‌شود که می‌تواند محل جذب سرمایه‌های اقتصادی همه شهروندان باشد. گردش منابع مالی در مکانیزم بورس واقعی‌ترین راه برای ارتقای شرکت‌های مولد و حرکت جهشی توسعه ملی بر مبنای صنعتی است. این چیزی است که دنیای توسعه‌یافته نیز آن را تجربه کرده است. در چند سال گذشته به دلیل تعطیل شدن صنعت کشور و حاشیه‌سازی در کنار بازار سرمایه، شهروندان زیادی در حول و حوش بازار سکه، ارز و مسکن آسیب دیدند. برای لحظه‌ای در نظر بگیرید، اگر این سرمایه‌ها در اقتصادی سالم نفس می‌کشید و به بورس می‌آمد، چه امکانی برای بنگاه‌های مولد و شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای به حرکت درآوردن چرخ توسعه صنعتی کشور، فراهم می‌شد؟

گزارش از اشتیاق کشورهای توسعه یافته برای حضور در اقتصاد ایران توسعه را از امروز جدی بگیریم

تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در آن «سالانه تا ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو می‌فروختند».

تلویزیون فرانسه هم‌چنین در این گزارش افزود توافق نهایی بین ایران و قدرت‌های جهانی منجر به برداشته شدن تحریم‌ها علیه ایران خواهد شد و متعاقباً «درها را برای ورود شرکت‌های غربی به بازار پرسود ایران باز خواهد کرد».

این گزارش می‌افزاید شرکت‌های فرانسوی در این زمینه در حال رقابت با شرکت‌های بزرگ آمریکایی نظیر بویینگ، کرایسلر و جنرال موتورز هستند.

ماه گذشته، جرومه استول، مدیر اجرایی شرکت رنو، اعلام کرد که این شرکت مایل به از سرگیری همکاری خود با شرکت‌های ایران خودرو و پارس خودرو در زمینه مونتاژ خودرو است.

از سوی دیگر با وجود حضور پرفرازونشیب بنز در ایران، به نظر می‌رسد که مسئولان این شرکت نیز علاقه‌مند به بازگشت مجدد به بازار ایران هستند. شنیده شده که دو طرف ایرانی و آلمانی مذاکراتی نیز در این زمینه داشته‌اند. ظاهراً برای آغاز مجدد همکاری قطعات تعدادی از کشنده‌های آکسور بنز که در گذشته نیز در ایران خودرو دیزل تولید می‌شد، خریداری و در راه ورود به ایران است. علاوه بر آن مقدمات خرید مستقیم و واردات ۱۰۰ دستگاه از خودروهای سواری این شرکت نیز صورت گرفته است.

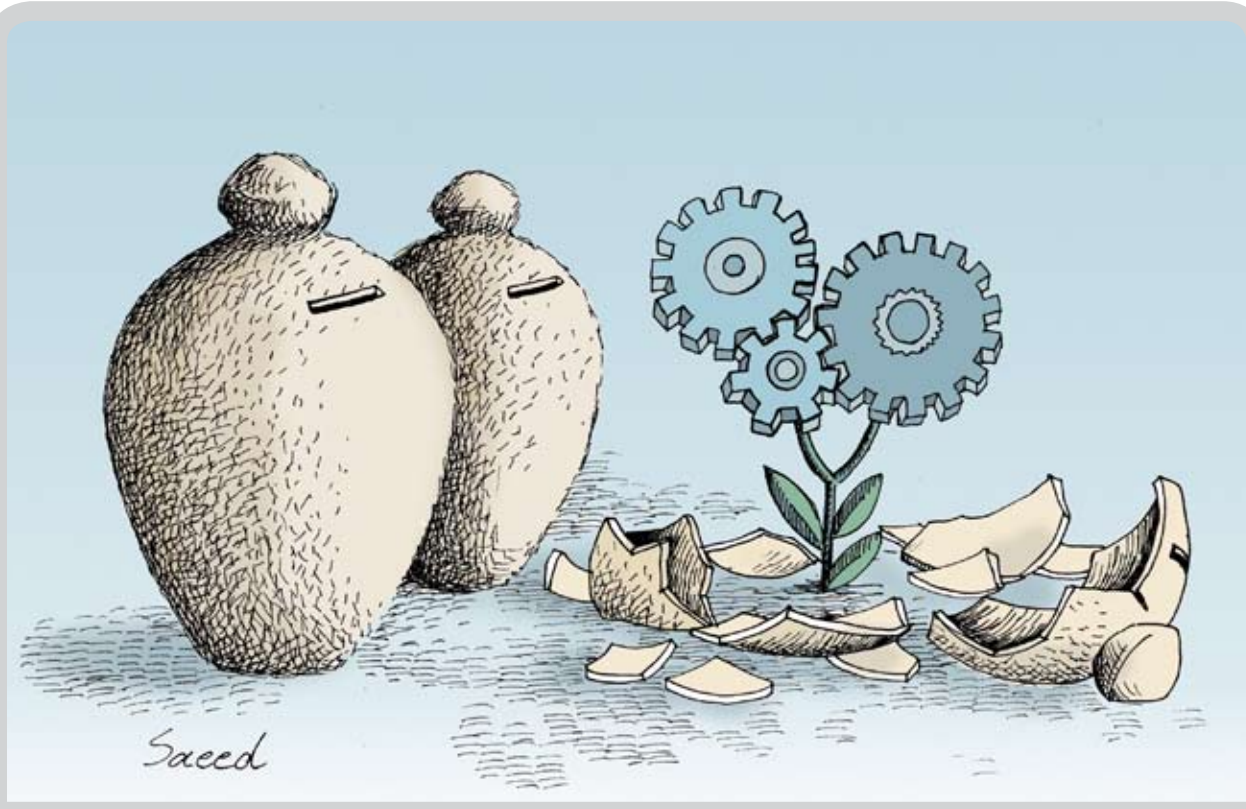
شافعی در مورد اوضاع این روزهای ایران به وال استریت ژورنال می‌گوید: «شرایط جدیدی را در داخل داریم و نگاه خارجی نیز تغییر کرده است. الان مزیت خوبی در اقتصادمان داریم».

غول‌های بازار انرژی نظیر «توتال» و «رویال داچ شل»، هم‌چنین خودروسازانی مانند «پژو و سیتروئن» و بنگاه‌های مالی بزرگی مثل «دویچه بانک» و «نسانس کپیتال» روسیه از جمله شرکت‌هایی هستند که به نوشته وال استریت ژورنال، در جلسات معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، شرکت کرده‌اند.

به خاطر این تصویر تازه از اقتصاد ایران خودروسازان جهانی شاید با تب بیشتری بازار ایران را رصد می‌کنند. در حالی که ایران و شش قدرت جهانی دور نهایی مذاکرات برای دستیابی به توافق جامع تا قبل از انتهای فرصت شش ماهه را آغاز کرده‌اند، شرکت‌های خودروساز فرانسوی تلاش‌های جدیدی را برای از سرگیری فعالیت‌هایشان در ایران شروع کرده‌اند. فرانس ۲۴ به‌تازگی در گزارشی اعلام کرد: «تلاش‌ها مدتی است در جریان است تا به کارآفرینان فرانسوی کمک شود زمینه را برای از سرگیری تجارت با ایران فراهم کنند». بر اساس این گزارش، شرکت‌های مهم خودروسازی یعنی پژو و رنو مشتاق به دست آوردن دوباره بازار خود در ایران هستند؛ جایی که آن‌ها تا قبل از

ایلیا پیرولی

خیلی چیزها در اقتصاد ایران در حال پوست انداختن است. این را انگاری توسعه یافته‌ها جلوتر از بسیاری از فعالان اقتصادی و سیاسی ایران دریافته‌اند. برای باور این موضوع فقط کافی است به رویکرد «وال استریت ژورنال» توجه کنید. این روزنامه در گزارشی با اشاره به نزدیک بودن ضرب‌الاجل مذاکرات هسته‌ای، از برنامه‌ریزی شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران در صورت لغو تحریم‌ها خبر داده و نوشته است: «یک سال پیش، شاید اتاق بازرگانی ایران در ماه میزبان حتی یک هیئت تجاری هم نبود، آن هم به واسطه هراس (شرکت‌ها) از نقض تحریم‌های اقتصادی. اما این روزها، شافعی (رئیس اتاق بازرگانی) تقریباً هر روز پذیرای هیئت‌های تجاری از کشورهای مختلف خاورمیانه، آسیا و آمریکای لاتین است و به پایتخت‌های اروپایی هم سفر می‌کند».



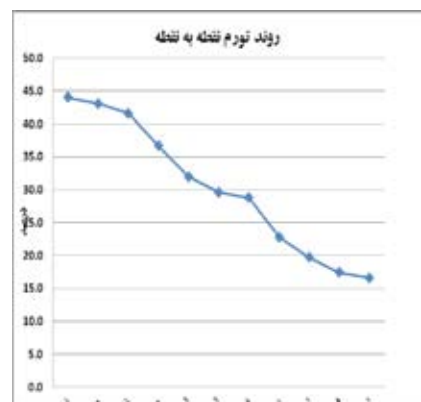
در این شرایط تحلیل گران می‌گویند نشستن آلمانی‌ها پای میز مذاکره در حوزه صنعت خودرو نشان‌دهنده اشتیاق آن‌ها به بازار ایران است.

والاستریت ژورنال در گزارش خود می‌نویسد: «آن‌ها جذب بازاری شده‌اند که با داشتن حدود ۸۰ میلیون جمعیت که اغلب آن‌ها زیر ۳۰ سال، تحصیل کرده و مطلع نسبت به فناوری‌های روز هستند، می‌تواند بزرگ‌ترین بازار خاورمیانه باشد. همین‌طور پتانسیل‌های بخش انرژی ایران دیگر عامل جذب این شرکت‌هاست. این کشور چهارمین منابع بزرگ تاییدشده نفتی و دومین ذخایر تاییدشده گازی را در اختیار دارد.»

بنا بر این گزارش، در حالی که مذاکرات هسته‌ای به روزهای پایانی ضرب‌الاجل شش ماهه خود نزدیک می‌شود، «شرکت‌های بین‌المللی در حال جمع‌آوری اطلاعات، ملاقات با شرکای ایرانی احتمالی و یافتن جایگاه» برای زمانی هستند که تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، پایان یابد. به نظر می‌رسد جهان خود را آماده کرده است تا یک بار دیگر زیر سایه پتانسیل‌های طبیعی و غیرطبیعی ایران قرار بگیرد. اما چرا این اتفاق رخ داده است؟ به نظر می‌رسد از دو منظر داخلی و منطقه‌ای می‌توان دلیل رویکرد تازه به ایران را ارزیابی کرد.

ارزیابی فعل و انفعالات داخلی اقتصاد ایران

خارجی‌ها به بازار ایران چشم دوخته‌اند، چون در این اقتصاد همه چیز برای لغو تحریم‌ها آماده است. امیدی که در لابه‌لای اقتصاد ایران دمیدن گرفته است، مثل فرش قرمز می‌ماند که برای توسعه پهن کرده‌اند. حسن روحانی، رییس‌جمهور به‌تازگی با اطمینان خاصی گفت که هیچ بندزنی نمی‌تواند چینی ترک‌خورده تحریم را بند بزند. این البته تنها یک سوی ماجراست. ترمیم شاخص‌های اقتصاد ویران‌شده ایران (در هشت سال گذشته) در تشویق سرمایه‌گذاران ایرانی برای حضور در ایران نقش اصلی را ایفا می‌کند. این مسئله نشان داده است که در اقتصاد ایران همه چیز در حال تغییر است. نرخ تورم نقطه‌ای (نرخ تورم نشانه‌ای برای بیماری یک اقتصاد محسوب می‌شود) در شهریورماه سال ۱۳۹۲ و در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، ۴۳ درصد بوده است. با روی کار آمدن دولت یازدهم نرخ تورم نقطه‌ای سالانه به مرور کاهش یافت، به گونه‌ای که در آذرماه و اسفندماه سال ۱۳۹۲ نرخ تورم نقطه‌ای سالانه به ترتیب به ۲۹.۵ و ۱۹.۶ درصد رسید. نرخ تورم نقطه‌ای سالانه در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ تا ۱۶.۶ درصد کاهش یافته است.



اصلاح تورم بدون تعارف اصلاح امید به زنده شدن اقتصاد در میان مردم است. البته حتما بخش‌های اصلی اقتصاد توانسته‌اند با نیرویی تازه به فعالیت خود ادامه دهند که تورم نیز به عقب بازگشته است. دیدن این تصویر برای سرمایه‌گذاران جهانی یک تشویق محسوب می‌شود تا راه خود را به اقتصاد صاحب پتانسیل ایران باز کنند.

نفت هم پر کشید

درواقع در نزدیک به ۱۱ ماه گذشته که دولت یازدهم کار خود را آغاز کرده است، علاوه بر وضعیت کلی اقتصاد، صنعت نفت ایران (به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور) نیز روزگار تازه‌ای را آغاز کرده است. تا پیش از این کارشناسان اقتصاد جهانی، صنعت نفت ایران را به دلیل افت شدیدی که داشت، نمای واقعی و بیرونی اقتصاد ایران معرفی می‌کردند که موجب بی‌اطمینانی به اقتصاد کشور می‌شد. به دلیل سیاست‌های دولت دهم میزان تولید نفت ایران از روزی ۲.۵ میلیون بشکه به روزی ۸۰۰ هزار بشکه کاهش یافته بود، اما حالا به خاطر تغییراتی که در صنعت نفت به وجود آمده و بازگشت به مدار سابق تولید، شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای نیز تغییرات ملموسی یافته است، به طوری که ریسک تداوم تحریم نفتی ایران برای غرب به شدت بالا رفته است.

قرار گرفتن دوباره صنعت نفت ایران روی ریل توسعه و افزایش چشم‌گیر تولید و صادرات نفت خام باعث شده است تا جایگاهی را که ایران در طول سال‌های گذشته از دست داده بود، دوباره پس بگیرد. بر همین اساس بیژن زنگنه، وزیر نفت، هنگامی که برای دومین بار در دولت یازدهم برای شرکت در اجلاس اوپک به وین سفر کرد، به صراحت این پیام را به اعضای این سازمان نفتی داد که برای نفت ایران جایز کشید. تا پیش از این افت تولید و در نتیجه صادرات نفت جایگاه ایران را هم در سازمان اوپک و هم در بازار جهانی انرژی تنزل داده بود و سایر اعضای اوپک مانند عربستان و کویت با افزایش تولید، جای خالی نفت ایران را پر کرده بودند. اما اکنون با افزایش تولید نفت ایران که به گفته منصور معظمی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت، از ابتدای دولت یازدهم ۷۰ درصد بیشتر شده است، جایگاه از دست‌رفته ایران در اوپک و بازار جهانی دوباره احیا می‌شود. به گفته وزیر نفت ظرفیت تولید نفت ایران تا سال ۱۳۹۷ به پنج میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد که علاوه بر جبران کاستی‌های گذشته بخشی از برنامه‌های توسعه‌ای ایران را نیز پوشش می‌دهد. بر این اساس ایرانی که همانند گذشته با تولیدی در خور توجه جایگاه ویژه‌ای در بازار نفت جهان داشته باشد، دیگر به راحتی قابل حذف شدن از معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی نیست. این مسئله را میزان شکل‌گیری شبکه‌های سرمایه‌گذاری که از نیمه دوم سال ۹۲ شکل گرفت نیز تایید می‌کند. با روی کار آمدن دولت یازدهم میزان تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران تغییر مسیر داده است و کارشناسان امید دارند با پی‌گیری این روند، سرمایه‌گذاری در سال جاری و آتی افزایش یابد و شاهد رشد اقتصادی مثبت یک تا دو درصد باشیم. مطابق آمارهای منتشرشده نرخ رشد اقتصادی منفی ۵.۸ درصد سال ۱۳۹۱ در شش ماهه اول سال ۱۳۹۲ به نصف کاهش یافته است. هم‌چنین نرخ رشد منفی سرمایه‌گذاری ۲۱.۹ درصدی سال ۱۳۹۱ به محض آغاز به کار دولت یازدهم تا یک‌سوم بهبود یافته است. (نمودارهای زیر)



به خاطر این تغییر و تحول مرکز آمار، نتایج ذیل را در حوزه بازار کار (در مقایسه سال‌های ۱۳۹۲ با سال ۱۳۹۱) ارائه داده است. نرخ مشارکت از ۳۷.۴ به ۳۷.۶ در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته که نشان‌دهنده اقبال بیشتر مردم برای حضور در بازار کار است. عداد شاغلان از ۲۰۶۲۸ هزار نفر به ۲۱۳۴۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته و تعداد بی‌کاران نیز از ۲۸۴۸ هزار نفر به ۲۴۸۸ هزار نفر کاهش و به این ترتیب خالص اشتغال جدید در سال ۱۳۹۲ به ۷۱۸ هزار نفر رسیده است.

با توجه به وضعیت جمعیت فعال و اشتغال ایجادشده نرخ بی‌کاری از ۱۲.۱ به ۱۰.۴ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته و نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال نیز از ۲۴.۵ درصد به ۲۱.۱ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است.

با این روند اقتصادی در داخل مرزهای کشور و کنترل نیروی انسانی برای فعالیت در مسیر توسعه به نظر می‌رسد خیلی هم دور از ذهن نیست که سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به اقتصاد ایران دست به کار شده‌اند. باید باور کنیم که اقتصاد ثابته‌شمار تحول خود را آغاز کرده است و به زودی نمایه‌های این تحول نیز در بازار سرمایه خود را نشان می‌دهد.

ارزیابی فعل و انفعالات منطقه‌ای اقتصاد ایران

درکنار ارتقای تولید و صادرات نفت ایران و اجرای برنامه‌های بلندمدت در صنعت نفت و هم‌چنین شکست تورم و رشد اشتغال و سرمایه‌گذاری، شرایط منطقه‌ای نیز به کمک ایران آمده است. حمله گروه تروریستی داعش به شهرهای عراق و تصرف موصل به عنوان دومین شهر بزرگ این کشور، امنیت عرضه نفت این عضو اوپک را به خطر انداخت. در ادامه با گسترش درگیری‌ها و پیش‌روی این گروه به سمت جنوب عراق که عمده مبادین نفتی این کشور در آن قرار دارد، جامعه مصرف‌کنندگان انرژی را نگران کرد. بر همین اساس با تشدید درگیری‌ها در نزدیکی بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق و روند کند صادرات نفت از مناطق جنوبی این کشور، تولید نفت اوپک در ماه ژوئن نسبت به ماه قبل از آن کاهش داشت.

این اتفاق علاوه بر این که باعث شد قیمت جهانی نفت با نوسانات شدیدی روبه‌رو شود، این سوال را مطرح کرد که در آینده امنیت عرضه نفت در این کشور نفت‌خیز چگونه خواهد شد. بر همین اساس بسیاری از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های غربی با طرح این سوال تداوم تحریم نفتی ایران را تصمیمی فاجعه‌آمیز خواندند. به اعتقاد کارشناسان بین‌المللی در شرایط فعلی که عرضه نفت در یکی از کشورهای نفت‌خیز منطقه با بحران مواجه شده است، تحریم نفت ایران امنیت عرضه انرژی را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند. این در حالی است که سایر کشورهای نفتی منطقه از جمله عربستان نیز به دلیل تولید نفت با حداکثر ظرفیت دیگر توان تولید بیشتری ندارند و به این ترتیب نمی‌توان روی کمک آن‌ها حساب کرد. در حال حاضر عراق روزانه سه میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام تولید و از این میان دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه را از پایانه‌های صادراتی جنوب این کشور صادر می‌کند که در صورت توقف آن بیش از سه درصد از عرضه جهانی نفت با مشکل مواجه خواهد شد. به پیش‌بینی بانک فرانسوی «سوسیت جنرال»، بحران‌های اخیر عراق می‌تواند سبب افزایش بهای نفت برنت تا رقم ۱۵۰ دلار برای هر بشکه شود. این بانک در گزارش ماه مه سال جاری خود، پیش‌بینی کرد که در صورت ادامه درگیری‌ها در عراق، به ویژه درگیری‌های پیش‌آمده در جنوب این کشور، امکان رسیدن بهای نفت برنت به ۱۵۰ دلار برای هر بشکه وجود دارد.

ارزیابی فعل و انفعالات بین‌المللی برای اقتصاد ایران

در کنار بحران عراق در سایر مناطق دنیا همه چیز دست به دست هم داده است تا مصرف‌کنندگان انرژی بیش از پیش نگران شوند. بر همین اساس است که تحلیل‌گران انرژی اعتقاد دارند که جهان تحمل یک چالش نفتی دیگر را ندارد. مقام‌های صنعت نفت و تحلیل‌گران بر این باورند که در صورت بروز مشکل دیگری در تامین نفت مانند اختلال در تولید نفت جنوب عراق، ظرفیت مازاد تولید نفت دنیا نمی‌تواند افت تولید را جبران کند، از این رو دولت‌ها مجبور به استفاده از ذخایر راهبردی خود می‌شوند.

درگیری‌های عراق به دنبال از دست رفتن نزدیک به کل تولید نفت لیبی رخ داد، این در حالی بود که تحریم‌های ایران و ناآرامی‌های سوریه و شمال عراق سبب کم شدن عرضه نفت در بازارهای جهانی شده بود.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در ماه ژوئن، ظرفیت مازاد تولید جهانی نفت حدود سه میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز است و چنانچه قرار باشد یک بحران دیگر اتفاق بیفتد، کمبود حاصل از این اختلال به وسیله ذخایر راهبردی و نه ظرفیت مازاد جبران می‌شود. ذخایر راهبردی نفت جهان آخرین بار در زمان مناقشه لیبی در سال ۲۰۱۱ میلادی استفاده شد.

در همین زمینه برخی از مقامات سعودی اعلام کرده‌اند که عربستان در صورت درخواست مشتریانش، توانایی تولید روزانه ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت را دارد، ولی این در حالی است که برخی پایداری تولید ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز را زیر سوال برده‌اند، چراکه عربستان تا کنون این مقدار نفت تولید نکرده است و بالاترین تولید نفت این کشور به سال ۲۰۱۳ برمی‌گردد که به ۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه رسید.

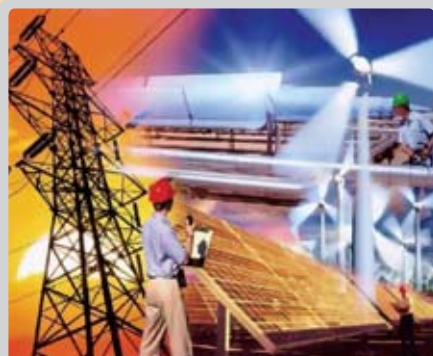
در حالی که آژانس بین‌المللی انرژی بر افزایش نیاز به نفت اوپک در ماه‌های باقی‌مانده سال جاری میلادی تاکید کرده است، تولید این سازمان در ماه ژوئن به دلیل بحران عراق با کاهش روبه‌رو شده است. در حالی که تولید اوپک در ماه مه ۳۰ میلیون بشکه در روز بوده است، این رقم در ماه ژوئن به ۲۹،۹۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

هم‌چنین تولید برخی دیگر از تولیدکنندگان نفت در سایر قاره‌ها نیز با کاهش همراه بوده است. در این زمینه از زمان آغاز جنگ در سودان جنوبی از ماه دسامبر گذشته، تولید نفت این کشور حدود یک‌سوم کاهش یافته است. این در حالی است که بسیاری از چاه‌های نفتی سودان آسیب دیده و بعضی دیگر به دلیل نبود قطعات یدکی مربوط به این چاه‌ها با کاهش تولید روبه‌رو شده‌اند.

بحران پیش‌آمده میان روسیه و غرب نیز باعث شده است تحریم نفتی این کشور از سوی مقامات کشورهای غربی مورد بررسی قرارگیرد که همین موضوع ضربه دیگری به امنیت عرضه انرژی وارد کرده است و در صورتی که تحریم اتفاق بیفتد، صدمات آن به مراتب بیشتر خواهد شد. بنابراین باید گفت شرایط بازار جهانی نفت و بحران‌های بالقوه و بالفعلی که در آن وجود دارد، به طور قطع نگاه غرب را به تحریم نفتی ایران تغییر خواهد داد، چراکه در صورت خروج یا کاهش نفت ایران از بازار، جبران آن به راحتی امکان‌پذیر نیست و هزینه‌های هنگفتی برای مصرف‌کنندگان به همراه خواهد داشت.

این تصاویر نشان می‌دهد که باز شدن شیر منابع نفتی به سمت اقتصاد ایران نیز با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. البته در چند سال گذشته درآمدهای نفتی به دلیل آن که صرف فعالیت‌های غیرمولد می‌شده، به سرطانی برای اقتصاد ایران تبدیل شدند، اما حالا همه چیز تغییر کرده است. در شرایط فعلی عزم دولت بر اساس اطلاعات موجود پرداختن به فعالیت‌های مولد است. این نکته را می‌توان از اشتیاق توسعه‌یافته‌ها برای حضور در ایران متوجه شد. فردا روز دیگری برای اقتصاد ایران است. این دقیقا شعاری است که در آن سوی مرزها برای اقتصاد ایران شکل گرفته است.

فقط تولید نجات می‌دهد



کار اقتصاد ما تا همین چند وقت پیش به جایی رسیده بود که فقط می‌شد در مورد آن سخنان تلخ و ناخوشایند شنید و بدون شک دلیل همه این تلخی‌ها و نامطلوبی‌ها فقدان تولید و فقدان فضایی مناسب برای صنعت بود. در حال حاضر نیز اگر تولید جدی گرفته نشود، باز هم باید در انتظار همان فضای تلخ باشیم. واقعیت این است که مولف‌های منفی اقتصادی در دنیای امروز همه حل‌شدنی هستند، منتها برای حل آن‌ها باید با رویکردها و راهبردهای علمی آشتی کرد. این روزها همه از بی‌کاری و تورم می‌نالند و معتقدند هم‌چنان بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشور هستند. حتی مسئولان دولتی که می‌گویند اقتصاد

ما به نقطه امید بازگشته است، وجود بی‌کاری را انکار نمی‌کنند. هیچ‌کس در واقع نمی‌گوید که کارگران درگیر زندگی نمی‌کنند. به عبارتی همه می‌دانند که کارگران و حتی کارفرمایان صنعتی شرایط سختی را مرمزه می‌کنند که از گذشته به ارث رسیده است. ولی آیا برای رفع این معضلات به رویکردهای علمی به طور جدی رجوع خواهیم کرد؟ همه دنیا برای بهتر کردن اوضاع معیشتی مردم و کارگران و برطرف کردن مانع بی‌کاری به سمت تولید می‌روند و این درد را با تولید درمان می‌کنند. ولی در اقتصاد ما به سمت کوپنی‌سازی و تزریق منابع بدون کارآمدی در میان طیف‌های مختلف مردم حرکت شده است. بدون شک راه‌حل مشکلات معیشتی کارگران و معضلات سرمایه‌گذاری صاحبان صنعت، نه طرح‌های کوپنی گذشته، بلکه افزایش تولیدات داخلی است. باید به تولید بازگردیم که در حال حاضر می‌تواند بیشترین کمک را به اقتصاد کشور برساند. بدون تولید رفع آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر حالت طنز پیدا می‌کند.

البته معمولا دولت‌ها در شرایط نامناسب اقتصادی سعی می‌کنند با تقویت حمایت‌های اجتماعی مانند افزایش دامنه حمایتی بیمه‌ها از آسیب دیدن اقشار ضعیف جامعه جلوگیری کنند. اما در شرایط فعلی اقتصاد و به دلیل سیاست‌گذاری‌های گذشته انگاری حمایت‌های اجتماعی هم غیرممکن شده است. چنین طرح‌هایی در همین چند سال گذشته که بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، جواب می‌داد، اما هم‌اکنون با توجه به تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و به تبع آن، پایین آمدن درآمدهای نفتی و از همه مهم‌تر ضعف بنیة تولید امکان اجرای آن وجود ندارد. ما به جای باز کردن این گره‌ها و به جای این‌که تولید را سروسامان بدهیم، نوعی از اقتصاد توزیع رانت را در چند سال گذشته در بوق کردیم و منابع کشور را به جای سرازیر کردن در جیب تولید، به جیب مردم فرستادیم. باز هم تاکید می‌کنم، این منابع در حجمی راهی جیب مردم شد که به دلیل افزایش شدید قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید، دردی از معیشت آن‌ها دوا نکرد.

ما در هفت سال بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم. اگر با استفاده از این درآمد، سرمایه‌گذاری‌های ملی انجام می‌شد، در حال حاضر نه تنها در بحران نبودیم، بلکه غرب حتی به فکر تحریم‌های ناعادلانه علیه کشورمان نمی‌افتاد. اگر این پول نفتی راهی تولید می‌شد، امروز بدون شک نه تنها صنعت در گیره نبود، بلکه برخی گروه‌های مردم نیز روزگار سخت معیشت را پشت سر نمی‌گذاشتند. باید بدون پرده سخن گفت تا راهی برای عبور از حلقه‌های بسته اقتصادی پیدا شود. تورم به دلیل عدم استفاده مناسب از درآمدهای نفتی و هم‌چنین عدم رویکردهای تولیدی در برنامه‌های اقتصادی بالای جان اقتصاد ما شده است. تورم باعث می‌شود که فقرا باز هم به سمت فقر بیشتر حرکت کنند و ثروتمندان، یا همان صاحبان دارایی‌ها، در توزیع مجدد درآمد، ثروت بیشتر به دست آورند. در این اتفاق حتما کار به جایی می‌رسد که گروهی از مردم حتی در دست آوردن نیاز اساسی خود با ناهمواری‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند. بی‌کاری را نیز البته باید در راستای همین تورم ارزیابی و مورد کنکاش قرار داد. وقتی هم که بی‌کاری روی دست اقتصاد می‌ماند، باید گفت که این پدیده در کنار تورم بزرگ‌ترین معضلات اقتصادی را تحمیل می‌کنند. بدون تعارف زیر بنای این تورم و بی‌کاری، گسیختگی تولید قرار دارد. واردات بسیاری از اقلام در سال‌های گذشته که تولید آن‌ها در کشور به سهولت امکان‌پذیر است، ضربه بزرگی به اقتصاد وارد کرد و آشفته‌گی در بخش مولد جامعه را کلید زده است. وقتی هم که اقتصاد مولد در جامعه به بایگانی می‌رود باید در انتظار هر پدیده ناخوشایندی بود. به عبارتی شکل‌گیری تورم و بی‌کاری و بسیاری دیگر از ناهمواری‌های اقتصادی ریشه در همین تعطیلی تولید و گسترش واردات مصرفی دارد که در بهترین سال‌های درآمد نفتی نیز شکل گرفته‌اند. سال‌ها تن به واردات بی‌رویه دادیم. از دسته‌بیل تا لوکس‌ترین کالاها توانست از خارج به اقتصاد ایران وارد شود. آن وقت می‌گویم چرا باید کارگران و اهالی صنعت از رنج و درد سخن بگویند. بدون شک در شرایطی که این همه واردات بی‌رویه به یک اقتصاد حمله می‌کند و تولیدات داخلی آن اقتصاد را به لحاظ رقابت با کالاهای خارجی در شرایط نامطلوبی قرار می‌دهد، کارگران و فعالان صنعتی زمین می‌خورند. تجربه ۸ و ۹ سال گذشته نیز ثابت کرده است که راه علاج این اتفاق، افزایش نقدینگی در بخش‌های غیرمولد اقتصاد نیست. ما اگر می‌خواهیم دردی از اقتصادمان دوا شود، باید تن به تولید بدهیم، در غیر این صورت تا چند سال آینده تقریبا همه شهروندان برای فرار از بی‌کاری در فهرست دوشغله قرار گرفته‌اند و بخشی از درآمد خود را از طریق دست‌فروشی یا مسافرخشی یا فعالیت‌هایی از این نوع به دست می‌آورند. دیر نیست آن روز اگر هم‌چنان تولید را دور بزنیم و در جایی دیگر غیر از تولید برنامه‌های اقتصادی را برپا سازیم. باید از کنار این امید که شکل گرفته است، ساده عبور نکنیم.

* استاد دانشگاه

تابستان نفرین شده

وقتی نحسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آمد

شرمین نادری

در زمستان ۱۳۳۱، شرکت نفت ایران انگلیس و تمام توابعش و حتی کارمند انگلیسی شرکت‌های دیگر از ایران رانده شده‌اند، آن هم به حمایت دکتر مصدق و دستور دکتر فاطمی وزیر جوان و نترس امور خارجه‌اش. خانواده شاه همه در ترس از اتهام‌اند، از جمله اشرف، خواهر شاه، که دیگر متهم است به موش دواندن و ارتباط با بریتانیای کبیر و البته حیف و میل ثروت ایران. بعضی‌ها می‌گویند وقتی آمریکایی‌ها هم می‌بینند هوا پس است و یک جو انقلابی دارد راه می‌افتد و منافع همه در خطر است، از طریق همین خواهر شاه با خودش تماس می‌گیرند و می‌گویند: ما شاه داریم برای شما کودتا می‌کنیم! اما این که واقعا تمام ماجرای کودتای تابستانه ۱۳۳۲ به دست آدم‌های دیگر از سرزمین‌های دیگر اتفاق افتاده، یک فرضیه است و بس.

۱- «در تابستان ۱۳۳۲، یک نفر ایرانی به من تلفن کرد که آمریکا و انگلیس درباره وضع کنونی ایران نگرانند. زمان عمل فرا رسیده. ولی ما باید از شما تقاضای کمک کنیم و چون تقاضای کمک می‌کنیم، یک چک سفید در اختیاران قرار می‌دهیم تا هر مبلغی که مایلید، روی آن بنویسید.»
از خاطرات اشرف پهلوی

۲- تاریخ می‌گوید شاه جوان است و بی‌تجربه؛ هم زیر فشار خانواده‌اش است که به شدت مشکل مالی پیدا کرده‌اند، هم از قدرت گرفتن مصدق می‌ترسد، اما از جنگیدن با مردم هم هراس دارد. چند بار قصد می‌کند همه چیز را بگذارد و برود تا این که خبری تازه به دستش می‌رسد و کسانی در گوشش خبرهای خوش می‌خوانند. همان روزهاست که پنج میلیون دلار آمریکایی از جیب سازمان سیا می‌رود

۴- دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دولت مصدق در جریان جلسه‌ای می‌گوید: نظام سلطنتی باید برچیده شود... این را که می‌گوید، پشتش به احزاب مردمی و مردم گرم است که نمی‌داند کم‌کم دارند، چند دسته می‌شوند.

۵- شب ۲۴ مرداد طرفداران دولت شاهنشاهی یک رمز دارند: حالا دقیقا نیمه‌شب است!

۶- روز ۲۵ مرداد هم هندرسن، سفیر آمریکا، اولین جرقه‌های کودتا را می‌زند. شخصا می‌رود پشت در خانه مصدق و می‌گوید که ما دیگر تو را به رسمیت نمی‌شناسیم. مصدق با عصبانیت و فارغ از عاقبت کار او را از خانه بیرون می‌اندازد. غافل از این که حالا پشت هندرسن هم به دوستان سابق نخست وزیر گرم است. بعد شاه می‌رود خودش را در ویلای

توی جیب برادران رشیدیان و اردشیر ریپورتر برای همکاری با کودتاچیان. می‌گویند سرلشکر زاهدی هم که قایم شده پول را تحویل می‌گیرد. همه این‌ها درست بعد از جریانات انحلال مجلس است. مصدق که دیگر به مجلسیان اعتماد ندارد، کار را به فراندوم می‌کشانند. مردم به مصدق رای می‌دهند. اما دشمنان دولت دارند زیادتر می‌شوند، هر چه باشد، در مجلس آدم‌های دیگر با آرای دیگر هم بوده‌اند.

۳- «بنا به اراده ملت ایران که به وسیله مراجعه به آرا عمومی اظهار شده بدینوسیله انحلال دوره هفدهم مجلس شورای ملی اعلام می‌گردد. انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی پس از اصلاح قانون انتخابات و قانون تقسیمات کشوری به زودی انجام خواهد گرفت و بر طبق قانون اعلان خواهد شد.»
دکتر محمد مصدق ۱۳۳۲ / ۵ / ۲۵



شعبان جعفری ملقب به شعبان بی مخ به همراه ارادل و اوباش



شاه و شعبان جعفری



مردم تهران و شهرستان‌ها در ۲۵ مردادماه سال ۳۲ به دفاع از مصدق برخاستند. اما...

مصدق را روز ۲۸ مرداد دستگیر نمی‌کنند، می‌گویند وقتی شعبان و دارودسته به خانه‌اش رسیده‌اند، خودش از دیوار همسایه‌اش به خانه امنی می‌گریزد و فردای آن روز بعد از شنیدن خبر دستگیری اطرافیان با پای خودش به شهربانی می‌رود. پشتش دیگر خالی است و حمایت‌کنندگان یا سرکوب شده‌اند یا دیگر حمایتش نمی‌کنند. پس شاه به تهران برمی‌گردد، روی تخت می‌نشیند و کریمیت روزولت سفیر وقت آمریکادر تهران را احضار می‌کند.

۱۲- «شاه گفت: من تاج و تختم را از برکت خداوند، ملت، ارتشم و شما دارم. من جواب دادم: ایران به هیچ‌وجه به من، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها که مرا فرستادند هیچ نوع بدهکاری ندارد. تشکر مختصر را قبول داریم، ولی هیچ نوع تعهد یا بدهی وجود ندارد. آن‌چه ما انجام دادیم، در جهت منافع کلی ما بود.» از خاطرات جناب کریمیت روزولت

فهرست منابع:

- ۱- بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمدرضا شاهی، ناصر نجفی، نشر انیشتین، ۱۳۷۳ تهران
- ۲- سایت موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- ۳- سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر
- ۴- سایت شرکت نفت ایران
- ۵- سایت آفتاب
- ۶- روزنامه اطلاعات هشتاد سال
- ۷- ظهور و سقوط پهلوی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، حسین فردوست
- ۸- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز
- ۹- مقاله‌ای از مهدی جنگروی درباره جنگ جهانی دوم و برکناری رضاشاه
- ۱۰- گاه‌شمار سیاست خارجی ایران، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۱- مقاله‌ای از دکتر هوشنگ طالع، درباره نفت شمال
- ۱۲- خواب آشفته نفت، محمدعلی موحد

کلاردشت گم‌وگور می‌کند و این میان کاغذ سفیدی را امضا می‌کند که دستور نخست‌وزیری سرلشکر زاهدی را دارد. محافظان خانه مصدق آورنده پیام را که سرلشکر نصیری است و از سعدآباد با تانک آمده، دستگیر می‌کنند و مردم می‌ریزند توی خیابان‌ها.

۷- ۱۳۳۲/۵/۲۵ روزنامه اطلاعات

«یک ساعت و نیم بعد از نیمه شب گذشته چند نفر از افسران گارد شاهنشاهی با کمک عده‌ای سرباز مسلح به سرپرستی سرهنگ نصیری به منزل نخست‌وزیر رفته و به عنوان این‌که می‌خواهند نامه‌ای بدهد، قصد اشغال خانه را داشته‌اند. قبلاً نیز این افراد در شمیران وزیران خارجه و راه را بازداشت کرده‌اند. قصد داشتند با در دست گرفتن مراکز حساس پایتخت یک کودتای نظامی علیه دولت انجام دهند، ولی این توطئه قبل از حصول نتیجه فاش گردید و در نتیجه علاوه بر آن‌که دستگیرشدگان آزاد گردیدند، عاملین توطئه و هم‌چنین عده‌ای دیگر که نسبت به آن‌ها سوءظن می‌رفت، تحت تعقیب مامورین شهربانی و فرماندهی نظامی در آمدند...»

۸- شاه از کلاردشت می‌رود به بغداد و بعد هم

رم. تیمسار خاتمی شوهر خواهر شاه برای مصدق پیام تبریک می‌فرستد. گرچه روحانیت که از توطئه نزدیک کودتای ۲۸ مرداد باخبر است، نامه‌ای می‌نویسد به هشدار، که بازی تمام نشده و ادامه دارد این ماجرا، اما مصدق که تحت فشار روحی و جسمی درها را به روی خودش بسته است، منزوی شده است. همین هم هست که تفرقه می‌افتد و همه چیز خراب می‌شود.

۹- مردم تهران و شهرستان‌ها با تظاهرات حکومت

مصدق را ساقط کردند.

روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۵/۳۱

۱۳- فشاری که گروه آژاکس ایران و عملیاتش، با آشوب و هرج‌ومرج و فشار افکار شروع کرده بود، روز ۲۸ مرداد دیگر به مقصود خود می‌رسد. پنج میلیون دلار برای مردمی که در اثر فشار اقتصادی گرسنه مانده‌اند، مثل خوراک است و آدم‌هایی مثل شعبان جعفری (بی‌مخ)، که مثلاً پهلوان‌اند، با جیب‌های پر از دلار آمریکایی مثل خوراک‌دهنده هستند. از جنوب شهر تظاهرات آغاز می‌شود؛ تظاهرات کسانی که می‌خواهند شاه برگردد و مصدق ور بیفتد و مردم آزادی‌خواه هم خاموش شوند.

۱۰- «علت شروع تظاهرات این بود که عده‌ای از

اهالی جنوب شهر که شنیده بودند عناصر چپ قصد دارند کاشی لوحه خیابان‌ها را کنده به جای آن اسامی دیگری بنویسند، برای جلوگیری از این کار اجتماع کردند. انتشار این خبر با توجه به شایعات مختلف آتش احساسات مردم را تیزتر کرد که اولین انعکاس آن حرکت دسته‌جمعی مردم از نقاط مختلف شهر در صبح چهارشنبه

بود که با شعارهای زنده باد شاه، مرگ بر حزب توده، ایران محال است جمهوری شود، در خیابان راه افتادند و به طرف میدان سپه و نقاط مرکزی شهر حرکت کردند.»

روزنامه اطلاعات

۱۱- هرج‌ومرج، آشوب، خراب‌کاری و شعار جاوید

شاه شهر را برمی‌دارد. دولت مصدق باور نمی‌کند که این فشار به ثمر بنشیند، پس طرفدارانش را به آرامش می‌خواند و آشوب‌گران را سرکوب نمی‌کند. همین‌جاست که کار خراب می‌شود، شهر به هم می‌ریزد و با کمک شعبان جعفری‌ها و یکه‌بزن‌ها مقاومت پشت در منزل نخست‌وزیر شکسته می‌شود، زاهدی از سوراخ درمی‌آید و روی تانک می‌نشیند و خودش را نخست‌وزیر صدا می‌کند، سرهنگ نصیری هم شورشیان را برای هرچه بیشتر قلع و قمع کردن طرفداران مصدق رهبری می‌کند، بلبشویی است در تهران تا این‌که ساختمان رادیو هم جولانگاه کودتاچیان می‌شود. پس رئیس شهربانی جدید یک تلگراف خیانت‌کارانه می‌زند: اعلامیه حمایت از شاه صادر کنید.



شاه از کلاردشت می‌رود به بغداد و بعد هم رم

کندلوس، فرصتی برای پیوند با طبیعت



اثر سعدی از دیگر آثار موجود در موزه است. در بخش هنرهای سنتی نیز بافته‌ها، پوشاک و زیورآلات روستایی، مجسمه‌ها و نقاشی‌های سنتی و قهوه‌خانه‌های به‌ویژه از آثار قولرلر آغاسی را می‌توان دید. قدم زدن در کوچه‌های کندلوس سبب آشنایی با افسانه‌های کندلوس هم می‌شود. کوچه «مینا و پلنگ» یکی از این نام‌هاست. در داستان مینا و پلنگ، مینا دختر کندلوسی صدای خوبی داشت و هر شب آواز می‌خواند. پلنگی که شیفته آواز مینا بود، به نزدیک پنجره می‌آمد تا به آواز مینا گوش دهد. همین امر ماجراهایی را رقم می‌زند که می‌تواند بیان‌گر نکاتی از فرهنگ منطقه باشد. اگرچه آیین‌های سنتی رو به انقراض است، ولی در مناسبت‌هایی می‌توان در کندلوس مراسم و آیین‌های سنتی را نیز به تماشا نشست. جشن تیرگان و مراسم زیبایی «سامج» (خوش‌قدم) که در آغاز سال اجرا می‌شود، از این دست هستند. اما چگونه می‌توان به کندلوس رفت؟ راه اصلی دسترسی به کندلوس از محور کرج - چالوس است. در فاصله هفت کیلومتری از مرزن‌آباد به سمت چالوس، دوراهی کجور واقع شده، راه فرعی سمت راست، جاده «دشت نظیر» محسوب می‌شود. جاده دارای پیچ‌وخم‌های زیادی است و چهره طبیعت اطراف در طی ۴۲ کیلومتر تا کندلوس تازه می‌شود. در کندلوس برای خورد و خوراک و خواب مشکلی نیست. با خوردن غذا در رستوران کندلوس که متعلق به مجموعه فرهنگی کندلوس است، هم از فضا و غذای خوب بهره می‌برید و هم به امور فرهنگی کمک می‌کنید. برای اقامت نیز می‌توانید از مهمان‌سرای کندلوس با چندین سوئیت و اتاق مجهز استفاده کنید و زمانی را در آغوش طبیعت بگذرانید.



«مراسم آتش بیلاق حضرت همایونی» نوشته‌ای است زیر عکس ناصرالدین شاه قاجار. به گفته دوستی، هر جا این شاه قاجار رفته، مقصد خوبی است. کندلوس چنین مقصدی است و عکس نشان می‌دهد از دیرباز مسافران به این دیار توجه داشته‌اند. سفری به دل طبیعت سبز برای شاداب کردن روح و روان در حالی که مقصد چندان دور نیست، بسیار خوشایند است. اما کندلوس فقط به خاطر سرسبزی و طبیعت زیبا مشهور نیست، بلکه مجموعه فرهنگی کندلوس از جمله موزه، مهمانسرا و رستوران چهره روستا را تغییر داده و آن را به یکی از قطب‌های گردشگری استان مازندران تبدیل کرده است. این مجموعه تفریحی و تاریخی در سال ۱۳۶۷ برای نشان دادن ارزش فرهنگ و هنر و سنت مردم، پس از سال‌ها تلاش توسط علی‌اصغر جهانگیری ساخته شد. حدود ۱۵ دقیقه پیاده‌روی از میان کوچه‌های باریک و سنگ‌فرش روستا برای رسیدن به موزه کافی است. در این موزه انواع سفالینه، ظروف چینی، اسناد، کتب خطی، زیورآلات، عینک و تفنگ‌های قدیمی از دوران صفویه تا معاصر یافت می‌شود.

آثار این موزه همگی مجموعه شخصی علی‌اصغر جهانگیری است. به گفته جهانگیری، او از آغاز کودکی به جمع کردن اشیای قدیمی علاقه داشته و یکی از سرگرمی‌هایش خرید اشیای قدیمی از پیرها و قدیمی‌ترها در این روستا و روستاهای اطراف بوده است. او قند و چای و سیگار را با قباله‌ها، اسناد، سکه و سفال معاوضه کرده و آن‌ها را از دید خانواده پنهان می‌داشت. پاسپورت قدیمی ایرانی، عکس‌های سفر ناصرالدین شاه به کندلوس و کتاب منظوم «فارس‌ستان»

مردادماه است و وسط تابستان. تابستان همیشه ما را به یاد سفر و تفریحات فرهنگی می‌اندازد. حالا هم که اکران حال‌وهوای خوبی دارد و فیلم‌های روی پرده دست شما را برای دیدن فیلم‌های جدید باز گذاشته است. از سوی دیگر سالن‌های تئاتر هم نمایش‌های خوبی را اجرا کرده‌اند. اگر هم که دوست دارید در خانه بمانید و زیر باد کولر بنشینید، شبکه خانگی یک دنیا انتخاب برای شما گذاشته است. با هم به استقبال جله تابستان می‌رویم و از گرمای مرداد به سالن‌های سینما و تئاتر و میل خانه پناه می‌بریم. اگر هم نه، می‌توانید به سفر بروید. یک سفر جمع‌وجور، اقتصادی اما خوب. این بار برای شما یک پیشنهاد وسوسه‌انگیز داریم.

سینما

5054

12

MZ



بهترین پیشنهاد برای این روزهای شما، «رد کاریت» است. آخرین فیلم رضا عطاران. فیلمی که هم می‌تواند اوقات خوشی را برای شما فراهم کند و هم این‌که یک کم‌دی آبرومند است. سال‌هاست که دیگر نام رضا عطاران را در بین کارگردان‌های تلویزیونی نمی‌بینیم. زمانی که او سریال می‌ساخت، بدون شک تبدیل به پرطرفدارترین بود و مخاطب به‌خوبی با شوخی‌های او همراه می‌شد و از ته دل می‌خندید. این بار اما به سراغ سوزهای خاص رفته است. «رد کاریت» داستان ساده‌ای از یک سینماگر معمولی ایرانی را روایت می‌کند که با همان سادگی به دنبال سینماگران مطرح دنیا است تا خودش را به آن‌ها ثابت کند. فیلم پر است از لحظات مستندی که در جشنواره کن گذشته فیلم‌برداری شده است و همان لحظه‌های مستند است که تماشاگر را غرق لذت می‌کند. این بار رضا عطاران نشان داده است که یک سینماگر عامه‌پسند نیست. می‌تواند مخاطب خاص را هم به سینما بکشاند و آن‌ها را راضی نگه دارد. خیلی از شوخی‌های فیلم مختص به منتقدان سینمایی و آن‌هایی است که تمام اتفاق‌های سینمایی را دنبال می‌کنند. چیزی که می‌خواهیم بگوییم، این است که این بار رضا

عطاران کفه را به نفع منتقدان سنگین کرده است و شاید آن‌ها بیشتر با شوخی‌های فیلم قهقهه سر بدهند! کافی است تا رضا عطاران به عنوان بازیگر، نویسنده و کارگردان در فهرست عوامل یک فیلم حضور داشته باشد، بدون شک می‌توان آن را یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های گیشه اعلام کرد. رضا عطاران کارگردان به‌خوبی سلیقه مخاطب را می‌شناسد. می‌داند از چه حیل‌های برای کشاندن مخاطبان به سینماها استفاده کند و مهم‌تر از آن می‌داند چطور باید آن‌ها را راضی از سالن به بیرون هدایت کند. این روزها تازه‌ترین فیلم او روی پرده سینماها رفته است. «رد کاریت» فیلمی در مورد یک سینماگر ایرانی است که راهش به کن باز می‌شود و درصد این است که فیلمنامه‌ای را که نوشته است، به دست استیون اسپیلبرگ برساند! به همین سادگی فیلمی از حضورش در کن ساخته است. «رد کاریت» که نام آن در بیلبوردهای سطح شهر به «فرش قرمز» تغییر یافته است، این روزها بر پرده نقره‌ای نقش بسته است و در انتظار شامست تا ساعت مفرح و خوشحالی را برایتان فراهم کند. اگر این فیلم را هنوز ندیده‌اید، توصیه می‌کنیم این روزها سری به سینماها بزنید.

تئاتر

5054

12

MZ

شبکه خانگی



تازه‌ترین فیلمی که در شبکه خانگی منتشر شده است، «فرزند چهارم» است. فیلمی با بازی حامد بهداد، مهدی هاشمی و مهتاب کرامتی. اگر دوست دارید با جاذبه‌های آفریقا آشنا شوید، دیدن این فیلم را به شما توصیه می‌کنیم. فیلمی که با اهداف انسان‌دوستانه نوشته شده است و داستان سرراستی دارد. خلاصه این‌که فیلم بدی نیست. می‌توانید با خیال راحت زیر سرمای خنک کولر بنشینید، بستنی‌تان را بخورید و از دیدن یک فیلم خوب در ظهر گرم تابستان لذت ببرید. یک انتخاب دیگر هم دارید. «ملکه» هم به‌تازگی در شبکه خانگی منتشر شده و فیلمی در حال‌وهوای دفاع مقدس است. میلاد کی‌مرام و حمید آذرنگ از بازیگران اصلی آن به شمار می‌روند و اگر به این دست از فیلم‌ها علاقه دارید، می‌توانید انتخاب خوبی برای ظهر تابستانی‌تان باشد.

سالن‌های تئاتر چند پیشنهاد خوب برای شما دارد؛ پیشنهادهایی که می‌تواند تا آخر مردادماه همراه شما باشد. با یک برنامه‌ریزی درست می‌توانید هر هفته یک نمایش ببینید. هفته اول بروید «هیولا خوانی» محمد یعقوبی را ببینید که غرق لذت شوید. نمایشی که اوایل مرداد، به روزهای پایان نمایش نزدیک می‌شود. این نمایش هر روز در دو نوبت ۱۸،۳۰ و ۲۱ در تالار چهارسو اجرا می‌شود و واقعا حیف است این نمایش را از دست بدهید. چیزی در مورد نمایش نمی‌توانیم بگوییم، چراکه همه داستان به همان نقطه اولیه داستان باز می‌گردد. هفته دوم به سراغ «دل سگ» بروید. کار دیگری که محمد یعقوبی آن را اجرا کرده است و حبیب رضایی و نوید محمدزاده از بازیگران اصلی آن به شمار می‌آیند. این نمایش هر روز ساعت ۲۰ در تماشاخانه ایرانشهر اجرا می‌شود؛ اجرایی که دوباره به صحنه بازگشته است. محمد یعقوبی یک بار قبل از این، این نمایش را روی صحنه برد و حالا با یک تغییرات جزئی دوباره آن را به نمایش در آورده است. هفته سوم را بروید و خودتان را مهمان یکی از بهترین نمایش‌های سال کنید. «ترانه‌های محلی» به کارگردانی محمد رحمانیان. اگر «ترانه‌های قدیمی» را دیدید و دوست داشتید، این هم یکی دیگر از نمایش‌های به‌یادماندنی خواهد بود. در همان سبک و سیاق نمایش قبلی، با این تفاوت که نمایش «ترانه‌های محلی» از ترانه‌های سنتی وام گرفته است. بروید و کیفش را ببرید. هفته آخر مرداد هم می‌توانید به دیدن نمایش «شکسپیر و زنان عاشق» بروید؛ نمایشی که بهاره رهنما کارگردانی‌اش را برعهده دارد و نسیم ادبی، مهناز افشار، بهنوش بختیاری و سحر دولت‌شاهی از بازیگران اصلی آن هستند و پیمان قاسم‌خانی به عنوان مشاور نمایشنامه‌نویس در این کار حضور دارد. دیگر چه می‌خواهید از این بهتر؟



دور ریختنی های دوست داشتنی

دوروبرتان را که بگردید، پر است از دورریختنی هایی که می توان با آن ها چیزهای تازه ای ساخت. نه از آن وسایلی که هر چند وقت یک بار دوباره دور انداخته خواهند شد. از آن دسته وسایلی که به دردتان می خورد و مورد استفاده تان قرار می گیرد. در این صفحه برای شما پیشنهادهای اقتصادی را می آوریم. وسایلی که شاید خیلی وقت ها دوست داشتید آن را داشته باشید، اما به دلیل هزینه بالا از خیرش گذشته اید. با این پیشنهادهای ساده هر روز می توانید خانه تان را زیبا کنید و به اطرافیانتان فخر بفرشید که آن ها دست ساز خودتان هستند.

قاب موبایل دست ساز

این روزها در بازار انواع و اقسام قاب های موبایل دیده می شود، اما خیلی وقت ها یا با هزینه مورد نظر شما هم خوانی ندارد، یا این که با سلیقه شما یکی نیست. این مشکل غیرقابل حلی نیست. به راحتی هر چه تمام تر می توانید با یک سوم هزینه، قاب مورد علاقه تان را بسازید و از آن لذت ببرید. برای شروع به یک سری وسایل نیاز داریم؛ قاب شیشه ای، چند شیشه لاک ناخن در رنگ های مختلف و یک تکه پارچه رنگی. برای این که قاب مورد علاقه تان را بسازید، دو شیوه وجود دارد. اول این که طرح قاب مورد نظر تان را پشت پارچه بکشید و با قیچی دورش را ببرید و روی قاب بچسبانید. روش دوم طراحی با لاک ناخن است. می توانید هر دو روش را امتحان کنید و به این ترتیب دو قاب متفاوت دارید که خودتان آن را درست کرده اید.



میزهای چوبی

ظاهر میز تلویزیونتان خسته کننده شده؟ دوست دارید یک میز تلویزیون جدید داشته باشید؟ خب کاری ندارد؛ سری به بازار بزنید و یک میز تلویزیون جدید بخرید! اما نرفته و نگفته می دانیم که این روزها در بازار میل چه می گذرد و می دانیم که درآمد هر کسی این روزها اجازه تغییر دکوراسیون زود به زود را نمی دهد! در این میان دو راه وجود دارد؛ یک این که با ظاهر میز تلویزیون فعلی تان کنار بیایید. دو این که خودتان دست به کار شوید و از سلیقه تان برای ظاهر جدید خانه تان کمک بگیرید. ما یک پیشنهاد ویژه برای شما داریم. می توانید از جعبه میوه کمک بگیرید. بله درست خواندید، همین جعبه های میوه که هر روز از میوه فروشی می خرید و آن ها را با خیال راحت بیرون می گذارید. این جعبه میوه ها می توانند میز تلویزیون جدید شما باشند. کافی است کمی سلیقه به خرج دهید، میخ های اضافی اش را بگیرید، با سمباده ناهمواری هایش را صاف کنید و اگر دوست داشتید، با اسپری روی آن «کیلر» بزنید و براقش کنید. به همین راحتی است که شما صاحب یک میز تلویزیون جدید شده اید و هزینه زیادی هم از جیب نداده اید.



کیک تولد

حالا که ماه رمضان است، اما همین اواخر تولد یکی از دوستان یا فرزندانمان نبوده است؟ به کیکفروشی سر زده‌اید؟ متوجه شده‌اید که قیمت کیک‌های سفارشی چقدر بالا رفته است؟ خب کاری ندارد، خودتان دست به کار شوید و همین کیک تولد دست‌ساز را به بهترین دوست یا فرزند عزیزتان هدیه دهید. ایده‌های زیادی برای درست کردن کیک تولد وجود دارد، اما آن ایده‌های تبدیل به بهترین می‌شود که با کمترین امکانات موجود قابل اجرا باشد. می‌توانید به راحتی هر چه تمام‌تر یک کیک تولد چند طبقه درست کنید که هیچ احتیاجی به قالب‌های کیک عجیب و غریب ندارد و تنها داشتن یک قوطی کنسرو تمیز برای این کار کفایت می‌کند. برای راحتی در کار می‌توانید از پودر کیک‌های آماده استفاده کنید. داخل قوطی کنسرو را قبل از ریختن مایه کیک با روغن چرب کنید و آرد بپاشید. قوطی را فقط تا قسمت کمی بیشتر از نصف، با مایه خمیر کیک پر کنید. این کیک در دمای ۳۲۵ درجه فارنهایت و حدوداً به مدت ۲۵ دقیقه آماده خواهد بود. قبل از جدا کردن کیک از قالب صبر کنید تا کاملاً خنک شود.



ریسه کشی

درست است که حالا ماه رمضان است، اما همیشه که ماه رمضان نمی‌ماند، همیشه بعد از ماه رمضان جشن تولدها و عروسی‌ها شروع می‌شود و بهتر است که ایده‌های جالبی برای تزیین خانه در ذهن داشته باشیم! یکی از ایده‌های ارزان قیمت و ساده ریسه کشی است. اما همیشه آن چراغ‌های کوچک دردرساز می‌شوند، ضمن این که خیلی کلیشه‌ای و تکراری است. بد نیست این بار برای ریسه‌کشی‌هایتان یک کار جدید و اقتصادی انجام دهید. تنها چیزی که لازم دارید، چند لیوان یک بار مصرف، چسب، قیچی، ریسه لامپ و پارچه است. ته هر لیوان را سوراخ کنید و لامپ‌های کوچک را از بین آن‌ها رد کنید. پارچه‌های کوچک را روی لیوان‌های یک بار مصرف بچسبانید و به همین راحتی یک سری ریسه جدید برای تزیین جشن تولد یا حتی عروسی خودمانی‌تان خواهید داشت.



دیوارکوب‌های شخصی

این روزها لوازم تزیینی یکی از گران‌ترین وسایل بازار به حساب می‌آید. بارها پیش می‌آید که وسیله‌ای را پشت وپشت می‌بینید، اما به محض این که داخل می‌روید و از قیمت باخبر می‌شوید، بی‌خیال می‌شوید، و به این ترتیب دیوارهای خانه‌تان خیلی وقت است که خالی مانده. قاب‌های عکس و تابلوهای نقاشی ایده‌های تزیینی خوبی برای خانه‌ها به شمار می‌روند. عکس‌هایی که با آن‌ها خاطره دارید، می‌توانند قاب عکس‌های زیبایی شوند و از سوی دیگر نقاشی‌های فرزندانمان هم ایده خوبی برای تزیین دیوارهای خانه‌تان به شمار می‌آید. با یک کاردستی راحت می‌توانید دیوارکوب‌های شخصی‌تان را درست کنید و از چیزی که ساخته‌اید، نهایت لذت را ببرید. تصاویر دل‌خواه، چسب چوب شفاف، بلوک‌های چوبی، رنگ آکرولیک، قیچی و قلم‌مو تنها چیزهایی است که شما لازم دارید. آن یک لایه چسب روی عکس یا تصویر مورد نظرتان بزنید و به همین سادگی قاب‌های زیبایی روی دیوار خانه‌تان جا خوش می‌کنند. می‌توانید عکس‌هایی را انتخاب کنید که زمینه سفید دارند و شما دور آن‌ها را قیچی کنید. این کار زیبایی بیشتری به قاب‌های دیوارکوبتان می‌دهد.





جشن‌های تابستانی در جنوب ایران

هرسال تابستان که فصل برداشت و نعمت است، شهرهای زراعی شکل دیگری به خودشان می‌گیرد؛ شکل زندگی و نعمتی که باید منتظر آمدنش بود. نعمت تابستان برداشت هدیه‌های الهی است و مردم و زارعین به پاس این نعمات جشن‌هایی برپا می‌کنند که به اختصار به مرور آن‌ها می‌پردازیم.

نوروز صیاد

نوروز صیاد از مراسم و آیین‌های زیبای جزیره قشم است که تا فراموشی کامل فاصله چندانی ندارد. سال صیادان هم چهار فصل دارد. جوا که از اوایل دهه سوم فروردین آغاز می‌شود و ۱۰۰ روز طول می‌کشد و تقریباً با بهار طبیعت هم‌سان است. گرما که ۶۵ روز به درازا می‌کشد و اولین روز آن نوروز صیاد است. شهریما فصل بعدی است که ۱۰۰ روز به طول می‌انجامد و پس از آن زمستان فرامی‌رسد که این نیز ۱۰۰ روز است. اول مرداد هر سال را نوروز صیاد می‌نامند و این روز، اولین روز از فصل گرمای واقعی است و معنی آن این است که یک سال صیادی چرخیده و فصل صید ماهی حور و کوسه به پایان رسیده است. (تاقیل از نوروز، این ماهی‌ها با روش انتظاری و محاصره‌ای صید می‌شوند). در این روز، هیچ‌کدام از روستانشینان قشمی ماهی یا هر نوع آبری دریایی دیگری صید نمی‌کنند یا نمی‌خورند. در نوروز صیادی اهالی معتقدند: همه ماهی‌ها امروز در دریا آزادند و باید نسل خود را پرربار کنند. برای همین امروز نباید صید شوند. از فردای نوروز، صید گرگور شروع می‌شود و ادامه آن، طبق گفته صیادان محلی تا دهی گرما، بیستی گرما، سی‌ای گرما، چپلی گرما، پنجاهی گرما، شصتی گرما و نیم در شصتی است که دیگر گرما تمام می‌شود.

در آغاز فصل بعدی، یعنی شهریما، صیادان با قلاب به

صید ماهی‌های بومی و حور می‌پردازند. ماهی‌های غیربومی مهاجر، مثل حور در دو فصل پاییز و بهار به صیدگاه‌های ساحل‌نشینان جنوب می‌آیند.

مردم بر این باورند که در نوروز صیاد تمام چشمه‌های آب‌های معدنی به دریا می‌ریزند. پس این روز را جشن می‌گیرند و به دریا می‌زنند تا بیماری خود را به دای آب‌های معدنی از تن بشویند. دختران، مادران سال‌خورده خود را در آب دریا می‌نشانند و با پیاله آب را به نیت شفابخشی بر سر و لباس آن‌ها می‌ریزند. برای زدودن کهنگی، هر کس لباس کهنه را به آب دریا می‌سپارد. در نوروز صیاد همگان لباس‌های رنگی و نو می‌پوشند و برای آن که درختان و احشام را هم نوروزی کنند، آن‌ها را با خاک سرخ جزیره هرمز رنگ‌آمیزی می‌کنند. این رسم نشان از آن دارد که مردم با درخت و دام پیوندی دیرینه دارند.

در باور مردم درهای چوبی خانه‌ها هم روح دارند، پس آن‌ها را با خاک و گل سرخ به سر انگشتان رنگ می‌زنند تا خانه و در را به شکلی نمادین نوروزی کنند.

در نوروز صیاد، آن‌ها که حشم دارند، پیش یکی از چند دعاخوان نوروزی می‌روند تا برای آن‌ها «لوبن» بخوانند، بلکه در سایه این دعای نوروزی برای یک سال دیگر احشام آن‌ها از گزند جانوران درنده و بیماری در امان باشند. در باور مردمان،

این دعا فقط از هنگام تحویل سال تا شش ساعت بعد می‌تواند خوانده شود. اگر پس از این ساعت باشد، دعا تاثیری ندارد. آن کس که لوبن می‌خواند، ریسمان سبزی به دست می‌گیرد و برای هر کدام از احشام دعایی می‌خواند و گرهی به نخ می‌زند. در آخر، ریسمان که به تعداد دام گره دارد به صاحب دام‌ها سپرده می‌شود تا آن را در سوراخ دیواری پنهان کند و روی آن را ببوشاند تا کسی نتواند آن را بیابد یا گرهی از آن نخ باز کند. جالب این که در هر روستا فقط دو یا سه نفر می‌توانند این دعا را بخوانند. وقتی که هر کدام از آن‌ها تصمیم بگیرد دعا را به فرد جدیدی بیاورد، دیگر دعاهای خود او باطل می‌شود و از آن پس هرگز برای کسی لوبن نمی‌خواند. لوبن سینه به سینه نقل و حفظ می‌شود.

جشن میگو

در قشم نزدیک به ۱۵۰۰ نفر صیاد با لنج‌های صیادی و قایق‌های جمع‌آوری به روش «ترال» به کار صید میگو اشتغال دارند.

صید میگو در قشم به‌طور عمده توسط صیادان منطقه چاهو، در گهان، سیریک و تولا صورت می‌گیرد. جشن میگو، هر سال در پایان فصل صید انجام می‌شود که با مراسم بومی سنتی خود در عمل نوعی ابراز شکرگزاری از این نعمت خدادادی است.

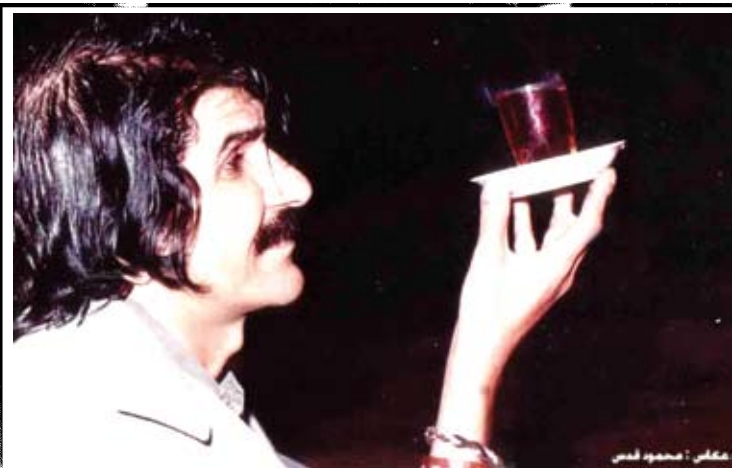
به بهانه سالگرد گذشت حسین پناهی

به بهشت نمی روم اگر...

فرید دانش‌فر

شاید بسیاری از مردم او را بیشتر به عنوان یک بازیگر می‌شناسند، اما او در درجه اول یک شاعر بود؛ خودش هم در جواب خبرنگاری که از او پرسید از همان آغاز به بازیگری علاقه داشتید، جواب داد: «علاقه شماره یک من شعر بود. بعد به سینما گرایش پیدا کردم که همسایه دیوار به دیوار شعر است.» شیوه صحبت کردن و حالت‌های چهره او خاص بود و این ویژگی حتی در نقش‌های مختلف او به خوبی دیده می‌شد. این خصوصیتی بود که او را در ظاهر از بقیه متفاوت می‌کرد. و زمانی که شعرهایش منتشر شدند، بسیاری متوجه شدند که او طرز فکر و نگاه متفاوتی هم دارد. به بهانه سالگرد درگذشت این شاعر دوست‌داشتنی، از او برای شما می‌گوییم تا با حسین پناهی شاعر بیشتر از قبل آشنا شوید.

مجموعه شعر «من و نازی» تا به حال بیش از ۱۶ بار تجدید چاپ شده. حالا امروز مردم شعرها و جمله‌های او را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند و حتی تکه‌هایی از شعرهایش را با پیامک برای هم می‌فرستند. حالا روز مادر که می‌رسد، شعر او را می‌نویسند و می‌خوانند و تکرار می‌کنند: «به بهشت نمی‌روم! اگر مادرم آن‌جا نباشد.» حالا قرار است در سالگرد درگذشت حسین پناهی و به یاد او، ترائه «این بود زندگی» با صدای محسن چاوشی منتشر شود. این‌ها نشانه ارتباط بسیار خوب مخاطب‌ها با شعرهای پناهی هستند.



بسیار زیبا، جذاب و در عین حال برای بیننده باورپذیر هستند.

نیم‌نگاهی به زندگی او

او در سال ۱۳۳۵ در روستای دژکوه از توابع شهر سوق در شهرستان کهگیلویه و بویراحمد به دنیا آمد. به خواست پدرش به مدرسه آیت‌الله گلپایگانی رفت و بعد از این که تحصیلاتش به پایان رسید، به شهرش برگشت. در سال ۱۳۵۴ به شوشتر می‌رود و به مدت یک سال مشغول به تدریس می‌شود. دو سال بعد به روستای دژکوه برمی‌گردد و ازدواج می‌کند. در سال ۱۳۵۹ به جبهه می‌رود و در بخش‌های فرهنگی فعالیت می‌کند، ولی همان‌طور که در کتاب خاطرات صادق آهنگران آمده،

پناهی می‌گوید: «من اصلاً روحیه این مسائل را ندارم.» و به همین دلیل به تهران می‌آید و دوره بازیگری و نمایشنامه‌نویسی را می‌گذراند. پس از این سال است که او نوشتن نمایشنامه و کارگردانی تئاتر را شروع می‌کند. پناهی تا چند سال به این کار ادامه می‌دهد تا این که در سال ۱۳۶۷ اولین شعرهایش را می‌نویسد و در سال ۱۳۷۳ مجموعه شعر «من و نازی» از او منتشر می‌شود. او تا چند سال در فیلم‌های سینمایی بازی می‌کند، اما شاید اولین تصویری که بسیاری از مردم از حسین پناهی دارند، به سریال «دزدان مادر بزرگ» برگردد. او درباره بازیگری و نقشش (سهراب) در این سریال گفته بود: «من همیشه در نقش‌هایی موفق بوده‌ام که بیشتر شبیه خودم بودند. مثلاً تنهایی سهراب. به نظر من سهراب قهرمان تراژدیک داستان «دزدان مادر بزرگ» است که بیش از مادر بزرگ تنهاست.» درست است که او در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ایفای نقش می‌کرد، اما هنر اولش نوشتن بود؛ چه در نمایشنامه و چه در شعر. سریال «امام علی(ع)» را همه دیده‌اند و بسیاری از کارشناسان سینما و تلویزیون عقیده دارند که یکی از کارهای بسیار موفق تاریخی بوده. اما شاید هنوز هم بسیاری ندانند که دیالوگ‌های این سریال را حسین پناهی نوشته. این جاست که هنر او را در نوشتن می‌توانیم به‌خوبی درک کنیم؛ دیالوگ‌هایی که

خاطره‌ای جالب از حسین پناهی

حسین پناهی به گفته دوستانش، شخصیت ساده، صادق، صمیمی و در عین حال جالبی داشت. خاطره‌های بسیاری از او نقل شده. یکی از کسانی که رابطه بسیار نزدیکی با او داشت، رسول نجفیان بود. نجفیان که در تلویزیون هم با پناهی همکاری داشته، درباره یکی از آن روزهایی که به ساختمان صدا و سیما می‌رفتند، می‌گوید. او می‌گوید یک بار که از میدان ونک می‌خواستند به خیابان جام‌جم بروند، سوار تاکسی می‌شوند. حسین پناهی چون پول خرد نداشت، در حالی که کرایه آن‌ها فقط پنج تومان می‌شد، یک اسکناس ۲۰۰ تومانی به راننده می‌دهد. (آن زمان اسکناس ۲۰۰ تومانی تازه آمده بود). راننده با عجله می‌گوید که صبر کنید بقیه‌اش را بگیرید، اما پناهی جواب می‌دهد: «بقیه‌اش مال خودت!» راننده هم که آن‌ها را نمی‌شناسد، خیال می‌کند پول تقلبی به او داده‌اند. نجفیان و پناهی که می‌خواهند پیاده شوند، راننده حساسی عصبانی می‌شود و یقه آن‌ها را می‌گیرد! البته مسافرتی که در تاکسی بودند، نمی‌گذارند کار به جای باریک بکشد و به راننده می‌گویند که پول واقعی و اصل است. راننده که حساسی گیج شده، می‌گوید: «مگر شما دیوانه‌اید؟!» پناهی به نجفیان می‌گوید: «هی بی‌نی! وقتی آدم می‌خواد فردین بازی هم در باره، کسی باور نمی‌کنه!»

شاعری که بازیگری هم می‌کرد

اگر به فعالیت‌های هنری پناهی نگاه کنیم، شاید به نظر برسد بازیگری بیشتر از کارهای دیگر برای او اهمیت داشته، ولی واقعیت این نیست. هر چند که او دو بار هم نامزد دریافت جایزه سیمیرغ بلورین نقش مکمل مرد شد و یک بار هم دیپلم افتخار نقش اول مرد را گرفت. پناهی در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «من برای ائتلاف وقت بازی می‌کنم؛ برای فرار از درک حقایق هولناکی که نمی‌دانم چیست.» شاید این صحبت در ظاهر معمولی باشد، اما می‌توان گفت او در همین چند جمله که طنز تلخی هم در آن است، خودش را تعریف می‌کند. این موضوع تا حدی مهم است که او در بسیاری از شعرهایش به همین ندانستن اشاره می‌کند و مجموعه شعری هم با عنوان «حی‌دانم‌ها» می‌نویسد. «وقتی ما آمدم، اتفاق، اتفاق افتاده بود! / حال / هر کس / به سلیقه خود چیزی می‌گوید / در تاریکی گم می‌شود» این شعر که با عنوان «فیلا» در مجموعه «حی‌دانم‌ها» منتشر شده، می‌تواند نمونه خوبی باشد برای این که بتوانید با جهان و دنیای حسین پناهی و فکر و نگاه او بیشتر و بهتر آشنا شوید. شاید برای بعضی‌ها باور کردنش سخت باشد که آن دیالوگ‌ها و این شعرها اثر همان کسی است که در سریال «دزدان مادر بزرگ» نقش سهراب را بازی کرده. شعرهای او با استقبال مردم روبه‌رو شد، به طوری که

ترین های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل خوب، بد، زشت!



جام جهانی با همه تلخی‌ها و شیرینی‌ها و بدی‌ها و خوبی‌ها و زشتی‌ها و زیبایی‌هایش به پایان رسید و البته تصاویر همه اتفاقاتی که در این جام افتاد همیشه در یادها می‌ماند. همانطور که جام‌های جهانی گذشته هم در یادها و خاطره‌ها همچنان مانده‌اند و اتفاقاتی که در جام‌های جهانی گذشته افتاده همچنان مرور می‌شود و لذت بخش است. در این گزارش نگاهی به ترین‌های جام از دید خودمان می‌کنیم. خوب‌ها و بدها و زشتها، خوب‌ترها و بدترها و زشت‌ترها و خوب‌ترین‌ها، بدترین‌ها و زشت‌ترین‌ها! البته انتخاب ما شاید انتخاب شما نباشد، اما برای ما که خوره فوتبال هستیم، ترین‌های جام اینهایی هستند که می‌خوانید:

مسئول فیفا قصد دست دادن با او را دارد ولی دست او در هوا معلق شد و برای اینکه ضایع نشود دستی به سرش کشید که همین موضوع باعث خنده داوران و کاسیاس شد. فیلم این ماجرا در شبکه‌های اجتماعی و سایتها منتشر شد و برنامه‌های تلویزیونی زیادی رویش مانور دادند. البته جام‌صحنه‌های خنده‌دار دیگری هم داشت، اما این صحنه خنده‌دار تر بود.

بهترین بازی: پرتغال ۲- آمریکا ۲ در مرحله گروهی

این بازی همه چیز داشت، گل، صحنه‌های ناب، دقایق حساس و خلاصه اینکه هر چه فکرش را بکنید، دو تیم نمی‌خواستند شانس صعود را از دست بدهند. یکی از دلایلی که این بازی بهترین شد این بود که در بازیهایی نه چندان حساس مرحله گروهی، آماری به جا گذاشت که مثل بازیهایی مراحل حذفی بود. کارشناسان زیادی این بازی را بهترین بازی جام دانستند. بازی که در حذف پرتغال هم نقش عمده‌ای داشت.

بدترین بازی جام: بازی ایران- نیجریه در مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل

نه گل داشت و نه صحنه خاصی. دو تیم بیشتر دفاع می‌کردند و می‌خواستند که امتیاز بگیرند. شاید اگر کمی تهاجمی‌تر بازی می‌کردند بازی حداقل با یک مساوی با گل به پایان می‌رسید، نه یک تساوی صفر-صفر روی میخ! این بازی در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴ (۲۶ خرداد) در ورزشگاه بایکسادا برگزار شد و البته تیم ملی ایران امید زیادی به بردن و گرفتن امتیاز داشت.

بهترین پیراهن: تیم ملی فرانسه

و نباید اینقدر رسانه‌ها روی او برای فینالیست شدن و آقای گل شدن فشار بیاورند. رودریگز هر چند فینالیست نشد و تیمش به جمع ۴ تیم برتر جام صعود نکرد، اما بهترین گلزن شد.

بهترین بازیکن مسن: ماریو پیس، مدافع کلمبیا کلمبیا تیم جمع و جوری بود. ترکیبی از جوانان و بازیکنان مسن که پکرمن آرژانتینی برای ساختن تیم ملی کلمبیا زحمت زیادی کشیده بود. شاید اگر پکرمن سرمربی تیم ملی کلمبیا بود، این آرژانتین بود که قهرمان جهان می‌شد. در هر حال ماریو پیس، مدافع کهنه کار تیم ملی کلمبیا از ارکان موفقیت این تیم در کارهای دفاعی بود.

بهترین هواداران: هواداران آرژانتین آنها برای تیمشان سنگ تمام گذاشتند. به برزیل آمده بودند، کشوری که در فوتبال دشمن درجه یک آنها بود. مردمانی نه چندان ثروتمند که پول رفتن به هتل را نداشتند و شبها زیر پلها و کنار ساحل می‌خوابیدند. دار و ندارشان را برای خریدن بلیت‌های بازارسیاه حراج کرده بودند و در طول بازیهایی آرژانتین هم نود دقیقه آنها را تشویق می‌کردند. مطمئناً آنها بهترین هواداران جام جهانی ۲۰۱۴ هستند.

خنده‌دارترین صحنه: وقتی می‌خواست دست بدهد و دست نداد

یکی از مسئولان فیفا پیش از شروع بازی اسپانیا-شیلی در مرحله گروهی جام بیستم در تونل ورزشگاه با ایگر کاسیاس دست داد و وقتی به سمت دروازه‌بان شیلی چرخید تا با او دست بدهد جو فلچر، کمک‌داور کانادایی که در مسیر او قرار داشت فکر کرد که این

بهترین بازیکن: متس هوملس، مدافع آلمان بازیکن تاثیرگذار تیم ملی آلمان، که خیلی از حملات تیم‌های مقابل تیم قهرمان را خنثی کرد. از دید ما، او اجازه نداد آلمان گل بخورد و در چندین و چند صحنه و به خصوص در فینال، نفس مسی را گرفت و اجازه نداد تا او زیاد خطرناک باشد، هر چند مسی برای گل زدن تلاش خودش را کرد اما متس هوملس به همراه بوتانگ سیاه پوست، اجازه ندادند آلمانی‌ها گل بخورند.

بهترین گل: تیم کاهیل، کاپیتان استرالیا در دیدار برابر هلند از مرحله گروهی

گل زیبایی که تیم کاهیل به هلند زد، هنوز هم در یادهاست. برخی این گل را با گل خامس رودریگز مقایسه می‌کنند اما این گل زیباتر بود چون کاهیل در شرایط نامتعادل به توپ ضربه زد و توپ زیرطاقی وارد دروازه شد. این گل برای فوتبال آسیا افتخار هم محسوب می‌شود چون استرالیا به هر جهت نماینده فوتبال آسیا در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل بود.

بهترین بازیکن جوان: خامس رودریگز، مهاجم کلمبیا

باشش گل بهترین گلزن جام شد و به زور ۲۱ سالش می‌شد، اما آنقدر خوب بود که حالا همه باشگاههای بزرگ جهان به دنبال استخدام کردن او هستند. خامس رودریگز جای خودش را بین همه طرفداران فوتبال جهان باز کرد و البته مسی و مولر هم با آن همه تجربه و بزرگی نتوانستند رکوردش را بشکنند. البته خامس خیلی مامانی هم بود، چون مادرش مرتب از کلمبیا پیغام می‌فرستاد که بچه‌اش جوان است

آماربازی جام جهانی اعداد وارد می شوند

همیشه آمار و ارقام جام های جهانی برای کسانی که جام را پیگیری می کنند جذاب بوده و البته مایه کری خوانی طرفداران تیم ها هم می شوند. وقتی اعداد وارد می شوند، آن وقت می شود قضاوت درست تری درباره عملکرد تیم های مختلف و حتی اتفاقاتی مرتبط داشت. در هر حال پس از جام جهانی، آمارهای مختلفی ارائه می شود که اطلاع داشتن از آنها می تواند جام جهانی را به یادماندنی تر کند. همه هم سعی می کنند آمارهای متفاوتی ارائه کنند. در این مطلب هم چند آمار مفید ارائه می شود. آماری که شاید کمتر دیده باشید:



تعداد عکس های گرفته شده

در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل عکاسان ۴۵ میلیون عکس گرفتند که این آمار در تاریخ بی سابقه است و نشان می دهد که علم عکاسی چقدر پیشرفت کرده است. البته اگر آمار عکس های موبایلی هم منتشر می شد شاید تا ۱۰۰ میلیون فریم هم می رفت! از ایران ۱۲ عکاس در جام جهانی بودند و آنها هم کلی عکس گرفتند.

جام جهانی سنگین وزن

بیش از ۳۰۰ تن لوازم به همراه ۳۲ تیم حاضر در جام جهانی بود که نشان می دهد جام جهانی سنگین وزنی برگزار شده است. اما بیش از ۵۰۰ ساعت پرواز داخلی در برزیل برای ۳۲ تیم حاضر در این جام انجام شده که نشان می دهد برزیلی ها در خطوط هوایی، روزهای پرتراپیکی را پشت سر گذاشته اند. آمار جالب دیگری که ارائه شده این است که بیش از ۲ هزار حوله نیز برای بازیکنان و داوران مورد استفاده قرار گرفته است و در آخر بیش از ۱۶ هزار روزنامه نگار و خبرنگار در جام جهانی ۲۰۱۴ حضور داشتند که ایران تنها ۳۲ خبرنگار و عکاس را به برزیل فرستاد که کمترین تعداد حضور خبرنگاران در جام جهانی بود.

آمار فنی

اما بهتر است نگاهی به آمارهای فنی داشته باشیم. بهترین گلزن جیمز رودریگز از کلمبیا با ۱۷ شوت به دروازه و ۶ گل زده بود که مسی و مولر و کریم بنزما هم به گردپایش نرسیدند. بیشترین دوندگی توماس مولر از آلمان با ۸۳۹۵۷ متر بود که آماری فوق العاده است و نزدیک بود که او آقای گل هم بشود. اما در تیم ملی ایران آندرانیک تیموریان با ۳۲ کیلومتر و هشتصد متر دوندگی در ۲۷۰ دقیقه بازی بهترین بازیکن تیم ملی ایران از لحاظ دویدن بوده و جواد نکونام با ۳۲ کیلومتر و ششصد متر دویدن و رضا قوچان نژاد با ۲۳ کیلومتر دوندگی در رده های بعدی بودند. بیشترین پاس کامل را فیلیپ لام کاپیتان تیم ملی آلمان داد که با ۵۶۲ پاس رکورد و ۸۶/۳ پاسهیش به مقصد رسید. آلمان فقط در فینال ۹۱۵ پاس داد که رکورد پاس دادن یک تیم را در طول تاریخ جام جهانی شکست. در تیم ملی ایران پژمان منتظری با ۱۲۰ پاس از جمله ۸۹ پاس سالم و درصد موفقیت ۷۴ بهترین بازیکن تیم ایران بود و آندو تیموریان و جواد نکونام در رده های بعد قرار می گیرند. بر اساس آمار بهترین دروازه بان مانوئل نوبر آلمانی بود که با ۲۵ دفع (۴ گل خورده - ۸۶ درصد موفقیت) بهترین دروازه بان جام هم شد و دیدید که دستکش طلایی هم گرفت. اما پرتلاش ترین بازیکن بر اساس آمار کریم بنزما از فرانسه بود که با ۳۲ شوت به دروازه در ۴۵۳ دقیقه آماری منحصر به فرد به جا گذاشت. اما خشن ترین بازیکن جام آنتونیو والنسیا از کلمبیا بود که یک کارت زرد و یک کارت قرمز گرفت و ۱۱ خطا انجام داد. پس از او روبین فان پرسی از هلند با کارت زرد و ۱۸ خطا بازیکن خشن بعدی است که البته زیاد به قیافه اش خشونت نمی خورد. همه می دانند که پرگل ترین بازی، بازی برزیل و آلمان بود که ۸ گل داشت. اما تیم های ملی بلژیک و آمریکا پر حمله ترین بازی را با ۵۲ حمله رقم زدند که می شود گفت آمار آنها هم منحصر به فرد است. اما خشن ترین بازی بازی کاستاریکا-یونان بود که در وقت ۱۲۰ دقیقه یک-یک مساوی شد و در ضربات پنالتی این کاستاریکا بود که برنده شد اما در نهایت با ۶ کارت زرد و یک کارت قرمز این بازی خشن ترین بازی جام جهانی ۲۰۱۴ شد. یک آمار جالب هم از بازی فینال بین آلمان و آرژانتین درج شد که ۱۵۰۱ پاس سالم در آن رد و بدل شد که نشان می دهد بازیکنان چقدر در فینال، خوب بازی کرده اند.

پیراهن تیم ملی فرانسه زیبا طراحی شده بود. این نظر طراحان لباس بود. البته پیراهن تیم ملی ایران با یوزپلنگ هم از پیراهن خوش آب و رنگ جام بود، اما با احترام به پیراهن ایران، پیراهن فرانسه را انتخاب کردیم. البته از پیراهن تیم ملی آلمان هم نمی شود گذشت.

بدترین پیراهن: تیم ملی بلژیک

پیراهن ساده ای بود. قرمز خشک و خالی. چیز خاصی نداشتند و شما وقتی پیراهن آنها را می دیدید، فرق زیادی با پیراهن دیگر تیم های قرمز پوش جام نداشتند.

بدترین مدل مو: رودریگو پالاسیو، هافبک آرژانتین

مدل مویش روی مخ بود. می گفتند خرافاتی است و به همین خاطر موهایش را بر اساس یک طلسم به این شکل درآورده و دیدید که در فینال نه تنها طلسم به کمکش نیامد، بلکه یک تک به تک به تک را خراب کرد.

بهترین بازیکن نه چندان معروف:

گیلرمو اوچائو، دروازه بان مکزیک

شگفتی ساز جام: تیم ملی کاستاریکا

آنها خوب جلو آمدند و حتی می توانستند تاریخ ساز هم بشوند. شاید اگر به تور هلند نخورده بودند، در جمع چهار تیم قرار می گرفتند. آنها هلند را دق دادند و کار راه ضربات پنالتی کشاندند. هر چند دیرک های دروازه هم با آنها زیاد مهربان نبودند.

بهترین مربی: لوئیز فان خال، سرمربی هلند

با احترام به یواخیم لوه، فان خال تیم خوبی داشت. از نظر فنی تیم ملی هلند، از تیم های دیگر بهتر کار کرد و فوتبال روان تری را بازی کرد، البته فاصله لوه و فان خال، زیاد نیست اما کارشناسان به او رای داده اند.

بدترین مربی: ویسنته دل بوسکه، سرمربی اسپانیا

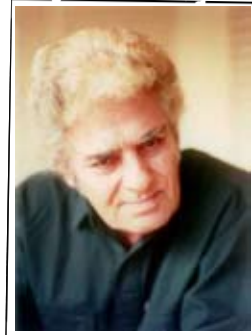
درباره چه می شود گفت؟ تیم قهرمان دوره قبل را که خودش هم قهرمان کرده بود، حذف کرد. وقتی سرمربی تیمی هستی که به تکی تاکا معروف است و تیمت با فضاقت حذف می شود، معلوم است که بدترین مربی جام هم می شوی

احساسی ترین بازیکن: نیمار، مهاجم برزیل

اشکهایش در جیبش بود. با سرود ملی برزیل، با گل زدن و گل خوردن برزیل گریه می کرد. بازی به وقت اضافه می رفت گریه می کرد و خلاصه اینکه آنقدر احساساتی و شکننده بود که در بازی با کلمبیا کمرش را شکستند تا نیمه نهایی و فینال را از دست بدهد. جام جهانی جای بازیکنانی نیست که احساساتی باشند چون معمولاً به احساساتی جام نمی دهند!

در مردادی چنین گرم و پرداستان

سالروز مرگ تاپستانی احمد شاملو



دوم مرداد ۱۳۷۹
 «مرگ را دیده‌ام من،
 در دیدار غمناک،
 من مرگ را به دست
 سوده‌ام.
 من مرگ را زیسته‌ام
 با آوازی غمناک
 غمناک
 و به عمری سخت دراز و سخت فرساینده
 آه، بگذاریدم! بگذاریدم!
 اگر مرگ
 همه آن لحظه آشناست که ساعت سرخ
 از تپش باز می‌ماند»

مرگ کمال‌الملک



۲۷ مرداد سالگرد مرگ کمال‌الملک
 نقاش و هنرمند ایرانی است که
 هرچند هنر اروپایی و مدرن را
 به ایران آورد و سال‌ها در مدرسه
 صنایع مستظرفه هنرمندان بنامی
 تربیت کرد، اما روزهای آخرش
 در تاپستان ۱۳۱۱ دیگر شاد و
 پرخلاقیت نبود، آن‌طور که تاریخ
 به یادش می‌آورد.

می‌گویند محمد غفاری مردی
 که از شاگردی دارالفنون و
 کشیدن نقاشی بزرگان کارش را
 شروع کرده بود و حتی سه سال
 در اروپا هنر نقاشی آموخته بود،

بعد از آمدن رضاخان زیر فشار زیادی قرار گرفت و درس‌آموزی را رها
 کرد و به تبعیدی خودخواسته رفت، تاریخ با حسرت می‌گوید که وقتی
 بودجه مدرسه صنایع مستظرفه که کمال‌الملک مدیریتش بود قطع شد،
 این مرد با دلی شکسته به ملکش در حسین‌آباد نیشابور مهاجرت کرد
 و سال‌های آخر عمرش را با غصه و حسرت از همه سال‌های گذشته
 گذراند و بعد هم وقتی در حادثه‌ای یکی از چشم‌هایش نابینا شد، نقاشی
 را که آن‌قدر عزیز می‌داشت، کم‌کم کنار گذاشت و بالاخره در ساعت
 دو بعدازظهر روز یکشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۱۱ چشم از جهان فرو بست.
 بیکر او را در نیشابور و مجاور مزار عطار نیشابوری به خاک سپردند،
 غافل از صدایش که انگار در قلب تاریخ حک شده بود وقتی می‌گفت:
 «من گوشه‌ای از بیابان را اختیار کرده و به دو فنجان شیر قناعت کرده‌ام
 که بقیه عمر را بکوشم تا گذشته را فراموش کنم.»

زادروز علی حاتمی

۲۳ مرداد ۱۳۲۳ روز تولد مردی است که خیلی از آدم‌های تاریخی را با آثارش شناخته‌ایم
 و خیلی از این سالگردها در قصه‌ها و فیلم‌ها و تصاویر او نقش تازه و رنگی‌تری پیدا
 کرده‌اند. علی حاتمی پسری از خیابان شاهپور تهران، پسر دوم مردی که با کار
 چاپخانه‌ای زندگی‌اش را می‌گذراند، یک آدم معمولی نبود، همین هم بود که همه عمر
 چنان سرشار از تصویر و رنگ و قصه بود که نتوانست زندگی بی‌سروصدای پدرش را
 ادامه دهد و به شوق نوشتن و تصویر از تیاترهای لاله‌زار و بعد هم هنرستان هنرپیشگی
 تهران سر در آورد و دست آخر هنری را به عرصه نمایش آورد که گمان نکنم در هیچ
 مدرسه‌ای، هنرستان و دانشگاهی تدریس شود. این مرد که خیلی از ما تصویرمان، تصویر
 قشنگ و ملموس نوی ذهنمان از تاریخ و گذشته ایران را مدیونش هستیم، در تاپستانی
 گرم دنیا آمد و با خودش هزار قصه آورد و بالاخره بعد از خلق ده‌ها سریال تلویزیونی و
 فیلم سینمایی در سال ۱۳۷۵ بدرود حیات گفت.

جدول کلمات متقاطع

طراح: علیرضا صفری

در غرب ایران ۶- کسی که به سن سربازی رسیده - تغییر دادن معنی یا
 مضمون سخن یا نوشته دیگری ۷- از شاعران بزرگ ایرانی - زندانی ۸- رهبر
 آزادی‌بخش هند - شیوه، روش ۹- میدانی معروف در تهران - تنها - مقام و
 منزلت - تصدیق روسی ۱۰- الکترون یا ذره بنیادی باردار - گلی خوش‌بو و
 زینتی - از خنک‌کننده‌های تاپستانی ۱۱- تکرار یک حرف - از نام‌های مردانه
 عربی - هم‌نشین هوی ۱۲- خودپسند - جمع مطلب ۱۳- شرکت در کاری
 برای کمک به آن - شیرینی مخصوص ماه مبارک رمضان

عمودی:

۱- ایجاد شیر در داخل لوله - کسی که در رادیو یا تلویزیون برای شنوندگان
 یا بینندگان برنامه اجرا می‌کند ۲- گنجی که زیر خاک پنهان است - کتابی از
 ابوعلی سینا ۳- دارای اتکا - در فروشگاه‌ها برای نمایش لباس استفاده می‌شود
 - تلخ ۴- واحد سطح - از وزارت‌خانه‌ها - پدر ترک ۵- حرف فاصله - از خدماتی
 که شرکت فناوری اطلاعات ارائه می‌دهد ۶- گوشه‌گیر - جایی که در آن کباب
 می‌فروشند ۷- پرده کوچکی در پشت دیافراگم دوربین که میزان تابش نور به
 سطح فیلم را تنظیم می‌کند - دانه‌ای که برای تکثیر می‌کارند ۸- فعالیت برای
 مهارت در کار - نوشته یا نقش کنده‌شده روی چیزی ۹- ناامیدی - نوگرایی،
 تفکر و استدلال منطقی - زینت رو ۱۰- لقبی اشرافی برای بزرگان قبیله‌ها - هر
 یک از کیسه‌های ریز پر از هوا در شش‌های مهره‌داران - باران نرم یا قطعات ریز
 ۱۱- غذای بیماری - اپراتور - بخشنده ۱۲- جزیره‌ای در جنوب غربی اقیانوس
 هند - واسطه‌گری ۱۳- سازمانی که غذا و خدمات بهداشتی به کودکان محروم
 جهان ارائه می‌دهد - دریاچه‌ای در مرز زامبیا

افقی:

۱- از فعالیت‌های شرکت توسعه فناوری اطلاعات ۲- تهمت - آماده‌سازی و پردازش ۳- خوب
 و پسندیده - آدمک سر جالیز برای ترساندن پرندهگان - خودخواه بسیار می‌گوید ۴- کشوری
 در شرق آفریقا - امر به نرفتن می‌کند - برزن ۵- مخفف پادشاه - سر - اثر رطوبت - رودی